

پیرامون

ویژنه‌نامه تخصصی نوآوری شهری | شماره ۳ | تابستان ۱۴۰۴

گردشگری شهری؛ روایت مکان و معنا

طراحی خدمات و تفکر طراحی؛
نگاهی نو به حل مسائل پیچیده

مدارس نو
محلله‌های نو

آیا خطوط دوچرخه‌سواری ترافیک
خیابان را افزایش می‌دهند؟

چند فوت کوزه‌گری در
روایه سازی شهرها



صاحب امتیاز:

مرکز خلاقیت و نوآوری شهرداری
یزد

مدیر مسئول:

حسین ابوظالبی

سردبیر:

محمد رضا پهلوان زاده

طراح جلد:

علیرضا هاشمیه

عکس روی جلد از:

مجید دهقانی زاده



مرکز خلاقیت و نوآوری
شهرداری یزد

پیرامون

دبیر تحریریه:

فرشته هاشمیه

طراح نام‌واره و هویت دیداری:

علیرضا هاشمیه

طراحی صفحات و گرافیک:

عسل سلاخ زاده، بهاره شمس پناه

ناظر محتوایی:

محمد صادق روح‌نواز، مجتبی اعتمادی، سارا گیلوری

رصد و پایش:

زهرا ربیعی

با همکاری:

شورای سیاست‌گذاری و راهبری مرکز خلاقیت و نوآوری
شهرداری یزد، شورای اسلامی شهر یزد، کمیسیون شهر
هوشمند و بهبود روش‌های شورای اسلامی شهر یزد،
معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری یزد،
معاونت مالی و اقتصادی شهرداری یزد، مدیریت ارتباطات و
امور بین‌المللی شهرداری یزد

و با سپاس از:

ابوالقاسم محی‌الدینی (شهردار یزد)، مجید تجملیان،
بی‌بی فاطمه حقیرالسادات، محمد روستایی، مجید بیک،
سید علی مشتاقیون، امیرشاکری، سید محمدعلی شبانی
محمدحسین شفیعی، علیرضا امراللهی، علیرضا آزادمنش

تابستان ۱۴۰۴

فهرست

- ۵ سخن شهردار
۶ یادداشت مدیر مسئول
۷ سرآغاز

فصل یکم: شهر و محیط زیست

- ۱۰ راهنمای اقدام اقلیمی برای برنامه‌ریزان شهری
۱۷ چگونگی پیشرفت برنامه‌های شهرها در جهت کاهش زباله‌ها
۲۱ آغاز اجرای برنامه اقدام تاب‌آوری اقلیمی در آتلانتا با تمرکز بر عدالت انرژی

فصل دوم: شهر و سازندگی

- ۲۶ مدارس نو، محله‌های نو
۲۷ از مادرید تا لس‌آنجلس؛ به‌روزرسانی‌های شهری در معماری معاصر در مواجهه با تغییر اقلیم
و سیاست
۳۱ چگونه KABOOM با وجود گرمای شدید، فضاهای بازی را خنک نگه می‌دارد؟

فصل سوم: شهر و جابه‌جایی

- ۳۴ برنامه پاداش EZfare Rewards برای افزایش تعامل شهروندان با حمل‌ونقل عمومی
۳۶ تورین، از شهر خودرو تا پیشگام حمل‌ونقل پایدار
۴۲ آیا خطوط دوچرخه‌سواری ترافیک خیابان را افزایش می‌دهند؟
۴۳ مزایای استفاده از تقاطع‌های دایره‌ای (میدان‌ها)

فصل چهارم: شهر و هوشمندسازی

- ۴۶ برنامه‌ریزی شهری: نقش هوش مصنوعی و مسئولیت متخصصان
۵۱ به‌عنوان یک طراح با چه نگاهی به سراغ هوش مصنوعی برویم؟
۵۳ ورود Authorium به حوزه نوظهور تأمین نیاز دولتی با کمک هوش مصنوعی
۵۵ رونمایی از لباس ایمن و هوشمند پاکبان‌ها در تبریز

فصل پنجم: شهر و فرهنگ

- ۵۸ جشنواره‌ای از اجراهای هنرمند فرانسوی بر دیوارهای شهر
۶۱ لندن در پی ایجاد مراکز شهری سرزنده
۶۲ بوم شهری، تجربه زیباسازی محوطه‌های کارگاهی
۶۴ هنر به‌مثابه محرک بازآفرینی شهرهای کوچک

فصل ششم: شهر و فضاهای همگانی

نورمن فاستر و Buildner

نوسازی پلازای عمومی بانک Truist برای ایجاد تجربه‌ای متفاوت در شهر

پروژه‌های فینالیست جایزه اروپایی فضاهای عمومی شهری

تأثیر مبلمان شهری بر فضاهای عمومی

فصل هفتم: شهر و مدیریت

طراحی خدمات و تفکر طراحی؛ نگاهی نو به حل مسائل پیچیده شهرها

درس آموخته‌هایی از آتش‌سوزی لس‌آنجلس برای مدیریت بهتر شهرها

فصل هشتم: شهر و همه‌شمولی

آنچه خانواده‌ها از فضاهای عمومی نیاز دارند: نگاهی به مجموعه برنده جایزه پولیتزر (Pulitzer)

طرحی آینده‌نگر برای محله‌ای آینده‌نگر و مناسب سالمندان در منچستر

پرونده ویژه: گردشگری شهری؛ روایت مکان و معنا

چند فوت کوزه‌گری در روایی‌سازی شهرها

گردشگری به مثابه حافظه‌سازی

معماری زنده: از حافظه تا احیا | تجربه گردشگری در فضاهای تاریخی میان گذشته و آینده

شهری که می‌نویسیم...

فراتر از بازدید: چگونه دانشگاه‌ها و گروه‌های دانشجویی پروژه‌های نوآورانه گردشگری

شهری را هدایت می‌کنند؟

آینده‌ی گردشگری: تحلیل روندها و پیشران‌های کلیدی

در تلاقی زندگی و تماشا: شهرهایی که خانه‌اند، نه موزه

۷۰

۷۳

۷۵

۸۰

۸۴

۸۸

۹۴

۹۸

۱۰۴

۱۱۱

۱۱۷

۱۲۲

۱۲۵

۱۳۲

۱۳۵

سخن شهردار



ابوالقاسم محی‌الدینی
شهردار یزد

در روزگاری که شهرها با چالش‌های پیچیده‌ای همچون رشد جمعیت، تغییرات اقلیمی، نیازهای متنوع شهروندان و ضرورت نوآوری در حکمرانی شهری روبه‌رو هستند، داشتن رسانه‌ای اندیشمند و آینده‌نگر ضرورتی انکارناپذیر است. مجله «پیرامون» در دو شماره گذشته نشان داد که می‌تواند چنین جایگاهی را برای شهر یزد و دیگر شهرهای ایران فراهم کند؛ جایگاهی که در آن ایده‌های نو، تجربه‌های جهانی و نگاه‌های تازه به مدیریت شهری طرح و بررسی می‌شوند.

بازخوردهایی که از همکاران در بدنه شهرداری یزد دریافت شده است، گواه آن است که محتوای منتشر شده در این مجله صرفاً به مطالعه و گفت‌وگو محدود نمانده، بلکه الهام‌بخش تغییر در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی بوده است. مباحثی که در حوزه حمل‌ونقل پایدار، گردشگری شهری و بهسازی فضاهای عمومی در دستور کار قرار گرفته‌اند، در برخی موارد متأثر از مباحثی بوده‌اند که در «پیرامون» مطرح شد و به زبان ساده، جرقه‌ای برای بازاندیشی در رویکردهای مدیریت شهری ایجاد کردند. همین امر نشان‌گر آن است که «پیرامون» تنها یک مجله نیست؛ بلکه بستری است برای پیوند میان اندیشه و عمل، میان دانش و مدیریت.

اکنون که به شماره سوم رسیده‌ایم، لازم می‌دانم از تلاش‌های صمیمانه و پرتمر تیم تحریریه و همه همکارانی که در تولید و انتشار این مجله نقش‌آفرین بوده‌اند قدردانی کنم. باید در نظر داشت که در طول یک‌سال که از انتشار این مجله می‌گذرد، هر شماره جدید، نسبت به قبلی پخته‌تر، جامع‌تر و به لحاظ اجرایی اثرگذارتر بوده و این روند رو به رشد امیدبخش است. شهرداری یزد، همراهی با چنین رسانه‌ای را فرصتی مغتنم دانسته تا بتواند نگاه خود را با جریان‌های فکری نو همسو کند و در عین حال، تجربه‌های بومی شهر را نیز به این گفتمان اضافه نماید.

امید است «پیرامون» همچنان در مسیر توسعه و اعتلای خود گام بردارد و به منبعی الهام‌بخش برای مدیران شهری، پژوهشگران و شهروندان بدل شود. از سوی دیگر، ما نیز در شهرداری یزد متعهد خواهیم بود تا از ظرفیت‌های این رسانه ارزشمند برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان بهره‌گیریم و یزد را به الگویی پیشرو در حکمرانی شهری در ایران و منطقه تبدیل کنیم.

مجله «پیرامون» از همان ابتدا با هدفی روشن پا به میدان گذاشت؛ ایجاد پلی میان تجربه‌های نوآورانه شهری در جهان و نیازهای واقعی مدیریت شهری در ایران، به‌ویژه در شهر یزد. باور ما در مرکز خلاقیت و نوآوری شهرداری یزد این است که دسترسی به چرخه نوآوری‌های شهری و آگاهی از روندهای جهانی، لازمه تصمیم‌گیری‌های امروز ما برای آینده‌ای پایدار و انسانی‌تر است.

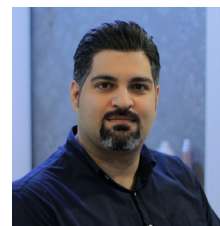
خوشبختانه در دو شماره نخست این مجله توانستیم شاهد بازخوردهای ارزشمندی باشیم؛ همکاران در بخش‌های مختلف شهرداری و همچنین کارشناسان و دانشگاهیان، بسیاری از ایده‌های مطرح‌شده را در مباحث کارشناسی و حتی در طراحی پروژه‌های جدید مورد استفاده قرار داده‌اند. این نشان می‌دهد که «پیرامون» توانسته فراتر از یک رسانه صرف، به بستری برای یادگیری و انتقال تجربه تبدیل شود. اما باید تأکید کنم که فعالیت‌های «پیرامون» محدود به صفحات چاپی مجله نیست. این حرکت، یک جریان چندلایه است که اجزای گوناگون آن یکدیگر را تکمیل می‌کنند. پادکست‌های «رادیو پیرامون» بستری شنیداری فراهم می‌آورد تا اندیشه‌ها و روایت‌ها به شکل صمیمی‌تر و گسترده‌تری به مخاطبان برسد. جلسات انتقال ایده‌ها و نشست‌های تخصصی فرصتی برای مدیران و کارشناسان شهری فراهم می‌کند تا به‌صورت رودررو با نوآوری‌ها و تجربه‌های موفق جهانی آشنا شوند. همچنین حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها موجب شده تا محتوای ما از مرزهای جغرافیایی عبور کند و در دسترس علاقه‌مندان بسیاری در سراسر کشور قرار گیرد.

پرونده ویژه این شماره با تمرکز بر «گردشگری شهری؛ پیوند مکان و معنا» به این منظور انتخاب شد که فراتر از کالبد و فناوری‌های جاری در شهر، به تجربه زیسته شهروندان و بازدیدکنندگان نیز به‌طور ویژه توجه شود. گردشگری می‌تواند عرصه‌ای باشد برای خلق معنا، بازخوانی هویت محلی و ایجاد فرصت‌های نو در پیوند میان اقتصاد شهری و کیفیت زندگی.

امروز که به شماره سوم رسیده‌ایم، می‌توانیم با اطمینان بیشتری بگوییم که «پیرامون» به تدریج به یک اکوسیستم دانشی بدل شده است؛ اکوسیستمی که مأموریت آن تقویت خلاقیت، نوآوری و به‌روز شدن نگاه مدیریتی در مواجهه با مسائل شهری است. این مسیر بدون همراهی همکاران پرتلاش در تحریریه، پشتیبانی مدیران شهری و استقبال خوانندگان، امکان‌پذیر نبود.

امیدوارم با تداوم این حرکت، «پیرامون» نه تنها در یزد بلکه در سطح ملی، به مرجعی معتبر برای ایده‌های نو در حوزه شهرسازی و مدیریت شهری تبدیل شود و الهام‌بخش گام‌های بزرگ‌تری در مسیر ساختن آینده‌ای بهتر برای شهرهایمان باشد.

پیش‌گفتار



حسین ابوطالبی
مدیر مسئول مجله

سرآغاز



محمد رضا پهلوان‌زاده
سردبیر مجله

انتشار هر شماره از مجله «پیرامون» برای ما فرصتی بوده تا از یک سو تجربه‌ای تازه در روایت مسائل شهری بیازماییم و از سوی دیگر، بازخوردهای ارزشمند مخاطبانمان را دریافت کنیم. همین بازخوردهاست که چراغ راه ما برای بهبود مستمر بوده و کمک کرده تا مسیر مجله هر بار پخته‌تر و متناسب‌تر با نیازهای مدیران شهری، کنشگران، کارشناسان و پژوهشگران ادامه یابد.

در فرآیند آماده‌سازی شماره سوم، کوشیدیم بر اساس این بازخوردها تغییراتی معنا دار ایجاد کنیم. نخستین گام، پیوند عمیق‌تر میان نسخه شنیداری و نوشتاری بود؛ از این رو بخشی از محتوای پادکست‌های «رادیو پیرامون» را به صورت خلاصه پیاده‌سازی کرده و در قالب متن مکتوب در اختیار خوانندگان قرار دادیم. این کار نه تنها امکان مرور دوباره نکات کلیدی را فراهم می‌آورد، بلکه به خوانندگانی که فرصت شنیدن ندارند کمک می‌کند تا از محتوای پادکست‌ها نیز بهره‌مند شوند. از سوی دیگر، در پرونده ویژه این شماره که با موضوع «گردشگری شهری؛ پیوند مکان و معنا» تدوین شده، تصمیم گرفتیم بیش از پیش به تولید متن‌های تألیفی دست اول تکیه کنیم. نویسندگان جوان و خوش‌فکر، با تکیه بر مرور تجربه‌های جهانی و تحلیل روندهای نوظهور، مقالاتی را آماده کرده‌اند که نه صرفاً بازنشر ایده‌های رایج، بلکه ارائه نگاهی نو و کاربردی برای شهرهای ایران محسوب می‌شود. این رویکرد تألیفی، به غنای محتوای مجله افزوده و امکان گفت‌وگویی جدی‌تر میان تجربه‌های بین‌المللی و نیازهای بومی را فراهم کرده است.

نکته دیگری که در این شماره مدنظر قرار گرفت، ایجاد توازن دقیق‌تر میان بخش‌های موضوعی مختلف بود. تلاش کرده‌ایم سهم مباحث سیاست‌گذاری، فناوری‌های شهری، تجربه‌های جهانی و روایت‌های محلی متناسب‌تر باشد تا مخاطب بتواند تصویری جامع‌تر از تحولات شهری به دست آورد. در کنار این، توجه ویژه‌ای به اجرایی بودن مطالب داشتیم؛ به گونه‌ای که هر یادداشت یا مقاله بتواند راهی برای کاربرد در شهرهای ایران پیش روی مخاطب قرار دهد و فراتر از تحلیل‌های نظری صرف، به ایده‌های عملیاتی و قابل اجرا نزدیک شود. امیدواریم شماره سوم «پیرامون» بتواند بیش از پیش به رسالت خود عمل کند؛ ایجاد بستری برای هم‌اندیشی میان اندیشه و عمل، میان پژوهشگران و مدیران، و میان تجربه‌های جهانی و نیازهای بومی. تداوم این مسیر بدون همراهی و نقدهای سازنده مخاطبان ممکن نیست. از همین رو، همچنان منتظر شنیدن دیدگاه‌های شما هستیم تا «پیرامون» در شماره‌های آینده کامل‌تر، مفیدتر و اثرگذارتر پیش برود.





خلاصه: این راهنما، که توسط شبکه جهانی شهرداران برای مقابله با بحران اقلیمی تدوین شده، بر نقش برنامه‌ریزی شهری در کاهش اثرات تغییرات اقلیمی و افزایش تاب‌آوری شهرها تمرکز دارد. توسعه شهری پرشتاب و پراکنده منجر به افزایش مصرف زمین، انتشار گازهای گلخانه‌ای و گسترش سکونتگاه‌های آسیب‌پذیر شده است. این گزارش راهکارهایی نظیر توسعه فشرده و کارآمد شهری، کاهش فاصله‌های سفر، اولویت‌بندی حمل‌ونقل عمومی، حفظ زمین‌های طبیعی و کنترل ساخت‌وساز در مناطق پرخطر را ارائه می‌دهد. همچنین، نمونه‌هایی از شهرهای مختلف جهان معرفی شده که این سیاست‌ها را با موفقیت اجرا کرده‌اند. هدف این راهنما، تجهیز برنامه‌ریزان شهری به ابزارهایی برای طراحی شهرهای پایدار، کم‌کربن و مقاوم در برابر تغییرات اقلیمی است.

تا سال ۲۰۵۰، از هر سه نفر در کره زمین، دو نفر در شهرها زندگی خواهند کرد. افزایش جمعیت شهری منجر به توسعه و رشد شهرها می‌شود و از آن جایی که رشد شهرها معمولاً به سمت بیرون است، هر روز شاهد اختصاص اراضی گسترده‌تری به کاربری‌های شهری خواهیم بود. از طرف دیگر، مساحت ساخته‌شده شهرها سریع‌تر از جمعیت آن‌ها در حال رشد است. همین موضوع منجر به ایجاد شهرهای وسیع و پراکنده‌ای شده که اغلب در معرض خطرات اقلیمی هستند. همچنین حدود ۹۰٪ توسعه شهری در کشورهای جنوب (کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته) در نزدیکی مناطق آسیب‌پذیر و به شکل سکونتگاه‌های غیررسمی و برنامه‌ریزی‌نشده دنبال می‌شود. این راهنما - که توسط شبکه جهانی شهرداران جهان که در راستای بحران اقلیمی فعالیت می‌کنند تهیه شده است - در پی یافتن پاسخی شهرسازانه به مسائل یادشده تنظیم گردیده است و به برنامه‌ریزان شهری در سراسر جهان کمک می‌کند تا نقش خود را در مقابله با بحران‌های اقلیمی به شکلی مؤثرتر ایفا کنند.

امروزه حدود ۸۰٪ از شهرها با خطرات قابل توجهی از گرما و سیلاب مواجه هستند؛ برنامه‌ریزی شهری یک توسعه پایدار دانست، برنامه‌ریزی شهری خوب

تلاش می‌کند تا با طراحی و تنظیم شیوه استفاده از فضا در داخل شهرها، اهداف زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی را متعادل کند. این فرایند چارچوبی را فراهم می‌کند که شهرها بتوانند به‌گونه‌ای توسعه یابند که نیازهای نسل‌های حال و آینده را برآورده کنند و در عین حال توسعه فضایی سبزتر، سالم‌تر و عادلانه‌تری را در پیش بگیرند. بدون توجه به کاهش اثرات تغییرات اقلیمی و سازگاری با آن، دستیابی به این اهداف غیرممکن است. به همین ترتیب، برنامه‌ریزی شهری ابزاری ضروری برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای (کاهش اثرات) و کاهش آسیب‌پذیری در برابر خطرات اقلیمی (سازگاری) محسوب می‌شود. بیشتر برنامه‌ریزان شهری نیازی به قانع‌شدن برای گنجاندن ملاحظات اقلیمی در کارهای برنامه‌ریزی خود ندارند؛ اما اغلب، برنامه‌ریزان باید دلیلی قوی برای گنجاندن اقدام‌های پاسخ‌گو به تغییرات اقلیمی ارائه دهند، به‌ویژه هنگام معرفی پروژه‌های خود و تعامل با تصمیم‌گیران و سایر ذی‌نفعان.

■ کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ساختمان‌ها از طریق تراکم متناسب و طراحی کارآمد ساخت‌وساز

الگوهای ساختمان و شکل شهری کارآمد و فشرده تقاضا برای گرمایش و سرمایش را کاهش می‌دهند، بنابراین انتشارهای مرتبط با عملیات ساخت‌وساز را کاهش می‌دهند. شهرهای فشرده‌تر به شبکه‌های زیرساختی محدودتری نیاز دارند و انتشارهای مرتبط با مصالح ساخت‌وساز را کاهش می‌دهند. شهرهای فشرده همچنین سرمایه‌گذاری در حوزه زیرساخت‌ها را از نظر اقتصادی توجیه‌پذیرتر می‌کنند.

الگوهای کارآمد - مانند ساختمان‌های چندخانواوری میان‌مرتبه یا ساختمان‌های چندمنظره - مصرف‌مواد و مصالح اولیه ساخت‌وساز و انتشارهای ناشی از فرایند ساخت‌وساز را کاهش می‌دهند. "برنامه‌ریزی فضایی یکپارچه با هدف دستیابی

به رشد شهری فشرده و کارآمد از طریق نزدیکی محل کار و سکونت، استفاده مختلط از زمین و توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ انتشار گازهای گلخانه‌ای را بین ۲۳ تا ۲۶ درصد در مقایسه با روند معمول کاهش دهد." یک ارزیابی از چهار نوع الگوی شهری معمول - تراکم افقی بالا با ساختمان‌های بلند، تراکم افقی پایین با ساختمان‌های بلند، تراکم افقی پایین با ساختمان‌های بلند، تراکم افقی پایین با ساختمان‌های بلند - نشان داد که چیزی در میانه، یعنی تراکم متوسط و ساختمان‌های میان‌مرتبه (کم‌ارتفاع) بهترین شکل خواهد بود. شهرهای با ساختمان‌های بلند و تراکم بالا، انتشار دی‌اکسید کربن را ۱۵۴٪ بیشتر از شهرهای با ساختمان‌های کم‌ارتفاع و تراکم بالا افزایش می‌دهند؛ در حالی که مسکن با تراکم پایین به ۱۴۲٪ زمین بیشتری نیاز دارد.

نتیجه‌گیری واضح است:

شهرها باید برای محیط‌های شهری با تراکم متوسط و ساختمان‌های میان‌مرتبه (۴ تا ۶ طبقه) برنامه‌ریزی کنند تا اثرات انتشار کربن را به‌طور چشمگیری کاهش دهند بدون اینکه نیاز به افزایش قابل توجهی در استفاده از زمین باشد. توسعه زیرساخت‌ها در مناطق شهری فشرده از نظر میزان انتشار کربن و هزینه بیشترین کارایی را دارد، زیرا برای اتصال فیزیکی خانه‌ها و شرکت‌ها هنگامی که در نزدیکی یکدیگر قرار دارند، به زمین، مصالح و انرژی کمتری نیاز است. بنابراین، تراکم بالای جمعیت هزینه ایجاد زیرساخت‌های شبکه‌ای مانند جاده‌ها، راه‌آهن، شبکه‌های برق، خطوط مخابرات، تأمین آب و سیستم‌های فاضلاب را کاهش می‌دهد. یک مطالعه از بانک جهانی در آفریقا، جنوب صحرای بزرگ نشان داد که هزینه‌های سرمایه‌گذاری برای ارائه آب لوله‌کشی، توالتهای فرنگی، برق و تلفن‌های سیار در شهرهای با تراکم بالا، به‌طور متوسط به ازای هر نفر ۳۲۵ دلار است، در حالی



کم خطر مرتبط است، زیرا مناطق پرخطر اغلب تنها مناطقی هستند که برای فقیرترین ساکنان در دسترس هستند.

تحلیل جهانی انجام شده توسط بانک جهانی از الگوهای شهری و تکامل قرارگیری در معرض سیلاب بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که برای بسیاری از مناطق، رشد شهری در مناطق با ریسک سیلابی سریع‌تر از رشد در مناطق با ریسک پایین بوده است. این مطالعه نقش برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر خطرات را برای کاهش قرارگیری در معرض خطرات اقلیمی در شهرها تأکید می‌کند.

■ کاهش تأثیر رویدادهای اقلیمی با حفظ زمین‌های طبیعی و اولویت دادن به راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت

تمرکز رشد شهری در مناطق شهری موجود به حفظ زمین‌ها و سیستم‌های آبی طبیعی مجاور شهرها کمک می‌کند. حفظ این اکوسیستم‌ها با محافظت از سیلاب‌دشت‌های طبیعی، کاهش تأثیر امواج طوفانی و حفاظت از مناطق تأمین آب به تاب‌آوری اقلیمی کمک می‌کند.

کربن (CO_2) از جو را دارند و به این ترتیب به کاهش سطح گازهای گلخانه‌ای در اتمسفر کمک می‌کنند. این چاه‌ها نقش مهمی در مقابله با تغییرات اقلیمی و تنظیم چرخه کربن ایفا می‌کنند. پرهیز از تغییر کاربری زمین همچنین می‌تواند از تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی حیاتی مانند گرده‌افشانی، تشکیل خاک و بارگشت عناصر حیاتی به اکوسیستم محافظت کند.

■ چگونه برنامه‌ریزی شهری بر آسیب‌پذیری در برابر خطرات اقلیمی تأثیر می‌گذارد؟

به‌طور کلی برنامه‌ریزان شهری می‌توانند با اقدام‌های متفاوتی از جمله مواردی که در ادامه اشاره شده است، به تاب‌آوری بیشتر شهرها و کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر خطرهای اقلیمی کمک کنند.

■ کاهش قرارگیری در معرض خطر با کنترل توسعه در اراضی خطرناک

شهرسازی غیرمنظم و مکان‌یابی نادرست یکی از عوامل اصلی گسترش شهرها به مناطق با خطرات اقلیمی بیشتر مانند سیلاب‌های ساحلی یا رودخانه‌ای و مناطق مستعد رانش زمین است. محدود کردن گسترش شهری در اراضی پرخطر و اتخاذ یک استراتژی جامع برای کاهش خطر در این مناطق که مردم قبلاً در آنجا ساکن شده‌اند، امری ضروری است. این مسئله به‌طور مستقیم با تضمین تأمین مناسب مسکن مقرون به‌صرفه در مناطق

به گزینه‌های پاک‌تر، مزایای بهداشتی قابل توجهی خواهد داشت، زیرا یکی از عوامل اصلی آلودگی هوا را که عامل ۶٫۷ میلیون مرگ زودرس سالانه است برطرف می‌کند. زیرا یکی از عوامل اصلی آلودگی هوا را که عامل ۶٫۷ میلیون مرگ زودرس سالانه است برطرف می‌کند. یک مطالعه معروف که توسط برترود و ریچاردسون در سال ۲۰۰۴ انجام شد، رابطه بین تراکم شهری و استفاده از حمل‌ونقل عمومی را در شهرهای کم‌تراکم مانند آتلانتا (آمریکا) و شهرهای پرتراکم مانند بارسلونا (اسپانیا) بررسی کرد. این شهرها تقریباً جمعیت یکسانی داشتند، اما تراکم متوسط ساخته شده در بارسلونا ۲۸ برابر بیشتر از آتلانتا بود. این مطالعه یک همبستگی مثبت قوی بین تراکم جمعیت و استفاده از حمل‌ونقل عمومی را نشان داد و وابستگی به خودروهای شخصی را کاهش داد. یافته‌های آن‌ها با تحلیل‌های جدیدتر از سوی کمیسیون جهانی اقتصاد و اقلیم تکمیل می‌شود که انتشار گازهای گلخانه‌ای حمل‌ونقل در بارسلونا و آتلانتا را مقایسه کرده است. نتایج نشان می‌دهد که انتشار گازهای گلخانه‌ای بخش حمل‌ونقل به ازای هر نفر در آتلانتا بیش از ده برابر بیشتر از بارسلونا است.

■ کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بخش حمل‌ونقل با کوتاه‌تر کردن مسافت‌ها و تسهیل تغییر الگوی حمل‌ونقل

شهرهای فشرده، که با تراکم نسبتاً بالا و استفاده مختلط از زمین شناخته می‌شوند، به ساکنان این امکان را می‌دهند که با پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری یا حمل‌ونقل عمومی سفر کنند. در مقابل، شهرهایی که با تراکم پایین و تفکیک عملکردی (استفاده غیر مختلط) توسعه یافته‌اند، افراد را مجبور به استفاده از وسایل حمل‌ونقل شخصی می‌کنند که خود انتشار بالای کربن و آلودگی هوا را در پی دارد. به کار گرفتن مدل شهری پلی‌سنتریک -شهرهایی با چندین مرکز فعالیت با نقش‌ها و کارکردهای مختلف و مبتنی بر اصول تمرکززدایی که توسط شهرهای ۱۵ دقیقه‌ای یا رویکردهای مشابه

■ حفظ زمین‌های طبیعی و پتانسیل جذب کربن آن‌ها از طریق محدود کردن ساخت‌وساز در زمین‌های بکر

تمرکز رشد و احیای شهری در مناطق شهری موجود یا در داخل یک مرز شهری تعریف شده، به حفظ زمین‌های طبیعی مجاور شهرها کمک می‌کند. این استراتژی برنامه‌ریزی، علاوه بر پشتیبانی از یک شکل شهری کارآمد که کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را در زمینه‌های ساختمان‌سازی و حمل‌ونقل فراهم می‌آورد، از دست دادن چاه‌های کربن طبیعی را به حداقل می‌رساند (چاه‌های کربن طبیعی -Natural Carbon Sinks به پدیده‌ها یا سیستم‌های طبیعی مانند جنگل‌ها، اقیانوس‌ها و تالاب‌ها اطلاق می‌شود که توانایی جذب و ذخیره‌سازی دی‌اکسید

که در شهرهای با تراکم متوسط این هزینه به ۶۶۵ دلار و در مناطق روستایی دورافتاده به ۲٫۸۳۷ دلار می‌رسد. در مجموع از دیدگاه انتشار گازهای گلخانه‌ای اگر کشورهای در حال توسعه زیرساخت‌های خود را به سطح متوسط کنونی در جهان گسترش دهند، تولید مواد زیرساختی به‌تنهایی حدود ۴۷۰ میلیارد تن انتشار دی‌اکسید کربن تا سال ۲۰۵۰ ایجاد خواهد کرد - که بیشتر این میزان به‌منظور خدمت‌رسانی به شهرهای توسعه‌یافته خواهد بود.

■ کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای بخش حمل‌ونقل با کوتاه‌تر کردن مسافت‌ها و تسهیل تغییر الگوی حمل‌ونقل

شهرهای فشرده، که با تراکم نسبتاً بالا و استفاده مختلط از زمین شناخته می‌شوند، به ساکنان این امکان را می‌دهند که با پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری یا حمل‌ونقل عمومی سفر کنند. در مقابل، شهرهایی که با تراکم پایین و تفکیک عملکردی (استفاده غیر مختلط) توسعه یافته‌اند، افراد را مجبور به استفاده از وسایل حمل‌ونقل شخصی می‌کنند که خود انتشار بالای کربن و آلودگی هوا را در پی دارد. به کار گرفتن مدل شهری پلی‌سنتریک -شهرهایی با چندین مرکز فعالیت با نقش‌ها و کارکردهای مختلف و مبتنی بر اصول تمرکززدایی که توسط شهرهای ۱۵ دقیقه‌ای یا رویکردهای مشابه ترویج می‌شود و شهری را ترسیم می‌کند که خدمات و امکانات کلیدی به‌طور عادلانه در محله‌های مختلف یک شهر توزیع شده است - به افراد این امکان را می‌دهد که بیشتر نیازهای روزانه خود را از طریق حمل‌ونقل عمومی یا روش‌های فعال (پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری) برطرف کنند. هدایت رشد شهری به مناطق با دسترسی خوب از نظر حمل‌ونقل عمومی، به این معناست که افرادی که می‌خواهند یا نیاز دارند سفرهای طولانی‌تری انجام دهند، گزینه سفر با حمل‌ونقل عمومی را دارند. زمینه‌سازی برای یک تغییر کلی از گزینه‌های حمل‌ونقل آلوده‌کننده

■ استفاده از زمین‌ها و ساختمان‌های عمومی و خصوصی در شهرها

این امر نیز می‌تواند برای ارائه راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت در مقابله با بحران اقلیمی به کار گرفته شود. راه‌حل‌های پیشنهادی شامل ادغام عناصر طبیعی مانند پشت‌بام‌های سبز، جنگل‌های شهری، سیستم‌های پایدار مدیریت آب و موارد دیگر در محیط‌های ساخته‌شده است. این عناصر به مدیریت رواناب‌ها، تثبیت شیب‌ها و کاهش اثرات جزیره گرمایی کمک می‌کنند.

بارش بی‌سابقه در ماه مه ۲۰۲۴ در ایالت ریو گرانده دو سول (Rio Grande do Sul)، جنوبی‌ترین ایالت برزیل، باعث وقوع سیلاب‌های فاجعه‌بار شد که منجر به کشته شدن بیش از ۱۶۹ نفر و بی‌خانمان شدن حداقل ۵۰۰،۰۰۰ نفر گردید.

این حادثه به عنوان بدترین فاجعه اقلیمی در تاریخ این کشور دسته‌بندی شد. در پورتو آلگره (Porto Alegre)، مرکز ایالت و یکی از بزرگ‌ترین مراکز شهری برزیل نیز حدود ۹۰٪ شهر زیر آب رفت. این دشت‌های سیلابی به عنوان یک مانع نجات‌بخش در برابر موج سیلاب عمل کردند.

بدون وجود این دشت‌های سیلابی و پوشش گیاهی داخل آن‌ها، افزایش سطح رودخانه می‌توانست تقریباً ۲ متر بیشتر باشد و سه روز زودتر رخ دهد، که زمان لازم برای فرار ساکنان به مناطق امن را کاهش می‌داد.

◆ افزایش تراکم و شکل‌گیری کارآمد ساخت‌وسازها می‌تواند انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از ساختمان‌ها را کاهش دهد.

◆ کاهش فاصله‌ها و تسهیل تغییر شیوه حمل‌ونقل می‌تواند انتشار کربن ناشی از حمل‌ونقل را کاهش دهد.

◆ محدود کردن گسترش شهری به سمت زمین‌های بکر می‌تواند به حفظ زمین‌های طبیعی و ظرفیت آن‌ها برای جذب کربن کمک کند.

◆ کنترل توسعه شهری در زمین‌های پرخطر می‌تواند میزان آسیب‌پذیری در برابر خطرات اقلیمی مانند سیل یا رانش زمین را کاهش دهد.

◆ حفظ زمین‌های طبیعی و اولویت دادن به راهکارهای مبتنی بر طبیعت می‌تواند تأثیرات مخرب رخداد‌های اقلیمی را در صورت وقوع کاهش دهد.

پس از بیان اهمیت برنامه‌ریزی شهری به عنوان ابزاری برای انجام اقدام‌های مؤثر اقلیمی، این راهنما بر روی دو مؤلفه کلیدی تمرکز می‌کند:

◆ ده مرحله رایج در تهیه و اجرای یک طرح شهری هفت حوزه کلیدی سیاست‌گذاری در برنامه‌ریزی برای اقدام اقلیمی و ارائه نمونه‌های اجرا شده این موارد در شهرهای مختلف جهان ده مرحله رایج در تهیه و اجرای یک طرح شهری شامل موارد زیر است. هفت حوزه کلیدی سیاست‌گذاری در برنامه‌ریزی را برای اقدام اقلیمی شناسایی و توضیح می‌دهد و نمونه‌هایی از این موارد را در عمل، از شهرهای مختلف جهان به نمایش می‌گذارد.

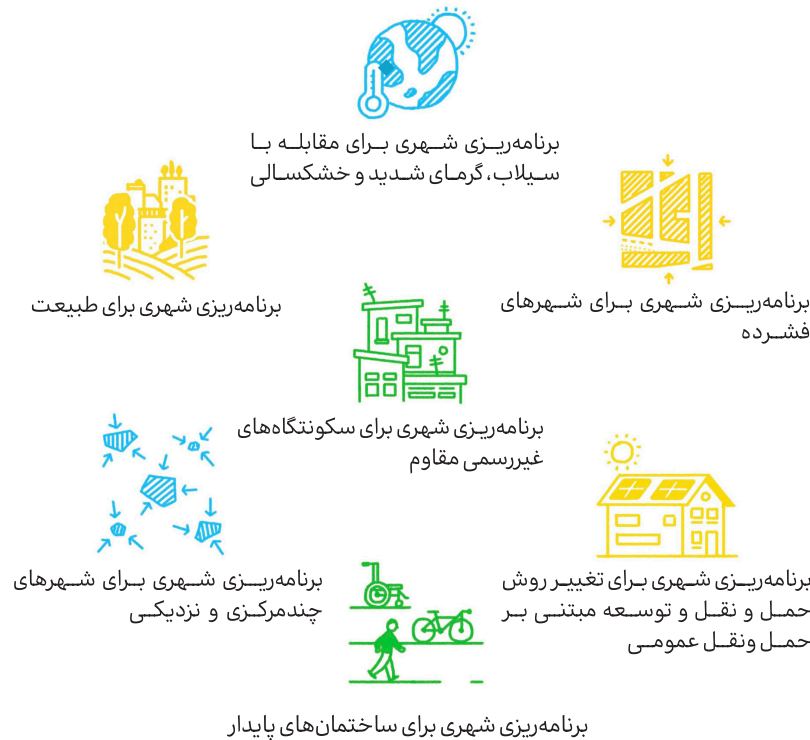
◆ مقابله با سیلاب، گرمای شدید و خشکسالی (آوکلند، کیپ‌تاون، لندن، سنگاپور).

◆ حفاظت از طبیعت (بوگوتا، ساووپائولو، اسلو).
◆ سکونتگاه‌های غیررسمی مقاوم (نایروبی، بمبئی، ساووپائولو).

◆ شهرهای فشرده (عمان، پرتلند).
◆ شهرهای چندمرکزی و تقویت نزدیکی (سئول، میلان).

◆ تغییر روش حمل‌ونقل و توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی (دهلی، آستین، مکزیکوسیتی، جاکارتا).

◆ ساختمان‌های پایدار (شانگهای، مدین، لندن).



■ هفت حوزه کلیدی سیاست‌گذاری در برنامه‌ریزی برای اقدام اقلیمی

چگونگی پیشرفت برنامه‌های شهرها در جهت کاهش زباله‌ها

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

خلاصه: در دهه‌های گذشته، بسیاری از شهرها برای مدیریت پسماند به بازیافت تکیه داشتند، اما این روش به تنهایی پاسخ‌گوی بحران زیست‌محیطی و حجم روزافزون زباله‌ها نیست. امروز شهرداری‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید رویکردی جامع‌تر اتخاذ کنند که از مبدأ تولید زباله را کاهش دهد. رویکرد «پسماند صفر» (Zero Waste) که بر پیشگیری، استفاده مجدد و تعمیر تمرکز دارد، به عنوان راه‌حلی مؤثر معرفی می‌شود. در این مسیر، کنش‌های متعددی همچون ممنوعیت پلاستیک‌های یک‌بار مصرف، توسعه مراکز تعمیر و اجاره ظروف، جمع‌آوری درب به درب، و بازگشت سپرده برای بسته‌بندی‌ها توسط شهرداری‌ها در حال اجراست. این اقدام‌های محلی، زمینه‌ساز تحولاتی سیستمی و بین‌المللی در راستای اقتصاد چرخشی و کاهش اثرات محیط‌زیستی می‌شوند.

توسط آکادمی مأموریت صفر از نهادهای وابسته به (ZWE) ارائه می‌شود، نقش مهمی در حمایت از این مسیر ایفا می‌کنند. این گواهی‌نامه تاکنون به شهرهایی با جمعیتی بالغ بر ۱۸ میلیون نفر در اروپا اختصاص یافته است.

نمونه‌هایی از اقدامات موفق در این گزارش به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، شهر تالین با ایجاد بیش از ۱۰ مرکز رسمی برای تعمیر و استفاده مجدد و دستیابی به نرخ ۹۲ درصدی بازگشت ظروف قابل استفاده مجدد در رویدادهای شهری، از پیشگامان این عرصه به شمار می‌رود.

در اسلوانی نیز شرکت Komunala Škofja Loka با راه‌اندازی سرویس اجاره ظروف، تنها در سال ۲۰۲۴ موفق به جلوگیری از مصرف ۲۳۰۰۰ فنجان یک‌بار مصرف شده است.

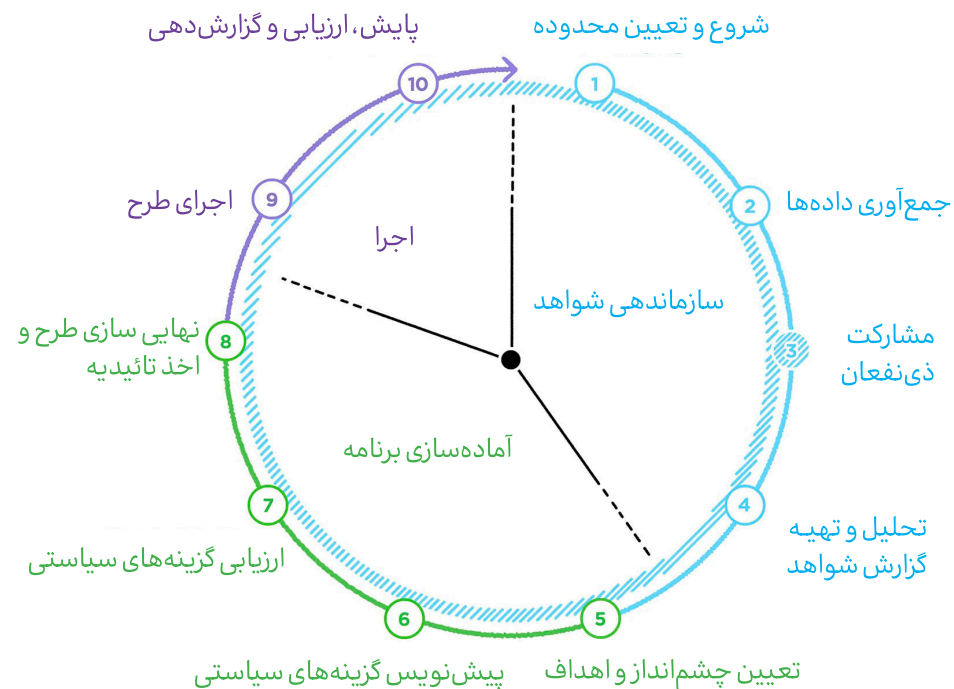
به عنوان نمونه، شهر زاگرب در کرواسی با اجرای سیاست‌هایی مانند ممنوعیت استفاده از پلاستیک‌های یک‌بار مصرف در ساختمان‌های دولتی و توسعه برنامه جمع‌آوری درب به درب زباله‌های قابل بازیافت، موفق به کاهش ۲۰ درصدی دفن زباله و افزایش ۵۰ درصدی در جمع‌آوری تفکیکی پسماند شده است.

پنجمین گزارش سالانه «وضعیت شهرداری‌ها در مسیر مدیریت پسماند صفر» منتشر شد:

این گزارش نشان می‌دهد که بسیاری از شهرداری‌ها در سطح جهانی در حال گذار از تمرکز صرف بر بازیافت، به سمت رویکردهای جامع‌تری در مدیریت پسماند هستند؛ رویکردهایی که بر پیشگیری، استفاده مجدد و تعمیر تأکید دارند. به عنوان نمونه، شهر زاگرب در کرواسی با اجرای سیاست‌هایی مانند ممنوعیت استفاده از پلاستیک‌های یک‌بار مصرف در ساختمان‌های دولتی و توسعه برنامه جمع‌آوری درب به درب زباله‌های قابل بازیافت، موفق به کاهش ۲۰ درصدی دفن زباله و افزایش ۵۰ درصدی در جمع‌آوری تفکیکی پسماند شده است.

بر اساس گزارش سازمان «Zero Waste Europe» (ZWE)، این تغییر رویکرد به‌ویژه در سطح محلی در حال گسترش است. پنجمین نسخه گزارش یادشده، تحولات چشمگیری را در نحوه مواجهه شهرداری‌ها با موضوع مدیریت پسماند در اروپا و سایر نقاط جهان به تصویر می‌کشد.

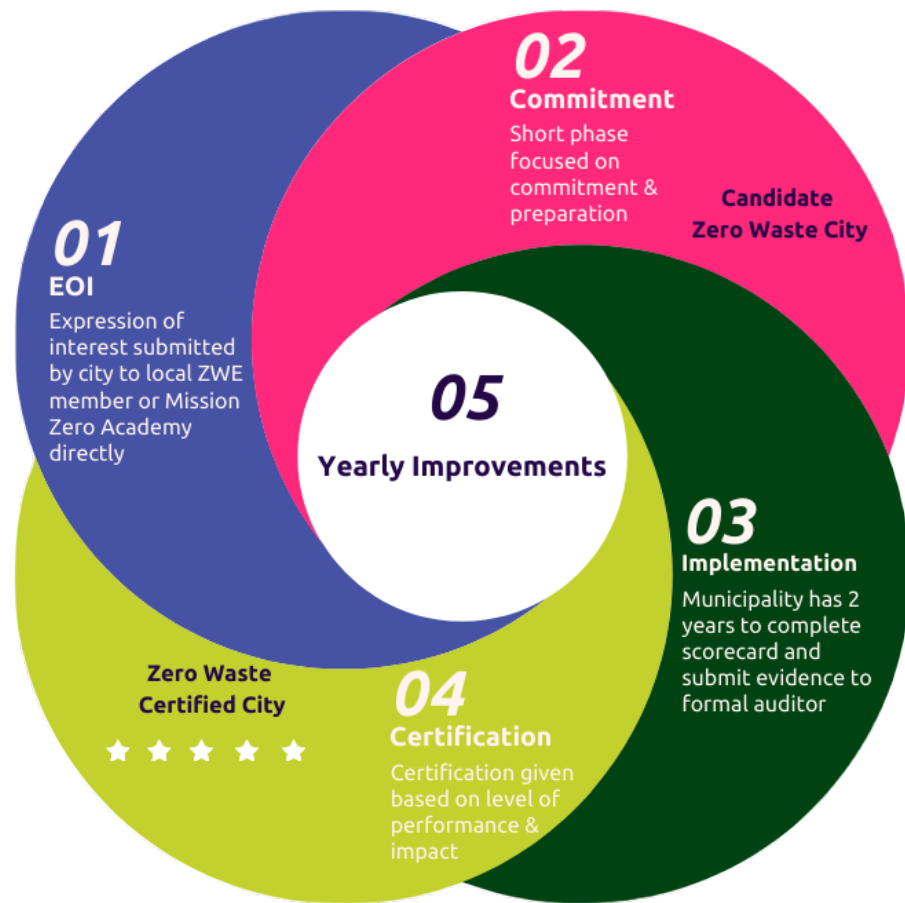
در این چارچوب، پروژه‌هایی نظیر گواهی‌نامه «شهرهای پیشرو در مدیریت پسماند صفر» که



◀ ده مرحله رایج در تهیه و اجرای یک طرح شهری ▶



c40knowledgehub.org



■ فرایند دریافت گواهی شهرهای بدون زباله: بیان تعهد، تعهد و مشارکت، اجرا و تحقق برنامه، دریافت گواهی، بهبود سالانه ■

شهرهای دیگری نیز در این مسیر دستاوردهایی داشته‌اند. آمستردام در نظر دارد میزان جمع‌آوری منسوجات به‌ازای هر نفر را دو برابر کند، منطقه کاتالونیا افزایش نرخ استفاده مجدد از منسوجات را هدف قرار داده و شهر Contarina در ایتالیا با نرخ ۹۰ درصد جمع‌آوری مجزای پسماند به الگویی موفق بدل شده است. ائتلاف «Statiegeldalliantie» نیز توانسته است بیش از ۷۳۰ شهرداری را در بلژیک و هلند برای حمایت از سیستم‌های بازگشت سپرده متحد سازد. در همین راستا، نمایشگاه «بسته‌بندی قابل استفاده مجدد ۲۰۲۴» با حضور بیش از ۴۸۰ شرکت‌کننده، گواهی بر افزایش چشمگیر توجه عمومی به راهکارهای مبتنی بر استفاده مجدد است.



■ کاهش، استفاده دوباره، بازیافت ■

بر اساس گزارش سازمان «Zero Waste Europe» (ZWE)، این تغییر رویکرد به‌ویژه در سطح محلی در حال گسترش است. پنجمین نسخه گزارش یادشده، تحولات چشمگیری را در نحوه مواجهه شهرداری‌ها با موضوع مدیریت پسماند در اروپا و سایر نقاط جهان به تصویر می‌کشد.

در این چارچوب، پروژه‌هایی نظیر گواهینامه «شهرهای پیشرو در مدیریت پسماند صفر» که توسط آکادمی مأموریت صفر از نهادهای وابسته به (ZWE) ارائه می‌شود، نقش مهمی در حمایت از این مسیر ایفا می‌کنند.

این گواهینامه تاکنون به شهرهایی با جمعیتی بالغ بر ۱۸ میلیون نفر در اروپا اختصاص یافته است. نمونه‌هایی از اقدامات موفق در این گزارش به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال، شهر تالین با ایجاد بیش از ۱۰ مرکز رسمی برای تعمیر و استفاده مجدد و دستیابی به نرخ ۹۲ درصدی بازگشت ظروف قابل استفاده مجدد در رویدادهای شهری، از پیشگامان این عرصه به شمار می‌رود.

در اسلوونی نیز شرکت Komunala Škofja Loka با راه‌اندازی سرویس اجاره ظروف، تنها در سال ۲۰۲۴ موفق به جلوگیری از مصرف ۲۳۰۰۰ فنجان یک‌بار مصرف شده است.

شهرهای دیگری نیز در این مسیر دستاوردهایی داشته‌اند. آمستردام در نظر دارد میزان جمع‌آوری

منسوجات به‌ازای هر نفر را دو برابر کند، منطقه کاتالونیا افزایش نرخ استفاده مجدد از منسوجات را هدف قرار داده و شهر Contarina در ایتالیا با نرخ ۹۰ درصد جمع‌آوری مجزای پسماند به الگویی موفق بدل شده است.

ائتلاف «Statiegeldalliantie» نیز توانسته است بیش از ۷۳۰ شهرداری را در بلژیک و هلند برای حمایت از سیستم‌های بازگشت سپرده متحد سازد. در همین راستا، نمایشگاه «بسته‌بندی قابل استفاده مجدد ۲۰۲۴» با حضور بیش از ۴۸۰ شرکت‌کننده، گواهی بر افزایش چشمگیر توجه عمومی به راهکارهای مبتنی بر استفاده مجدد است.

جک مک‌کویان، مدیر بخش اقدام محلی در ZWE، ضمن تأکید بر ابعاد امیدبخش این گزارش، اشاره می‌کند که حتی در شرایط دشوار نیز می‌توان شاهد گسترش اقدام‌های جسورانه زیست‌محیطی از سوی شهرداری‌ها بود.

او شهرهایی چون آکرا و آمستردام را نمونه‌هایی از این مسیر معرفی می‌کند.

در غنا، ابتکار «زرو ویست آکرا» از طریق تأسیس مرکز بازیابی مواد گایو (GAYO)، موفق به پردازش نیمی از زباله‌های شهری شده و به همین دلیل جایزه بین‌المللی «ارث‌شات» (Earthshot Prize) را دریافت کرده است.

نمونه‌هایی از اقدامات موفق در این گزارش به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال، شهر تالین با ایجاد بیش از ۱۰ مرکز رسمی برای تعمیر و استفاده مجدد و دستیابی به نرخ ۹۲ درصدی بازگشت ظروف قابل استفاده مجدد در رویدادهای شهری، از پیشگامان این عرصه به شمار می‌رود.

در اسلوونی نیز شرکت Komunala Škofja Loka با راه‌اندازی سرویس اجاره ظروف، تنها در سال ۲۰۲۴ موفق به جلوگیری از مصرف ۲۳۰۰۰ فنجان یک‌بار مصرف شده است.

■ آغاز اجرای برنامه اقدام تاب‌آوری اقلیمی در آتلانتا با

تمرکز بر عدالت انرژی

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

خلاصه: شهر آتلانتا در اقدامی راهبردی، نخستین برنامه جامع تاب‌آوری اقلیمی خود را از تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۲۵ آغاز می‌کند. این برنامه که حاصل ۱۸ ماه تحلیل اقلیمی و مشارکت جامعه محورهاست، بر سه تهدید اصلی (گرمای شدید، خشکسالی و سیلاب) تمرکز دارد و در پی آن است تا ظرفیت تاب‌آوری شهری و محله‌ای را با رویکردی عادلانه تقویت کند.

اهداف کلیدی برنامه عبارت‌اند از:

کاهش ۵۹٪ انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۳۰

نصب ۲۵۰ ایستگاه شارژ خودروی برقی تا پایان ۲۰۲۵

کاهش بار انرژی برای ۱۰٪ از خانوارهای پرمصرف

عدالت اقلیمی به عنوان محور اصلی برنامه، نابرابری‌های موجود در حوزه دسترسی به انرژی را هدف قرار داده است. آتلانتا در میان پنج شهر اول ایالات متحده از نظر بار انرژی قرار دارد؛ برخی خانوارها ناگزیرند تا ۱۹٪ از درآمد خود را صرف هزینه‌های آب و برق کنند. این وضعیت، شهرداری را به توسعه راهکارهایی برای کاهش فشار هزینه‌ای انرژی و بهبود بهره‌وری سوق داده است.

علیرغم تعلیق برخی حمایت‌های فدرال و حذف اصطلاحات مرتبط با تنوع، برابری و شمول (DEI) از توافق‌نامه‌ها، دفتر پایداری و تاب‌آوری شهرداری بر تداوم مسیر برنامه تأکید دارد و اقدامات جایگزین را با استفاده از ظرفیت‌های محلی، مشارکت‌های بین‌بخشی و نوآوری دنبال می‌کند. برنامه‌هایی نظیر بازسازی منازل کم‌درآمد، ارتقای عایق‌کاری، توسعه پیمانکاران بومی در حوزه انرژی و آموزش اقلیمی از جمله اقدامات اجرایی در این چارچوب‌اند. تشکیل یک هیئت مشورتی متشکل از نمایندگان محله‌های آسیب‌پذیر و نهادهای کلیدی شهری نیز به تقویت بُعد مشارکتی طرح کمک خواهد کرد.

در مجموع، آتلانتا با تمرکز بر پیوند بین عدالت اجتماعی و تاب‌آوری اقلیمی، الگویی برای سیاست‌گذاری شهری در مواجهه با بحران‌های زیست‌محیطی ارائه می‌دهد که حتی در غیاب منابع فدرال نیز قابلیت اجرا و استمرار دارد.

شهر آتلانتا، با وجود ابهامات موجود در زمینه حمایت‌های مالی فدرال، اجرای نخستین برنامه جامع خود را برای تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی آغاز می‌کند؛ برنامه‌ای که تمرکز ویژه‌ای بر عدالت در دسترسی به انرژی دارد و ممکن است با سیاست‌های دولت فدرال، به‌ویژه رویکردهای دولت ترامپ، در تضاد قرار گیرد.

گفتنی است که تاب‌آوری اقلیمی (climate resilience) به توانایی یک سیستم -اعم از طبیعی، انسانی یا ترکیبی از این دو- برای پیش‌بینی، آمادگی، پاسخ‌گویی، و بازیابی از اثرات منفی تغییرات اقلیمی گفته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که آن سیستم بتواند عملکرد خود را حفظ کرده یا حتی بهبود دهد.

در مونته‌نگرو نیز سازمان «زرو ویست مونته‌نگرو» از طریق آموزش، نوآوری و همکاری‌های اجتماعی، مسیرهایی را برای آینده‌ای پاک‌تر و پایدارتر ترسیم کرده است. در نهایت، گزارش «وضعیت شهرداری‌های زرو ویست ۲۰۲۴» با ارائه نمونه‌های عملی، تأکید می‌کند که اقدامات محلی اگر به‌درستی طراحی و اجرا شوند، می‌توانند زمینه‌ساز تغییرات سیستمی گسترده‌تر باشند.



■ شاخص‌های دریافت گواهی شهر بدون زیاله: مردم، بودجه، مشاغل، به رسمیت شناختن، روش‌ها، رویدادها ■

smartcitiesworld.net



■ تصویری از شهر زاگرب؛ زاگرب شاهد کاهش ۲۰ درصدی دفن زیاله و افزایش ۵۰ درصدی جمع آوری جداگانه زیاله بوده است که بخشی از آن به دلیل اقداماتی مانند ممنوعیت استفاده از پلاستیک‌های یکبار مصرف در ساختمان‌های عمومی است. ■

جک مک‌کویان، مدیر بخش اقدام محلی در ZWE، ضمن تأکید بر ابعاد امیدبخش این گزارش، اشاره می‌کند که حتی در شرایط دشوار نیز می‌توان شاهد گسترش اقدام‌های جسورانه زیست‌محیطی از سوی شهرداری‌ها بود. او شهرهایی چون آکرا و آمستردام را نمونه‌هایی از این مسیر معرفی می‌کند.

در غنا، ابتکار «زرو ویست آکرا» از طریق تأسیس مرکز بازیابی مواد گایو (GAYO)، موفق به پردازش نیمی از زیاله‌های شهری شده و به همین دلیل جایزه بین‌المللی «ارث‌شات» (Earthshot Prize) را دریافت کرده است. مایته لیکنس از بنیاد منابع عادلانه، در اشاره‌ای الهام‌بخش می‌گوید: «در چشم‌انداز جهانی کنونی که اغلب با یأس همراه است، شهرداری‌ها از انفعال پرهیز کرده و به‌جای آن، فعالانه در پی یافتن راه‌حلی پایدار برای آینده‌ای زیست‌پذیرتر هستند.»



این مفهوم شامل کاهش آسیب‌پذیری در برابر خطرات اقلیمی (مانند سیلاب، خشکسالی، افزایش دما، یا بالا آمدن سطح دریا) و افزایش ظرفیت تطبیق با شرایط جدید است. در زمینه توسعه و مدیریت شهری، تاب‌آوری اقلیمی شامل طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای مجموعه‌ای از برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که زیرساخت‌های شهری، جوامع محلی و خدمات اساسی را در برابر تغییرات اقلیمی مقاوم و سازگار کند؛ به گونه‌ای که شهرها بتوانند با کمترین خسارت، خود را با تحولات اقلیمی وفق دهند و مسیر توسعه پایدار را حفظ کنند.

قرار است این برنامه، در تاریخ ۳۰ آوریل به‌طور رسمی آغاز شود و با هدف کاهش اثرات نامتوازن تغییرات آب‌وهوایی بر محله‌های آسیب‌پذیر، مجموعه‌ای از اقدامات کمی و کیفی را دربر گیرد. از جمله اهداف کلیدی این برنامه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ◆ کاهش ۵۹ درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۳۰؛

- ◆ راه‌اندازی ۲۵۰ ایستگاه شارژ خودروهای برقی تا پایان سال ۲۰۲۵؛

- ◆ کاهش «بار انرژی» (Energy Burden) برای ۱۰ درصد از خانوارهایی که بالاترین میزان هزینه انرژی را متحمل می‌شوند. منظور از بار انرژی، نسبت هزینه‌های ماهانه انرژی به کل درآمد خانوار است.

دفتر پایداری و تاب‌آوری شهرداری آتلانتا، طی فرایندی ۱۸ ماهه، با بررسی تأثیرات سه تهدید اقلیمی اصلی (گرمای شدید، خشکسالی و سیلاب) بر اقشار مختلف شهر، تلاش کرده است تا برنامه‌ای پاسخ‌گو، عادلانه و مبتنی بر مشارکت مردمی تدوین کند. چاندر فارلی، مدیر ارشد پایداری شهرداری آتلانتا، در این زمینه اظهار داشت که هدف برنامه، ارتقای توان تاب‌آوری در سطح مدیریت شهری و محله‌ای است، به‌گونه‌ای که ظرفیت مقابله با چالش‌های اقلیمی برای همه ساکنان، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، افزایش یابد.

فارلی همچنین با اشاره به چالش‌های ساختاری در حوزه انرژی بیان کرد که آتلانتا در میان پنج شهر نخست ایالات متحده از نظر میزان بار انرژی قرار دارد.

طبق تعریف معمول، اگر خانواری بیش از ۶ درصد از درآمد ماهانه خود را صرف هزینه‌های انرژی کند، دچار بار انرژی تلقی می‌شود. برخی از خانوارهای آتلانتا بین ۶ تا ۱۹ درصد از درآمد خود را صرف قبوض آب و برق می‌کنند.

او هشدار داد که تمرکز بر عدالت انرژی ممکن است موجب بازنگری در بودجه فدرال شود؛ چرا که دولت فعلی آمریکا تلاش دارد اصطلاحات مربوط به تنوع، برابری و شمول (DEI) را از سیاست‌گذاری‌ها حذف کند.

کمک‌هزینه‌ای که به دلیل بازنگری در توافق‌نامه‌ها و حذف مفاهیم مرتبط با عدالت اجتماعی به حالت تعلیق درآمده است.

با این حال، فارلی تأکید کرد که آتلانتا به اقدامات خود برای کاهش نابرابری در حوزه انرژی ادامه خواهد داد. او افزود: «می‌دانیم که تاب‌آوری اقلیمی تنها زمانی مؤثر خواهد بود که بر اثرات نابرابر و ناعادلانه تغییرات اقلیمی در محله‌های خاص تمرکز کند. این موضوع آسان نیست، اما ما در آتلانتا مصمم به مدیریت صحیح آن هستیم.»

دفتر پایداری و تاب‌آوری همچنان فعالانه در حال پیگیری مستندسازی و آماده‌سازی مدارک لازم برای احیای کمک‌های مالی است و با وجود کاهش نقش نهادهای فدرال، تلاش می‌کند روند اداری را با سرعت و دقت ادامه دهد. فارلی با توصیف تغییر رویکرد دولت فدرال به‌عنوان «قطعی و شوک‌آور»

گفت: «با این حال، برنامه‌های زیادی داریم که نیازمند بودجه فدرال نیستند. ایده‌های نوآورانه‌ای در دست اجرا داریم که ما را، حتی در این دوران پرچالش، امیدوار و مشتاق نگه داشته‌اند.»

یکی از این اقدامات، پروژه‌ای آزمایشی است که به بررسی افزایش بهره‌وری انرژی در منازل مسکونی قبل از نصب سامانه‌های انرژی تجدیدپذیر مانند پنل‌های خورشیدی می‌پردازد. همچنین، شهرداری با همکاری نهاد «سرمایه‌گذاری آتلانتا»، برنامه‌هایی برای بازسازی منازل با مالکیت ساکن اجرا می‌کند که شامل ارائه وام‌های قابل بخشش برای عایق‌کاری و نوسازی خانه‌هاست. از سوی دیگر، همکاری با سازمان «آینده پایدار جورجیا» (Sustainable Georgia Futures) با هدف توانمندسازی پیمانکاران محلی برای ارتقای بهره‌وری انرژی نیز در جریان است. فارلی تأکید کرد که موفقیت این طرح نیازمند همکاری‌های گسترده بین‌بخشی است. به همین منظور، شهرداری یک هیئت مشورتی ۳۲ نفره

تشکیل داده که شامل نمایندگان از سازمان مسکن آتلانتا، سامانه حمل‌ونقل سریع متروپولیتن و همچنین نمایندگان محله‌هایی است که بیشترین آسیب‌پذیری انرژی را دارند. به گفته او، اعضای این هیئت پس از اتمام دوره دوساله خود، به بخشی از شبکه‌ای گسترده‌تر با بیش از ۱۰۰ عضو خواهند پیوست که به‌عنوان منابع محلی برای ترویج تاب‌آوری فعالیت می‌کنند.

او در پایان تأکید کرد: «موفقیت این برنامه تنها با مشارکت پیوسته و مؤثر ساکنان، جامعه تجاری و سازمان‌های محلی ممکن خواهد بود، حتی در غیاب حمایت‌های مالی دولت فدرال.»

smartcitiesdive.com



چگونه بالتیمور آموزش و اجتماع را باهم متحول کرد

برنامه بازسازی مدارس قرن ۲۱ بالتیمور (۲۱st Century School Buildings Program) با عنوان اختصاری «۲۱CSBP»، با هدف همزمان توسعه مدارس و احیای محله‌ها، از سال ۲۰۱۳ آغاز شد و با بودجه ۱.۱ میلیارد دلاری توانست ۲۷ مدرسه را بسازد یا بازسازی کند. این برنامه تلاش کرد تا سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی را با اهداف توسعه اجتماعی پیوند دهد که درس‌های مهمی از این تجربه به دست آمد.

چالش‌های هماهنگی:

تفاوت دیدگاه میان سازمان‌های آموزشی و توسعه محلی یکی از موانع اصلی بود. درحالی‌که نظام آموزشی بر رفع نابرابری‌های تاریخی تمرکز داشت، سازمان‌های توسعه محله بیشتر به مناطقی با پتانسیل اقتصادی و بازار بالاتر تمایل داشتند.

اهمیت سازمان‌های محلی قوی:

مناطق دارای سازمان‌های اجتماعی فعال، مانند شرکت توسعه جنوب شرق بالتیمور، توانستند پروژه‌های مدرسه و محله را بهتر هماهنگ کنند؛ اما محله‌هایی که فاقد چنین سازمان‌هایی بودند، در ایجاد این ارتباط موفق نبودند.

تأثیر مسکن بر مدارس:

تجربه محله چری‌هیل نشان داد که سیاست‌های مسکن و تغییرات جمعیتی بر ثبت‌نام مدارس و استفاده از امکانات تأثیر مستقیم دارند.

اعتمادسازی و تغییر ملموس:

برنامه INSPIRE با اجرای پروژه‌های ساده و سریع مانند پارک‌های کوچک و بهبود پیاده‌روها و بهبود روشنایی در اطراف مدارس توانست اعتماد مردم را جلب کند. این برنامه با هدف بازسازی اعتماد اجتماعی طراحی شده و به‌طور سریع پروژه‌هایی را اجرا می‌کند که نیازها و خواسته‌های ساکنان محلی را منعکس می‌کند.

این تجربه نشان داد که بازسازی مدارس می‌تواند به توسعه اجتماع کمک کند، اما نیازمند هماهنگی بیشتر و درک چالش‌های محلی است.

planetizen.com.

خلاصه: با شدت گرفتن بحران‌های اقلیمی، افزایش مخاطرات طبیعی و تحولات سیاسی-اجتماعی، شهرهای جهان ناگزیر به بازنگری در رویکردهای خود به معماری، مدیریت شهری و بازسازی زیرساخت‌ها شده‌اند. مسئله اصلی مطرح‌شده در این گزارش، ناتوانی ساختارهای موجود در پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون برای تاب‌آوری، انطباق‌پذیری و حفاظت از زیست شهری در برابر چالش‌های پیش‌رو است. این مسئله در قالب نمونه‌هایی از اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی به تصویر کشیده شده است؛ از جمله اصلاح آیین‌نامه‌های ساختمانی در مناطق پرخطر لس آنجلس، تدوین منشور معماری انطباق‌پذیر در اسپانیا و ایتالیا، و تلاش برای بهبود کیفیت فضای عمومی در نیویورک.

راهکارها و ایده‌های مطرح‌شده در متن، مجموعه‌ای از اقدامات سیاست‌گذاری، طراحی مشارکتی، فناوری‌های نوین و دخالت‌های کالبدی هستند که هدف آن‌ها بازتعریف نقش معماری در مواجهه با بحران است. تأکید بر مقررات سخت‌گیرانه‌تر ساخت‌وساز، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، مشارکت اجتماعی در بازسازی و کاهش مداخلات مخرب در محیط زیست، همگی از راهکارهایی‌اند که در سطوح مختلف پیگیری می‌شوند. در این میان، نقش معماری به‌عنوان پیونددهنده سیاست، جامعه و فضا مورد بازخوانی قرار گرفته و نمونه‌هایی همچون بازسازی پس از آتش‌سوزی در لس آنجلس یا بحث‌های پیرامون بزرگراه آمازون، نشان می‌دهند که پاسخ به بحران‌های اقلیمی تنها از مسیر تصمیم‌سازی یک‌سویه نمی‌گذرد، بلکه نیازمند تعامل میان نهادهای دولتی، متخصصان و جوامع محلی است.

پاسخ به بحران‌های اقلیمی و اجتماعی بازتعریف می‌کنند. این مجموعه، تصویری از تلاش‌های جمعی و رویکردهای نوآورانه‌ای ارائه می‌دهد که آینده‌ای مقاوم‌تر و مسئولانه‌تر را برای زیست شهری ترسیم می‌کنند.

■ اسپانیا و ایتالیا با انتشار منشور معماری انطباق‌پذیر،

معماران را به بازنگری در نقش خود فرا می‌خوانند

در آستانه نوزدهمین دوسالانه معماری ونیز، پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا و کارلوراتی، کیوریتور این دوره از دوسالانه، در شهر مادرید از منشور جدیدی با عنوان «هوشمندی: به‌سوی معماری نوین انطباقی» رونمایی کردند.

اخیراً مجموعه‌ای از سیاست‌ها، پروژه‌های بازسازی و طرح‌های زیرساختی نوین در شهرهای مختلف جهان به اجرا درآمده‌اند که نشانه‌ای روشن از لزوم انطباق معماری و مدیریت شهری با شرایط اقلیمی جدید به‌شمار می‌روند. از جنوب اروپا تا آمریکای لاتین و ایالات متحده، این تحولات به موضوعاتی چون بازنگری در آیین‌نامه‌های ساخت‌وساز، ارتقای تاب‌آوری شهری، و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مرتبط با رویدادهای جهانی همچون نشست اقلیمی COP۳۰ و دوسالانه معماری ونیز می‌پردازند. برخی از این اقدام‌ها بر تقویت چارچوب‌های نظارتی، اصلاح سامانه‌های فرسوده ایمنی یا سخت‌گیری در ساخت‌وساز در مناطق پرخطر تمرکز دارند و برخی دیگر با نگاهی آینده‌نگر، نقش معماری را در



انتشار این منشور، واکنشی به رخدادهایی همچون سیلاب‌های گسترده سال ۲۰۲۴ در والنسیا است و با محور دوسالانه امسال نیز همخوانی دارد. متن منشور هم‌اکنون برای اظهار نظر عمومی در دسترس است و تاکنون معماران برجسته‌ای همچون جین گانگ، کنگو کوما و نورمن فاستر آن را امضا کرده‌اند. اصلاح قوانین مربوط به سایبان‌های پیاده‌رو در نیویورک، با هدف ارتقای کیفیت فضای عمومی شهردار نیویورک، اریک آدامز، در تاریخ ۱۷ آوریل ۲۰۲۵ مجموعه‌ای از پنج لایحه جدید را به تصویب رساند که با هدف بهبود وضعیت سایبان‌های پیاده‌رو (Scaffolding Sheds) در سطح شهر تدوین شده‌اند. این سازه‌ها که غالباً به‌طور طولانی‌مدت نصب باقی می‌مانند و فضای عمومی را اشغال می‌کنند، سال‌ها مورد انتقاد ساکنان و کسبه شهر بوده‌اند. طرح «سایبان‌ها را بردارید» با دربرگرفتن الزاماتی همچون جدول زمانی مشخص برای اجرای تعمیرات، اعمال جریمه برای تأخیرها، تعیین استانداردهای روشنائی، ارائه گزینه‌های طراحی متنوع‌تر و اصلاح چرخه بازرسی ساختمان، درصدد آن است که همزمان با حفظ ایمنی، از آشفتگی بصری محیط شهری کاسته و امکان پیاده‌روی ایمن و دلپذیر را فراهم کند.



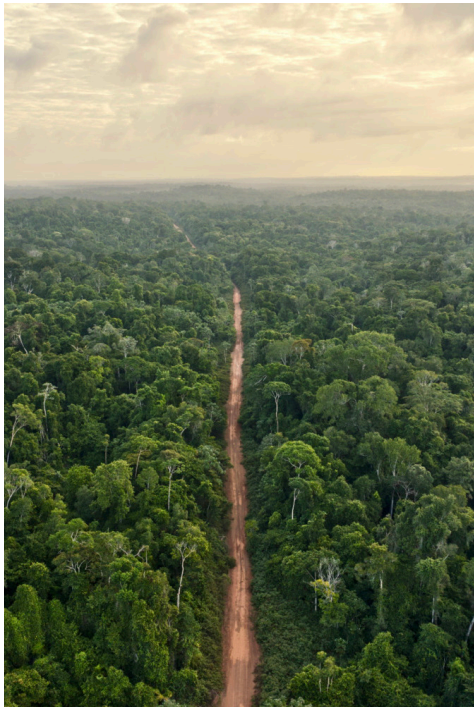
طرح ساخت بزرگراه در جنگل‌های آمازون همزمان با آمادگی برزیل برای اجلاس COP۳۰

در آستانه برگزاری نشست جهانی تغییرات اقلیمی COP۳۰ در نوامبر ۲۰۲۵، دولت برزیل اجرای پروژه‌ای بحث‌برانگیز را آغاز کرده که شامل احداث یک بزرگراه چهار بانده در مناطق حفاظت‌شده اطراف شهر بلم در قلب جنگل‌های آمازون است.

اگرچه مقامات این پروژه را بخشی از برنامه مدیریت ترافیک در طول اجلاس معرفی کرده‌اند و از به‌کارگیری فناوری‌های به‌اصطلاح پایدار نظیر روشنائی خورشیدی و گذرگاه‌های حیات‌وحش سخن می‌گویند، اما منتقدان معتقدند این پروژه با اهداف اقلیمی اجلاس در تضاد است. جنگل‌زدایی ناشی از اجرای این بزرگراه، هم موجب آوارگی جوامع بومی شده و هم تهدیدی جدی برای تنوع زیستی و پایداری اکوسیستم منطقه به‌حساب می‌آید.

حمایت گسترده ساکنان لس‌آنجلس از مقررات سخت‌گیرانه ساختمانی در پی آتش‌سوزی‌های اخیر پس از وقوع آتش‌سوزی‌های ویرانگر در مناطق پالیسیدز و ایتن در ژانویه گذشته، نتایج نظرسنجی مشترک دانشگاه کالیفرنیا، برکلی و روزنامه لس‌آنجلس تایمز نشان می‌دهد که اکثریت قاطع شهروندان شهرستان لس‌آنجلس خواهان تقویت مقررات ساختمانی در مناطق پرخطر هستند. در این نظرسنجی، ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان از اعمال آیین‌نامه‌های سخت‌گیرانه‌تر برای مقاوم‌سازی ساختمان‌ها در برابر آتش‌سوزی حمایت کرده‌اند، حتی اگر این اقدامات با افزایش هزینه‌های ساخت همراه باشد. همچنین نزدیک به ۷۰ درصد نیز خواستار محدودسازی ساخت‌وسازهای جدید در نواحی مستعد حریق شده‌اند. این حمایت به‌ویژه در مناطق آسیب‌دیده مانند پسیفیک پالیسیدز و آلتادینا چشمگیرتر است. در مقابل، بسیاری از شرکت‌کنندگان با افزایش نرخ بیمه برای جبران

خسارات آتش‌سوزی‌های جنگلی مخالفت کرده‌اند؛ هرچند اغلب آن‌ها از تخصیص بودجه عمومی بیشتر برای اقدامات پیشگیرانه، حتی در صورت افزایش مالیات، پشتیبانی می‌کنند.



چگونه KABOOM با وجود گرمای شدید، فضاهای بازی را خنک نگه می‌دارد؟

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

تمام کشورها و مناطق جهان کم‌وبیش با گرمای فزاینده هوا روبه‌رو هستند. تحقیقات موسسه KABOOM که به‌طور تخصصی در زمینه طراحی و ساخت زمین‌های بازی کودکان فعالیت می‌کند، نشان می‌دهد که افزایش دما باعث کاهش میزان فعالیت بدنی کودکان می‌شود که این امر مشکلات جسمی و روحی در بزرگسالی را به دنبال خواهد داشت.

به همین دلیل و با توجه به تجربه‌های خود، راهکارهایی را برای مهار گرما در زمین‌های بازی پیشنهاد کرده است:

- ◆ ایجاد سایه با عناصر طبیعی مثل درخت یا ساخت سایه‌بان‌های مصنوعی؛
- ◆ استفاده از مصالح طبیعی‌تر در ساخت و تجهیز پارک‌ها مانند چوب، طناب و کرک؛
- ◆ استفاده از رنگ‌های روشن مانند زرد به جای سیاه و آبی؛
- ◆ تشویق به استراحت با قراردادن نیمکت‌هایی که در سایه قرار دارند؛
- ◆ افزودن عناصر خنک‌کننده مانند GeoCool (سیستمی که از دمای ثابت زیرزمین برای گرمایش و سرمایش ساختمان‌ها استفاده می‌کند)؛
- ◆ استفاده از عناصر آبی.



nextcity.org



■ دانشجویان معماری در بازسازی مناطق آسیب‌دیده از آتش‌سوزی لس‌آنجلس مشارکت کردند در پی آتش‌سوزی گسترده در نواحی آلتادینا و پاسادنا که منجر به تخریب بیش از ۹۰۰۰ سازه شد، ۲۴ دانشجوی معماری از دانشگاه Utah Valley ایالات متحده، تعطیلات بهاری خود را صرف کمک به مالکان آسیب‌دیده کردند. این گروه به سرپرستی پروفسور گوردون مک‌کی، از ۳۲ ملک بازدید کرده و اندازه‌گیری‌هایی دقیق از پی ساختمان‌ها به عمل آوردند. داده‌های حاصل اکنون برای تولید مدل‌های دیجیتالی از بناهای تخریب‌شده مورد استفاده قرار می‌گیرند که می‌توانند فرآیند مطالبه بیمه و طراحی مجدد را تسهیل کنند. این اقدام داوطلبانه که با حمایت مالی دانشگاه انجام شد، نمونه‌ای از مشارکت عملی دانشجویان معماری در بازسازی و تقویت تاب‌آوری جوامع در برابر بلایای طبیعی به‌شمار می‌آید.



archdaily.com





برنامه پاداش EZfare Rewards برای افزایش تعامل شهروندان با حمل و نقل عمومی

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

خلاصه: مسئله اصلی این پروژه کمبود تعامل فعال مسافران با سیستم حمل و نقل عمومی و نیاز به بهبود تجربه کاربری در این سیستم‌ها است. بسیاری از آژانس‌های حمل و نقل برای افزایش استفاده از خدمات خود و درک بهتر نیازهای کاربران، با چالش‌هایی مواجه هستند که مستلزم راهکارهای نوآورانه است.

برنامه EZfare Rewards در پاسخ به این نیاز طراحی شده است. این برنامه با استفاده از مشوق‌های غیرمالی (مانند امتیاز قابل تبدیل به بلیت رایگان) در ازای استفاده مداوم از حمل و نقل عمومی و ارائه بازخورد، به دنبال افزایش مشارکت کاربران، دریافت داده‌های میدانی ارزشمند و ترویج رفتارهای سفر پایدار است. همچنین، استفاده از فناوری‌های نوین مانند اپلیکیشن Transit، بلیت‌فروشی مبتنی بر حساب و پرداخت‌های باز، این امکان را فراهم می‌آورد که تجربه حمل و نقل عمومی برای کاربران ساده‌تر، جذاب‌تر و قابل اطمینان‌تر شود. این رویکرد نوین می‌تواند الگوی مؤثری برای شهرها و آژانس‌های حمل و نقل در مسیر بهبود ارتباط با شهروندان باشد.

در اقدامی نوآورانه برای ارتقای تجربه سفر و افزایش مشارکت عمومی، سازمان NeoRide با همکاری شرکت‌های Masabi و Velocia، از برنامه‌ی پاداش EZfare Rewards در بزرگ‌ترین سیستم بلیت‌فروشی منطقه‌ای ایالات متحده رونمایی کرد. این برنامه به مسافران اجازه می‌دهد تا تنها با استفاده از حمل و نقل عمومی و ارائه بازخورد درباره تجربه سفر خود در اپلیکیشن Transit، امتیاز جمع‌آوری کنند.

دو نهاد عضو سامانه بلیت EZfare یعنی سازمان حمل و نقل شمال کنتاکی (TANK) و سازمان متروی سینسیناتی (Cincinnati Metro) پیشگام اجرای این برنامه در منطقه خود هستند. طرح EZfare Rewards که با همکاری Masabi و Velocia توسعه یافته، از طریق اپلیکیشن Transit در دسترس قرار گرفته و کاربران را به استفاده‌ی بیشتر از حمل و نقل عمومی تشویق می‌کند. هدف اصلی این برنامه، افزایش تعامل مسافران، ارتقای کیفیت خدمات و

بهبود تجربه سفر در سطح آژانس‌های عضو EZfare است. امتیازهایی که مسافران از طریق استفاده منظم از خدمات حمل و نقل عمومی و ثبت بازخورد در اپلیکیشن کسب می‌کنند، قابلیت تبدیل به بلیت رایگان اتوبوس در قالب بلیت موبایلی را دارند. این مشوق‌ها نه تنها استفاده از حمل و نقل عمومی را مقرون به صرفه‌تر می‌کنند، بلکه به آژانس‌ها امکان می‌دهند تا نیازها و ترجیحات کاربران را بهتر درک کرده و خدمات خود را بهبود بخشند.

کاترین کنراد، مدیر اجرایی NeoRide، اعلام کرد که هدف این سازمان، تسهیل دسترسی و جذاب‌تر ساختن حمل و نقل عمومی برای شهروندان سراسر منطقه است. به گفته‌ی او، برنامه‌ی پاداش‌دهی علاوه بر قدردانی از وفاداری مسافران، بستری برای دریافت بازخوردهای ارزشمند و شناخت دقیق‌تر نیازهای کاربران فراهم می‌کند.

در کنار برنامه‌ی پاداش EZfare، به عنوان یک سامانه جامع بلیت‌فروشی دیجیتال، در حال گسترش

قابلیت‌های خود نظیر بلیت‌فروشی مبتنی بر حساب (Account-Based Ticketing) است و در آینده قصد دارد امکان پرداخت‌های باز (Open Payments) را نیز فراهم سازد؛ اقدامی که موجب سهولت و انعطاف‌پذیری بیشتر برای مسافران خواهد شد. پرداخت‌های باز (Open Payments) در سامانه‌های حمل و نقل به مدلی از پرداخت گفته می‌شود که در آن مسافر می‌تواند بدون نیاز به خرید بلیط یا تهیه کارت خاص، مستقیماً با استفاده از کارت بانکی (اعتباری یا نقدی)، کیف پول دیجیتال مثل Apple Pay یا Google Pay یا سایر ابزارهای پرداخت غیرتماسی (contactless)، کرایه سفر را پرداخت کند. در این مدل، زیرساخت سامانه حمل و نقل به گونه‌ای طراحی شده که کارت یا ابزار پرداخت شخص را به عنوان «بلیط» شناسایی می‌کند و مبلغ سفر را یا بلافاصله یا پس از تجمیع سفرها در پایان روز، از حساب او کسر می‌کند.

این نوع پرداخت، فرآیند سوار شدن را ساده‌تر، سریع‌تر و برای کاربران جدید یا گردشگران بسیار آسان‌تر می‌سازد، زیرا نیازی به ثبت نام یا دریافت بلیط از پیش ندارد.

برایان زانگی، مدیرعامل Masabi با اشاره به نقش کلیدی فناوری در افزایش سهولت استفاده از حمل و نقل عمومی، از برنامه‌ی EZfare Rewards به عنوان یکی از نخستین طرح‌های پاداش‌دهی در سطح ایالات متحده نام برد که به صورت مشترک توسط چندین آژانس حمل و نقل اجرا می‌شود. او افزود که این ابتکار می‌تواند به ترویج پرداخت‌های موبایلی و تعامل بیشتر مسافران کمک شایانی کند. اپلیکیشن Transit اکنون به کاربران امکان می‌دهد تا ضمن برنامه‌ریزی سفر و خرید بلیت، در برنامه‌ی پاداش نیز شرکت کرده و امتیاز دریافت کنند. دیوید بلاک‌شاکتر، مدیر ارشد بازرگانی Transit، تأکید کرد که در راستای افزایش تعداد مسافران، باید حمل و نقل عمومی هم ساده و هم مقرون به صرفه باشد. همچنین، دیوید وینترشتاین، مدیرعامل Veloci اعلام کرد که یکپارچه‌سازی سیستم پاداش در اپلیکیشن‌هایی که مسافران از پیش با آن‌ها آشنا هستند، به آژانس‌ها کمک می‌کند تا با سهولت بیشتری با کاربران خود در تعامل باشند.



archdaily.com

تورین، از شهر خودرو تا پیشگام حمل و نقل پایدار

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

خلاصه: تورین، که زمانی به عنوان قطب خودروسازی ایتالیا شناخته می شد، در دهه های اخیر دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. با افول صنعت خودروسازی و کاهش فعالیت کارخانه هایی مانند فیات، این شهر به توسعه زیرساخت های حمل و نقل عمومی و دوچرخه سواری روی آورده است. تغییر کاربری بناهای صنعتی، مانند کارخانه لینگو تو که اکنون به یک مرکز خرید و فرهنگی تبدیل شده، نشان دهنده تحول شهری تورین است. با این حال، میراث خودروسازی همچنان در ساختار شهری و فرهنگی آن مشهود است. در حالی که نسل جوان تمایل بیشتری به استفاده از حمل و نقل عمومی دارد، وابستگی برخی از ساکنان مسن تر به خودرو همچنان چالشی برای سیاست های حمل و نقل پایدار محسوب می شود. تجربه تورین نشان می دهد که حتی شهرهایی با سابقه طولانی در صنعت خودرو می توانند با برنامه ریزی مناسب مسیر خود را تغییر دهند و به سوی شهری انسانی با حمل و نقل پاک و پایدار گام بردارند.

تورین یکی از شهرهای صنعتی ایتالیا و صاحب یکی از بزرگترین شرکت های خودروسازی این کشور است. به همین دلیل تورین را می توان مشابه دیترویت در آمریکا دانست که به «شهر خودرو» آوازه دارد. این شهر در منطقه پیمونت با جمعیتی حدود ۸۵۰۰۰۰ نفر، بیش از یک قرن مرکز ملی تولید خودرو بوده و همچنین محل استقرار کارخانه فیات است. اما همان طور که دیترویت تحت تأثیر افول صنعت خودروسازی قرار گرفت، تورین نیز در دهه های اخیر با کاهش فعالیت کارخانه های خودروسازی خود مواجه شده و در مقابل زیرساخت های مربوط به دوچرخه سواری و حمل و نقل عمومی را گسترش داده است. در نتیجه چنین تغییری، خودرو دیگر مانند گذشته هویت تورین را تعریف نمی کند. نمونه آن، کارخانه بزرگ لینگو تو فیات است که قرن پیش بزرگترین کارخانه تولید خودرو در اروپا بود. این سازه عظیم مدرن به طول نیم کیلومتر و ارتفاع پنج طبقه، در جنوب مرکز تاریخی شهر، در محله ای قرار دارد که همچنان تحت تأثیر این بناست. با این حال در نزدیکی ایستگاه مترو لینگو تو که

کیلومتر مسیر دوچرخه سواری، گزینه های متعددی برای افرادی که تمایلی به رانندگی ندارند، ارائه می دهد. حدود ۹۵٪ از ساکنان تورین اکنون در فاصله ای کمتر از ۳۰۰ متر (۰.۲ مایل) از یک ایستگاه حمل و نقل عمومی زندگی می کنند. طبق گزارشی از شهرداری در سال ۲۰۲۰، کمتر از نیمی از سفرهای محلی با خودرو انجام می شود. با این وجود، میراث خودروسازی تورین هنوز به وضوح قابل مشاهده است؛ به گونه ای که همچنان می توان تبلیغات نمایشگاه های خودرو را حتی در مرکز تاریخی آن دید. پیش از شیوع کووید، تورین بالاترین نرخ مالکیت خودرو در ایتالیا را داشت.

با اینکه مقامات محلی به طور عمومی از حمل و نقل پایدار حمایت می کنند، اما از حذف گسترده جایگاه های پارک خودرو، همان طور که در شهرهایی مانند میلان و پاریس انجام شده، خودداری کرده اند. بدون خودرو، سفر به خارج از مرکز شهر همچنان چالشی بزرگ است. در واقع تورین دیگر شهری نیست که با خودرو تعریف شود، اما سایه خودرو همچنان بر آن سنگینی می کند. ریشه های تاریخی تورین به نزدیک به دو هزار سال پیش بازمی گردد، زمانی که این شهر یک پایگاه نظامی امپراتوری روم بود.



تورین، به عنوان خانه خاندان ساووی، نقش کلیدی در جنبش وحدت ایتالیا در قرن نوزدهم ایفا کرد و حتی برای مدتی کوتاه پایتخت ایتالیا شد. اقتصاد محلی در جریان صنعتی سازی ایتالیا در قرن نوزدهم ایفا کرد و حتی برای مدتی کوتاه پایتخت ایتالیا شد. اقتصاد محلی در جریان صنعتی سازی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم رونق گرفت و تورین به مرکزی برای تولید مواد شیمیایی، فولاد و به ویژه خودرو تبدیل شد. در سال ۱۸۹۹، جووانی آگنلی (Giovanni Agnelli)،

کارخانه خودروسازی تورین (Fabbrica Italiana Automobili Torino) را - که با نام فیات شناخته می شود - تأسیس کرد. این شرکت در اوایل دهه ۱۹۰۰ به سرعت رشد کرد و به یکی از افتخارات بخش خصوصی ایتالیا تبدیل شد. در سال ۱۹۲۳، بنیتو موسولینی (Benito Mussolini)، آنیلی را به عنوان سناتور حزب ملی فاشیست منصوب کرد و به همین دلیل پس از جنگ جهانی دوم، دولت ایتالیا کنترل این شرکت را از خانواده آنیلی گرفت.



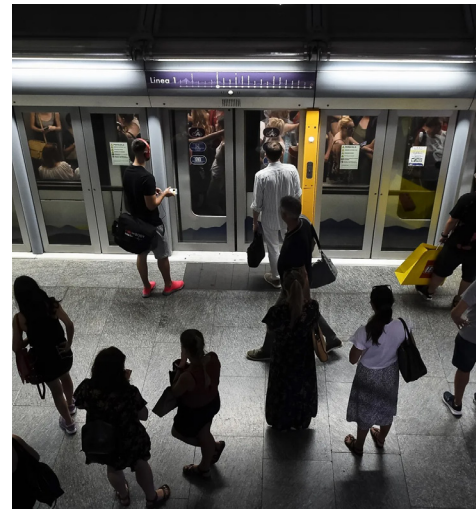
با رشد اقتصاد ایتالیا پس از جنگ جهانی دوم، هزاران نفر از مناطق فقیر جنوب این کشور به تورین و میلان مهاجرت کردند تا در کارخانه‌های خودروسازی کار کنند. در این منطقه، علاوه بر فیات، خودروسازانی مانند آلفا رومئو و لانچیا (Alfa-Romeo and Lancia) نیز فعالیت داشتند. در دهه ۱۹۶۰، نوه جووانی آنیلی، دوباره کنترل خانواده‌اش بر شرکت فیات را به دست گرفت. سیمونه منگیلی (Simone Mangili)، مشاور سابق پایداری شهردار تورین که اکنون رهبری «اتحاد شهرهای کربن خنثی یا کربن صفر» را بر عهده دارد، می‌گوید: «تا امروز، آنیلی در تورین بسیار مورد احترام است و هنوز افسانه‌های زیادی در این منطقه حول صنعت خودرو وجود دارد.»

اما در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، در میان موج ادغام صنایع، تورین نیز در پی تعطیلی، کوچک شدن یا جابه‌جایی کارخانه‌ها به شدت آسیب دید. تا سال ۲۰۱۰، تعداد کارکنان کارخانه میرافیوری (Mirafiori) متعلق به فیات در تورین نسبت به اوج ۵۰ هزار نفری خود در دهه ۱۹۵۰، نزدیک به ۹۰ درصد کاهش یافته بود. بخش بزرگی از این تأسیسات عظیم اکنون بلااستفاده مانده است، در حالی که فیات به تولید خودروهای برقی روی آورده است. با این حال، افول صنعت خودروسازی در شهر مزایایی هم داشت. منگیلی می‌گوید: «حجم عظیم

چیارا فولیتا (Chiara Foglietta)، معاون شهردار تورین در امور حمل‌ونقل و محیط زیست می‌گوید این تغییر در آن زمان با چالش‌های بسیاری همراه بود و برای مدیریت شهری بسیار سخت بود، زیرا مردم خیلی نگران از دست دادن جای پارک خود بودند.

اما اکنون همه پیاتزا سن کارلو را دوست دارند و هیچ‌کس نمی‌خواهد به حالت قبل بازگردد.

با این حال، لوکا استاریکو معتقد است که شهر باید علاوه بر تشویق مردم به استفاده از حمل‌ونقل



یکی از شهرداران قبلی تلاش کرد با افزایش ساعت‌های محدودیت تردد اتومبیل‌های شخصی در مرکز تاریخی تورین، استفاده از خودروها را کاهش دهد، اما تحت فشار شدید کسب‌وکارهای کوچک از این تصمیم عقب‌نشینی کرد.

در همین حال، میلان که در نزدیکی تورین قرار دارد، با اجرای مقررات منطقه محدودیت تردد بسیار سخت‌گیرانه‌تر، شبکه‌های مترو و مسیره‌های دوچرخه‌سواری قدرتمندتری ایجاد کرده است. منگیلی با ناامیدی خاصی به «کورس پرینچیپه اودونه» اشاره کرد، یک بزرگراه هشت‌بانه که در سال ۲۰۱۲ بر زمینی ساخته شد که پس از انتقال ریل قطار به زیر زمین آزاد شده بود. این پروژه بخشی از بازسازی شهری بود که اکنون به مسافران ریلی این امکان را می‌دهد تا فاصله ۸۷ مایلی (۱۴۰ کیلومتری) بین تورین و میلان را در تنها ۵۰ دقیقه طی کنند. در حالی که با اجرای این پروژه قطارها در زیر سطح زمین با سرعت می‌گذرند، کورس پرینچیپه اودونه هر صبح هزاران خودرو را وارد تورین می‌کند. منگیلی گفت: «انتقال خطوط ریلی به زیر زمین و راه‌اندازی قطارهای پرسرعت - یک دیدگاه فوق‌العاده بود.»



درواقع تورین به سرعت از گذشته خود به عنوان یک شهر صنعتی، به ویژه یک شهر خودروسازی، فاصله می گیرد. تورین، با تمام چالش ها و پیشرفت هایش، نشان می دهد که حتی شهرهایی با سابقه طولانی در خودروسازی می توانند مسیر خود را تغییر دهند.

bloomberg.com



لوکا بالارینی (Luca Ballarini)، یکی از بنیان گذاران مرکز برنامه ریزی شهری «استراتوسفریکا» در تورین، معتقد است که دیدگاه های فرهنگی نسبت به مالکیت خودرو در حال تغییر است. او می گوید: «اگر از یک مرد ۶۰ یا ۷۰ ساله پرسید، ممکن است به شما بگوید که هیجان داشتن خودرو هنوز در این شهر قوی است. اما اگر از یک جوان ۲۰ یا ۳۰ ساله پرسید، واقعاً فکر نمی کنم این طور باشد.» جوانان تورین نقش مهمی در تبدیل ساختمان های صنعتی قدیمی شهر به بوتیک ها، آپارتمان ها و استودیوهای طراحی، به ویژه در محله های قدیمی تری مانند اورورا و میلانو بریرا (Aurora and Milan Barrier)، ایفا کرده اند.

اما تبدیل این فضا به بزرگراه به جای استفاده مجدد از آن برای اولویت بندی حمل و نقل - چندان آینده نگرانه نبود.

منگیلی دلیل این وضعیت را وابستگی عمیق مردم به خودروها دانست و گفت: «هنوز به نظر می رسد خودرو در اینجا بر هر روش حمل و نقل دیگری ارجحیت دارد. هر وقت با دوچرخه یا اسکوتر حرکت می کنم و دقیقاً همان طور که مردم انتظار دارند رفتار نمی کنم، نگاه های منفی زیادی به من می شود.» چپارا فولیتا معتقد است که ساکنان مسن تر تورین بیشتر در برابر تغییرها مقاومت می کنند. او گفت: «در این شهر، ۳۰ درصد از مردم بالای ۶۰ سال سن دارند. حتی اگر بخواهند فقط یک کیلومتر جابه جا شوند، تصور می کنند باید از خودرو استفاده کنند.» در یک چرخش جالب در نقش برنامه ریزان شهری، فولیتا گاهی اوقات از نمونه های حمل و نقل فعال در شهرهای آمریکا برای جلب حمایت از سیاست های چندوجهی حمل و نقل تورین استفاده می کند. او گفت: «سعی می کنم توضیح دهم که اگر می توانید به عنوان یک گردشگر در نیویورک ۲۰ کیلومتر پیاده روی کنید و از موزه ها بازدید کنید، شاید بتوانید در شهر خودتان هم پیاده روی کنید.» اما نکته مثبت اینجاست که نسل جدید نشانه هایی از تغییر را نشان می دهد: ثبت نام خودرو در میان جوانان تورین زیر ۲۵ سال بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ یک سوم کاهش یافته است، و تنها ۳۹ درصد از ۱۸ ساله های محلی گواهینامه رانندگی دارند. فولیتا می گوید این روند را شخصاً مشاهده کرده است. او توضیح می دهد: «وقتی به دانشگاه پلی تکنیک تورین می روم، دانشجویان به من می گویند گواهینامه دارند، اما خودرو ندارند. شاید داشتن خودرو دیگر برای جوانان جذاب ترین چیز نباشد، زیرا آن ها حمل و نقل عمومی، مسیرهای دوچرخه سواری و پیاده روی در شهرمان را بیشتر می پسندند.»

آیا خطوط دوچرخه‌سواری ترافیک خیابان را افزایش می‌دهند؟

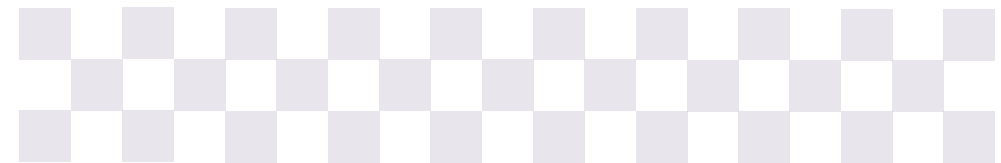
برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

قانون جدید پیشنهاد شده در انتاریو در کانادا مبنی بر لزوم اخذ مجوز استانی برای ایجاد هرگونه مسیر دوچرخه که منجر به حذف یک خط ترافیک وسایل نقلیه می‌شود، در پی نگرانی‌ها از افزایش ترافیک خودرویی در این گذرگاه‌ها مصوب شد.

در همین راستا مطالعاتی در کانادا و سایر کشورهایی که به سمت افزایش مسیرهای دوچرخه حرکت می‌کنند انجام شده است که نشان می‌دهد خطوط دوچرخه‌سواری اختصاصی تعداد افراد دوچرخه‌سوار را افزایش و تعداد خودروها را کاهش می‌دهد. این نتایج همچنین نشان داده‌اند که ایجاد خطوط دوچرخه بر ترافیک گذرگاه‌ها و یا تأخیرهای حداقلی - از چند ثانیه تا کمی بیش از یک دقیقه - تأثیر منفی نداشته است. البته در این تأخیرهای حداقلی عوامل دیگری نیز موثر بوده‌اند. حتی در مواردی مانند نیویورک بعد از ایجاد مسیر دوچرخه در یکی از گذرگاه‌های اصلی میانگین زمانی که خودروها برای سفر نیاز داشتند از ۴.۵ دقیقه به ۳ دقیقه کاهش یافته است.



planetizen.com



مزایای استفاده از تقاطع‌های دایره‌ای (میدان‌ها)

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

داده‌های ایمنی ترافیک نشان می‌دهند که میدان‌ها ایمن‌تر و کارآمدتر از تقاطع‌های سنتی هستند؛ چراکه شکل دایره‌ای آن‌ها باعث کاهش سرعت ترافیک و ساده‌تر شدن جریان حرکت می‌شود و با حذف گردش‌ها، احتمال بروز تصادفات جدی را کاهش می‌دهند. میدان‌ها همچنین جریان ترافیک را روان‌تر کرده، مصرف سوخت خودروها را کاهش می‌دهند و هم‌زمان ایمنی را افزایش می‌دهند در همین راستا، شهر فیلادلفیا در حال پیاده‌سازی این رویکرد و گسترش سیستم میدان‌های خود است. به‌عنوان مثال، جدیدترین میدان فیلادلفیا، میدان پنروز (Penrose Roundabout)، جایگزین یک تقاطع بزرگ دارای چراغ راهنمایی خواهد شد. این تقاطع در فهرست شبکه‌ی پرتصادف فیلادلفیا (High Injury Network) قرار دارد که بخشی از برنامه‌ی Vision Zero با هدف کاهش سوانح رانندگی در خیابان‌های پرخطر شهر است. بنابراین، این جایگزینی در راستای برنامه‌ی Vision Zero و با هدف کاهش تصادفات مرگبار در حال انجام است. نکته‌ی قابل توجه این است که به نظر می‌رسد پذیرش گسترش استفاده از میدان‌ها توسط شهروندان، مسئله‌ای است که نیاز به گذشت زمان دارد. برای نمونه، یک مطالعه‌ی ملی در فیلادلفیا نشان داده است که هرچه مدت زمان استفاده از میدان‌ها بیشتر شود، حمایت رانندگان از آن نیز افزایش می‌یابد؛ حدود یک‌سوم رانندگان در ابتدا از میدان‌هایی که جایگزین تقاطع‌ها می‌شدند استقبال نمی‌کردند، اما پس از تکمیل پروژه‌ها، میزان حمایت رانندگان به بیش از ۵۰ درصد افزایش یافت.



planetizen.com



خلاصه: مقاله تام سانچز در Planetizen، چهار دلیل اصلی را برای توجه جدی برنامه‌ریزان به AI مطرح

می‌کند:

وابستگی فعلی برنامه‌ریزی به AI

تحول در مشارکت عمومی

ضرورت درک و هدایت AI توسط برنامه‌ریزان

تأثیرات گسترده AI بر برنامه‌ریزی شهری

مقاله تام سانچز تأکید می‌کند که هوش مصنوعی دیگر یک فناوری آینده‌نگر نیست، بلکه هم‌اکنون در حال تغییر شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری است. از تحلیل داده‌های گسترده تا تسهیل مشارکت عمومی، AI ابزارهای قدرتمندی را در اختیار برنامه‌ریزان قرار می‌دهد.

با این حال، برای بهره‌برداری مؤثر از این فناوری، برنامه‌ریزان باید درک عمیقی از قابلیت‌ها و محدودیت‌های AI داشته باشند و نقش فعالی در هدایت توسعه و استفاده از آن ایفا کنند. این شامل آموزش در زمینه‌های فنی، اخلاقی و سیاست‌گذاری مرتبط با AI می‌شود.

در نهایت، هوش مصنوعی نه تنها ابزارهای جدیدی را ارائه می‌دهد، بلکه ماهیت برنامه‌ریزی شهری را نیز تغییر می‌دهد.

پرسش در چگونگی این تعامل است.

این مقاله به بررسی همین مسئله چگونگی می‌پردازد. این بررسی شامل تحلیل توانایی‌های هوش مصنوعی، کاربردهای فعلی آن، خطرات احتمالی و راه‌هایی است که متخصصان برنامه‌ریزی می‌توانند از طریق آن‌ها اطمینان حاصل کنند که استفاده از هوش مصنوعی در راستای منافع عمومی است. درک این موضوع که هوش مصنوعی می‌تواند برای بسیاری از متخصصان برنامه‌ریزی دلهره‌آور یا حتی ترسناک باشد، قابل توجه است. این مقاله با هدف تبیین هوش مصنوعی به زبانی ساده و نشان دادن اینکه چگونه می‌تواند به یک بخش مفید و قابل مدیریت در فرآیند برنامه‌ریزی تبدیل شود، نگارش شده است.

علاقه من به برنامه‌ریزی و فناوری در دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی در Cal Poly، سن لوئیس اوبیسپو،

حوزه برنامه‌ریزی شهری در حال ورود به مرحله نوینی است؛ مرحله‌ای که نه تنها تحت تأثیر سیاست‌ها، جوامع و موقعیت‌های مکانی قرار دارد، بلکه به طور فزاینده‌ای تحت سلطه الگوریتم‌ها، اتوماسیون و هوش مصنوعی (AI) است. برای بسیاری از متخصصان برنامه‌ریزی، هوش مصنوعی ممکن است همچنان به عنوان موضوعی جانبی در عملکرد حرفه‌ای تلقی شود؛ موضوعی پیچیده، انتزاعی یا محدود به متخصصان فناوری و داده. با این حال، واقعیت چیز دیگری است. هوش مصنوعی در حال حاضر در در مرحله‌ای پیشرفته‌تر است و نحوه طراحی سیستم‌های حمل و نقل، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، پیش‌بینی تقاضای مسکن و تعامل با جوامع را دستخوش تغییر می‌کند. سوال اساسی دیگر این نیست که آیا متخصصان برنامه‌ریزی با هوش مصنوعی تعامل خواهند داشت یا خیر، بلکه

در اوایل دهه ۱۹۸۰ و در دوران فلاپی دیسک‌ها و نمایشگرهای تک رنگ شکل گرفت. پس از فارغ‌التحصیلی، نتوانستم موقعیتی شغلی پیدا کنم که رایانه و برنامه‌ریزی را با هم ترکیب کند، بنابراین در یک شرکت حسابداری بزرگ و سپس در یک شرکت توسعه املاک و مستغلات مشغول به کار شدم و در آنجا به ارائه مشاوره رایانه‌ای و تحلیل مالی می‌پرداختم. سال‌ها بعد، در زمان تحصیل در مقطع دکترا در رشته برنامه‌ریزی در Georgia Tech، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در حوزه برنامه‌ریزی در حال کسب محبوبیت و توجه بود، هرچند دسترسی به داده‌ها هنوز نسبتاً دشوار بود. ظرفیت ذخیره‌سازی و پردازش محدود بود، اما این وضعیت به سرعت در حال تغییر بود و تأثیر عمیق شبکه جهانی وب نیز به همین منوال بود. بیان اینکه تغییرات در طول ۳۰ سال گذشته چشمگیر بوده است، به نوعی دست کم گرفتن واقعیت است.

همچنین، درک می‌کنم که تغییرات مداوم مربوط به هوش مصنوعی، تصویری از آینده‌ای مبهم را برای بسیاری از افراد، چه در داخل و چه در خارج از حوزه برنامه‌ریزی، ترسیم می‌کند. این موضوع مهم و اساسی در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بنابراین، پیش از پرداختن به جزئیات، اجازه دهید اصول اولیه‌ای را که چرا متخصصان برنامه‌ریزی شهری نمی‌توانند انقلاب هوش مصنوعی را نادیده بگیرند، تشریح کنیم. به نظر من، چهار دلیل اصلی برای این امر وجود دارد.

۱. اتکای فزاینده برنامه‌ریزی بر هوش مصنوعی

برنامه‌ریزی شهری دیرزمانی است که به عنوان حوزه‌ای متکی بر تحلیل گسترده داده‌ها، از جمله مطالعات جمعیتی و الگوهای استفاده از حمل و نقل، شناخته می‌شود. ابزارهای هوش مصنوعی، توانایی برنامه‌ریزان را در تفسیر کارآمد مجموعه‌های داده بزرگ ارتقا داده‌اند و این روند مدتی است که ادامه دارد. تحول اساسی کنونی، افزایش چشمگیر در پیچیدگی و یکپارچگی این ابزارها است.

به عنوان مثال، در شهر نیویورک، وزارت حمل و نقل (NYC DOT) با شرکت هوش مصنوعی Blynscy همکاری نموده تا از طریق بینایی رایانه‌ای و یادگیری ماشینی، شرایط خطوط عابر پیاده را مورد پایش قرار دهد. این ابتکار عمل، تصاویر دوربین‌های داشبورد جمع‌سپاری شده را تجزیه و تحلیل می‌کند تا دید و فرسودگی خطوط عابر پیاده را ارزیابی نماید و به شهرداری در اولویت‌بندی تلاش‌های نگهداری و افزایش ایمنی عابران پیاده کمک کند. این پروژه که در حال حاضر در حال اجرا است، این قابلیت را دارد که با استقرار دوربین‌های اضافی بر روی وسایل نقلیه نگهداری شهر، گسترش یابد.

مدل‌های زبانی بزرگ (LLM)، به ویژه ChatGPT، در حال دگرگون‌سازی شیوه‌های مشارکت عمومی هستند. این ابزارها قادرند بازخورد گسترده عمومی را به سرعت تجزیه و تحلیل و خلاصه کنند، اسناد برنامه‌ریزی مفصلی را تهیه نمایند و ارتباطات چند زبانه را ارائه دهند، که به طور چشمگیری قابلیت‌های اطلاع‌رسانی برنامه‌ریزان را افزایش می‌دهد. شهرداری‌ها از سیاتل تا سیدنی، در حال بررسی چنین مدل‌های مشارکت مبتنی بر هوش مصنوعی برای ارتقای تعامل و تسهیل فرآیندهای اداری هستند.

با ادامه تکامل این ابزارها، LLMها این پتانسیل را دارند که نقشی محوری در فراگیرتر و پاسخگوتر کردن مشارکت عمومی ایفا نمایند. با این حال، ارزش واقعی آن‌ها به میزان کمک آن‌ها به برنامه‌ریزان در جهت مشارکت و توانمندسازی جوامعی بستگی دارد که از نظر تاریخی از این فرآیند کنار گذاشته شده‌اند.





تخصصی در علوم کامپیوتر نیست. آنچه ضروری است، کنجکاوی و اشتیاق به یادگیری است. سواد هوش مصنوعی به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از ملزومات حیاتی برای برنامه‌ریزان است، درست همانند درک بودجه، پهنه‌بندی یا مشارکت‌های مردمی. اگر برنامه‌ریزان در تصمیم‌گیری در مورد نحوه استفاده از هوش مصنوعی مشارکت فعال نداشته باشند، این وظیفه به دیگران واگذار خواهد شد و این تصمیمات ممکن است منعکس‌کننده ارزش‌ها و دیدگاه‌های ارزشمندی نباشد که متخصصان برنامه‌ریزی شهری به آن پایبندند.



برنامه‌ریزان دیدگاه‌های منحصربه‌فرد و حائز اهمیتی را به گفتمان هوش مصنوعی ارائه می‌دهند. ما دارای چشم‌اندازی بلندمدت، تعهد به مشارکت عمومی و درک عمیقی از چگونگی تلاقی سیاست، زیرساخت و زندگی روزمره هستیم. این نقاط قوت دقیقاً همان چیزی است که برای تضمین استفاده از هوش مصنوعی در راستای ایجاد آینده‌های شهری عادلانه و فراگیر مورد نیاز است.



فعال، تعبیه برابری، انصاف و شفافیت در استقرار هوش مصنوعی را کسب کنند. مشارکت برنامه‌ریزان شهری ضروری است، نه صرفاً به عنوان کاربران هوش مصنوعی، بلکه به عنوان متولیان اخلاقی و سیاست‌گذاری که بر نحوه تکامل این فناوری‌ها و خدمت به جوامع مختلف تأثیر می‌گذارند.

۳ هوش مصنوعی: تداوم تکاملی در عرصه برنامه‌ریزی شهری

همگام با تحول از نقشه‌های ترسیم‌شده دستی به سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) و از بررسی‌های بصری به بینایی رایانه‌ای، اکنون در آستانه مرحله‌ای قرار داریم که هوش مصنوعی (AI) می‌تواند قابلیت‌های ما و امکانات موجود را به طور چشمگیری ارتقا بخشد. هوش مصنوعی را می‌توان به عنوان گامی تکاملی در جعبه ابزار متخصصان برنامه‌ریزی شهری تلقی نمود.

وجه تمایز این تحول، سطح خودمختاری و پیچیدگی فزاینده‌ای است که در آن دخیل است و پرسش‌های مهمی را در خصوص شفافیت و اعتماد در فرآیندهای تصمیم‌گیری مطرح می‌سازد. دولت‌های محلی که از هوش مصنوعی بهره می‌گیرند، از مزیت‌های ملموسی همچون بهبود پاسخگویی به دغدغه‌های شهروندان، افزایش دقت در پیش‌بینی توسعه شهری و ارتقای قابلیت‌های نظارت بر محیط زیست به صورت لحظه‌ای خبر می‌دهند. این مزایا مستلزم آن است که برنامه‌ریزان، علاوه بر کسب دانش فنی، چارچوب‌های استراتژیک و اخلاقی لازم را جهت ارزیابی اثربخش نتایج حاصل از هوش مصنوعی توسعه دهند. این امر مشابه انطباق سیستم‌های برنامه‌ریزی با پیشرفت‌های تکنولوژیک گذشته است.

۴ هوش مصنوعی: ابزاری در دسترس برای تمامی برنامه‌ریزان

برای تعامل سازنده با هوش مصنوعی، نیازی به تسلط بر زبان‌های برنامه‌نویسی یا داشتن مدرک

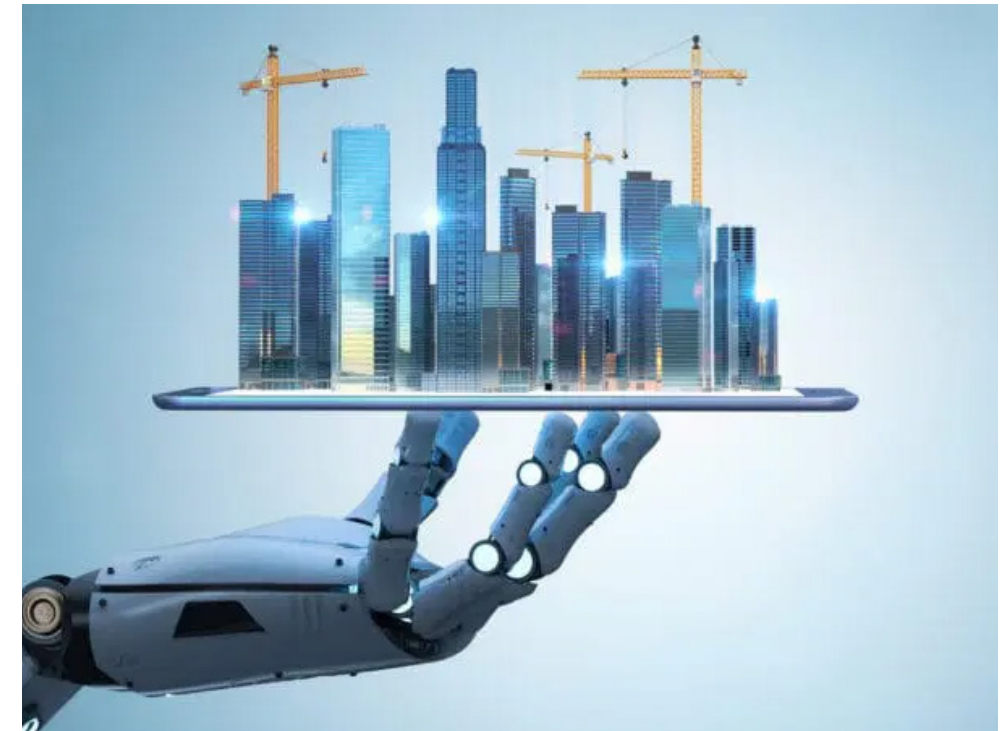


۲ نقش حیاتی برنامه‌ریزان در شکل‌دهی به تأثیر هوش مصنوعی

با وجود پتانسیل هوش مصنوعی، باید توجه داشت که این فناوری، اگرچه قدرتمند است، اما جادویی نیست. هوش مصنوعی جایگزین قضاوت انسانی نمی‌شود، بلکه با ارائه بینش‌های عمیق‌تر، شناسایی الگوهای پنهان و ارزیابی سناریوهای پیچیده، مکمل کار برنامه‌ریزان است. قابلیت‌های آن باید به دقت مدیریت شوند، به این معنی که برنامه‌ریزان نه تنها توسط آن بی‌نیاز نمی‌شوند، بلکه کلید موفقیت و کنترل آن به شمار می‌روند. به عنوان مثال، برنامه‌ریزان باید با جدیت با قابلیت‌های هوش مصنوعی کار کنند تا از تداوم سوگیری‌های ذاتی در داده‌های تاریخی جلوگیری نمایند. نرم‌افزار پلیس پیش‌بینی‌کننده که در شهرهایی مانند لس‌آنجلس مورد استفاده قرار می‌گیرد، نگرانی‌هایی را در مورد تقویت نابرابری‌های سیستمی ایجاد کرده است. با توجه به اینکه هوش مصنوعی در حال حاضر در حال استفاده است و انتظار نمی‌رود که به زودی از سرعت آن کاسته شود، برنامه‌ریزان باید مهارت‌های لازم برای حفظ نظارت

تام سانچز بدینوسیله از تمامی برنامه‌ریزان دعوت کرده تا این ستون را به صورت ماهانه دنبال نموده و با ارائه بازخورد، طرح سؤال و به اشتراک‌گذاری تجربیات خود، در این بحث مشارکت نمایند. او نوشته: «مایلم از نحوه استفاده کنونی شما از هوش مصنوعی، چالش‌های پیش روی شما و ایده‌هایی که مایل به بررسی آن‌ها هستید، مطلع شوم. در صورت تمایل به دریافت پاسخ به سؤالات خود، لطفاً با ذکر موضوع «سؤال هوش مصنوعی برای تام سانچز» به آدرس editor@planetizen.com ایمیل ارسال فرمایید. بیا بید با هم بیاموزیم که چگونه هوش مصنوعی را به نحوی به کار گیریم که واقعاً در خدمت جوامع ما باشد.»

تام سانچز، PhD، AICP، استاد گروه معماری منظر و برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه تگزاس A&M است. حوزه تحقیقات و تدریس او بر روش‌های برنامه‌ریزی، فناوری و حمل‌ونقل متمرکز است. وی نویسنده گزارش PAS APA ۶۰۴ با عنوان «برنامه‌ریزی با هوش مصنوعی» است و کتاب آتی او با عنوان «هوش مصنوعی برای برنامه‌ریزی شهری» توسط انتشارات Routledge در اکتبر ۲۰۲۵ منتشر خواهد شد. سانچز ریاست کمیته آموزش انجمن برنامه‌ریزی آمریکا (APA) و عضو انجمن پیش‌بینی هوش مصنوعی (AI) انجمن برنامه‌ریزی آمریکا است.



planetizen.com

به عنوان یک طراح با چه نگاهی به سراغ هوش مصنوعی برویم؟

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

هوش مصنوعی (AI) در صنعت معماری و طراحی تحولی چشمگیر ایجاد کرده است. این فناوری به طراحان، معماران و حتی افراد غیرحرفه‌ای این امکان را می‌دهد که طراحی‌های پیچیده و زیبایی‌شناختی را تنها از طریق پیام‌های متنی ساده بسازند. یکی از مثال‌ها، استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی مانند میدجورنی است که به کاربران امکان می‌دهد طرح‌های بصری جذاب ایجاد کنند. این ابزارها علاوه بر همگانی‌سازی فرایند طراحی، به معماران کمک می‌کنند تا از خلاقیت و ایده‌های جدید بهره‌مند شوند. با این حال، نگرانی‌هایی درباره همگن شدن طرح‌ها و کاهش مهارت‌های طراحی سنتی به وجود آمده است. در این راستا، جان مارکس، معمار و محقق، به این نکته اشاره کرده که استفاده از هوش مصنوعی نباید باعث از بین رفتن خلاقیت انسانی شود و طراحان باید با فناوری‌های هوش مصنوعی به شیوه‌ای انتقادی و هوشمندانه تعامل کنند.



در بخش برنامه‌ریزی شهری، هوش مصنوعی با بهبود سرعت تصمیم‌گیری، تخصیص بهینه منابع و مشارکت بیشتر شهروندان، به طراحی شهری کمک می‌کند. این فناوری با تحلیل مورفولوژی شهری می‌تواند به بهینه‌سازی فضاهای شهری و فضای سبز بپردازد. به علاوه، پلتفرم‌های مشارکتی به شهروندان این امکان را می‌دهند که در فرایند برنامه‌ریزی شهری نقش داشته باشند و به طراحی محیط‌های هوشمندتر و پایدارتر کمک کنند.

در بخش آموزش معماری، هوش مصنوعی می‌تواند کمک کند تا چالش‌های موجود در روش‌های سنتی تدریس برطرف شود. با توجه به پیشرفت سریع فناوری‌های هوش مصنوعی، ضروری است که روش‌های تدریس معماری و برنامه‌های درسی بازنگری شوند.

ورود Authorium به حوزه نوظهور تأمین نیاز دولتی با کمک هوش مصنوعی

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

خلاصه: شرکت Authorium با معرفی محصول جدید خود، AuthorAI، گامی نوین در اتوماسیون فرآیندهای تدارکاتی دولت‌ها برداشته است. این ابزار با بهره‌گیری از هوش مصنوعی مولد و داده‌کاوی روی بیش از ۱۵ میلیون سند دولتی، توانایی تولید شرح کار دقیق را در چند دقیقه دارد. این نوآوری در حالی عرضه شده که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اغلب نهادهای محلی ایالات متحده هنوز در مراحل ابتدایی پذیرش فناوری‌های هوش مصنوعی هستند. به‌رغم آن، شرکت‌هایی مانند OpenAI و سایر فعالان GovTech در حال توسعه ابزارهای خاص برای تسهیل خدمات دولتی هستند. مهم‌ترین حوزه مورد توجه در این روند، بهبود ارتباط با شهروندان از طریق رابط‌های هوشمند است. بازار تدارکات دولتی اکنون در آستانه یک تحول بنیادین دیجیتال قرار دارد که می‌تواند ساختارهای قدیمی را به چالش بکشد.

پردازش شده در پلتفرم این شرکت طی یک سال گذشته دو برابر شده و از ۲۵ میلیارد دلار در بهار ۲۰۲۴ به ۵۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. علاوه بر این، Authorium ابزارهای دیگری نیز برای مدیریت بودجه، اعطای کمک‌های مالی و تحلیل‌های قانون‌گذاری ارائه می‌دهد. این شرکت که در ابتدا با نام City Innovate فعالیت می‌کرد، در سال ۲۰۲۴ به رسمی، ۶۰ درصد کارکنان Authorium دارای سابقه کار در نهادهای دولتی هستند. از جمله سرمایه‌گذاران این شرکت می‌توان به SJF Ventures و Govtech Fund اشاره کرد.

پذیرش هوش مصنوعی در دولت محلی هنوز در مراحل ابتدایی است

براساس یک نظرسنجی در سال ۲۰۲۴ که توسط انجمن بین‌المللی مدیریت شهر/شهرستان (ICMA) انجام شد، ۴۸ درصد از مسئولان دولت‌های محلی هوش مصنوعی را در اولویت پایین برنامه‌های خود قرار داده‌اند، در حالی که تنها کمتر از ۶ درصد آن را اولویتی بالا دانسته‌اند. این گزارش می‌افزاید که

شرکت Authorium که یک پلتفرم مبتنی بر فضای ابری برای تسهیل امور اداری نهادهای دولتی است، از عرضه محصول جدیدی با عنوان «AuthorAI» خبر داد؛ ابزاری که از هوش مصنوعی مولد برای تسهیل فرایند تدارکات و تأمین نیازهای دولتی بهره می‌برد. AuthorAI با دریافت توصیفی از کالا یا خدمات مورد نظر یک نهاد دولتی، در مدت زمان کوتاهی یک «شرح کار» (Statement of Work - SOW) تولید می‌کند. به گفته این شرکت، الگوریتم یادگیری این ابزار مبتنی بر تحلیل ۱۵ میلیون سند مربوط به تدارکات دولتی آموزش دیده است. همچنین امکان ارجاع به اسناد منبع در متن شرح کار فراهم شده و خروجی‌ها قابلیت اشتراک‌گذاری و بازبینی در بین تیم‌های مختلف دولتی را دارند.

این ابزار از طریق Authorium و بازار AWS Marketplace در دسترس قرار گرفته است. این محصول در پی جذب ۸ میلیون دلار سرمایه در اوایل سال ۲۰۲۵ توسعه یافته است. مدیران عامل Authorium، جی نات و کامران صدیق، در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که میزان کل خریدهای

این نشان‌دهنده اهمیت مشارکت انسان در فرایند طراحی برای جلوگیری از یکنواختی است. در نهایت، با گسترش استفاده از هوش مصنوعی در معماری، مسائل حقوق مالکیت معنوی و کپی‌رایت مطرح می‌شود. زیرا بسیاری از سیستم‌های هوش مصنوعی از داده‌های گسترده‌ای استفاده می‌کنند که ممکن است شامل آثار دارای حق چاپ باشد. برای این منظور، نیاز به چارچوب‌های قانونی روشن و کارآمد وجود دارد تا هم حقوق خلاقیت انسانی و هم پیشرفت‌های فناوری به درستی محافظت شوند. در مجموع، هوش مصنوعی می‌تواند به طراحان و معماران کمک کند تا فرآیندهای طراحی را سریع‌تر و خلاقانه‌تر انجام دهند، اما نیاز است که استفاده از این فناوری با دقت و مسئولیت همراه باشد تا ارزش‌های انسانی و خلاقیت در طراحی حفظ شود.

این تحولات به معماران آینده کمک می‌کند تا از ابزارهای جدید استفاده کنند و بر مهارت‌های نرم مانند تفکر انتقادی و خلاقیت تمرکز کنند. یکی از مشکلات آموزش طراحی، فرهنگ کار بیش از حد و اتکا به ابزارهای قدیمی است که هوش مصنوعی می‌تواند این مسائل را حل کند.

سایت ArchDaily نیز با همکاری استودیوی طراحی Ulises تحقیقی انجام داد که نشان داد هوش مصنوعی می‌تواند نمایشی متنوع از خانه‌های معاصر در ۱۵ کشور ارائه دهد. در ابتدا، هوش مصنوعی طرح‌هایی همگن بر اساس سبک‌های معماری غالب موجود در داده‌های آموزشی تولید کرد. اما با اصلاح درخواست‌ها برای گنجاندن ویژگی‌های منطقه‌ای خاص، هوش مصنوعی توانست طرح‌هایی با ویژگی‌های فرهنگی منحصربه‌فرد تولید کند.



archdaily.com

رونمایی از لباس ایمن و هوشمند پاکبان‌ها در تبریز

گزینه‌ش و ویرایش توسط تحریریه پیرامون

شهرداری تبریز برای نخستین بار از لباس ایمن و هوشمند مخصوص پاکبانان رونمایی کرد. این اقدام که با هدف کاهش تصادفات و حوادث کاری صورت گرفته، در دوازدهمین نمایشگاه نوآوری و فناوری ربع رشیدی معرفی شد.

لباس هوشمند پاکبانان دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است، از جمله:

♦ مجهز به LED با قابلیت دید تا ۱.۵ کیلومتر برای افزایش ایمنی در شب

♦ قابلیت شست‌وشو و دوام بالا

♦ امکان استفاده تا ۶ ماه بدون نیاز به شارژ

♦ دارای سیستم هشدار و GPS برای نظارت بر موقعیت پاکبانان و تسریع امدادرسانی در مواقع اضطراری

با وجود استفاده از تجهیزات هشداردهنده مانند شبرنگ و موانع فیزیکی، سرعت بالای خودروها همچنان پاکبانان را در معرض خطر قرار می‌دهد. بر همین اساس، شهرداری تبریز در همکاری با پارک علم و فناوری، طراحی و تولید این لباس‌ها را در دستور کار قرار داده است.

این اقدام در راستای تأکید شورای اسلامی شهر و شهردار تبریز بر ایمنی پاکبانان انجام شده است. با استفاده از این لباس‌های هوشمند، انتظار می‌رود شاهد کاهش چشمگیر حوادث و ایجاد محیطی امن‌تر برای این قشر زحمت‌کش باشیم.



shahryarnews.ir

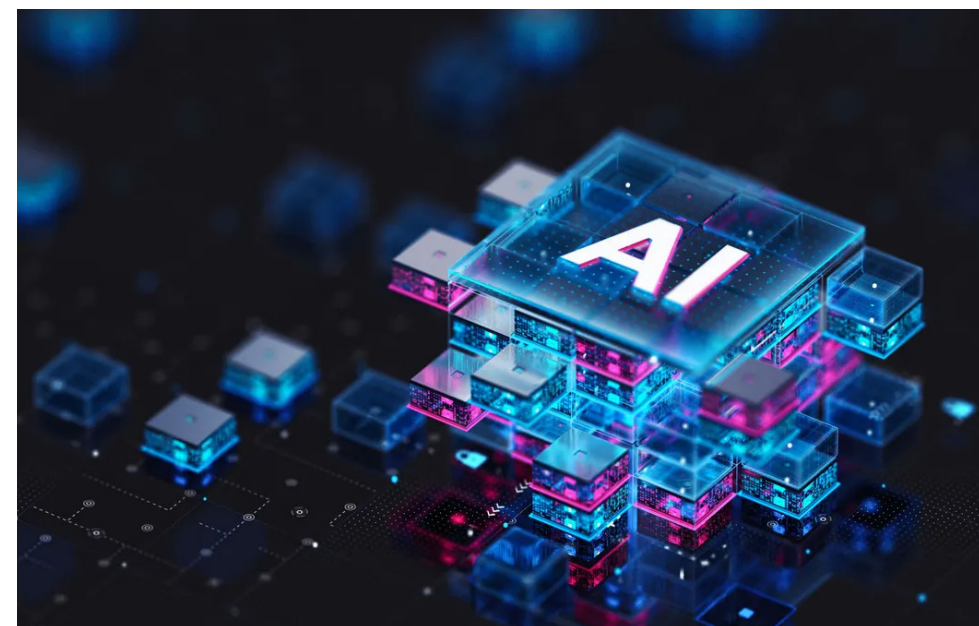
آمادگی را «ناکافی» و ۴۶ درصد آن را «نسبی» توصیف کرده‌اند. با وجود این چالش‌ها، شرکت‌های بزرگ فناوری پتانسیل هوش مصنوعی در بخش دولتی را تشخیص داده‌اند. به عنوان نمونه، OpenAI در اوایل سال جاری نسخه‌ای از ChatGPT را به‌طور اختصاصی برای استفاده سازمان‌های دولتی ایالات متحده عرضه کرد.

در همین زمینه، استیو آیزاک، مدیر بازاریابی شرکت Procurated، در مقاله‌ای برای نشریه American City & County اشاره کرده است که بازار تدارکات دولتی در حال تجربه موج دوم حضور ابزارهای هوش مصنوعی است. به گفته او، این موج نه تنها به بهینه‌سازی سرعت فرآیندها کمک می‌کند، بلکه در حال تغییر ماهیت کلی عملکردها در این حوزه است.

استفاده گسترده از هوش مصنوعی در ادارات محلی ایالات متحده هنوز در «دوران خردسالی» خود قرار دارد. برخی جوامع با استقبال از این فناوری، مسیر تازه‌ای را آغاز کرده‌اند، اما گروهی دیگر با احتیاط و تردید به آن نزدیک می‌شوند.

بالاترین زمینه‌ای که مقامات محلی پتانسیل هوش مصنوعی را در آن دیده‌اند، «تعامل با شهروندان» است. بر اساس داده‌ها، ۵۵ درصد از پاسخ‌دهندگان نسبت به استفاده از چت‌بات‌ها و رابط‌های کاربری ساده‌سازی‌شده ابراز امیدواری کرده‌اند.

در یک نظرسنجی جداگانه از مدیران فناوری اطلاعات دولت‌های محلی، تنها ۹ درصد اعلام کرده‌اند که نهاد آن‌ها برای بهره‌گیری ایمن از فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی «کاملاً آماده» است؛ ۳۸ درصد



smartcitiesdive.com



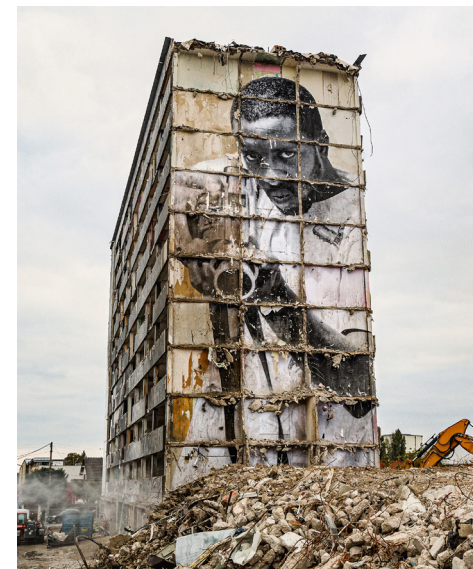
جشنواره‌ای از اجراهای هنرمند فرانسوی بر دیوارهای شهر

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون



از اواسط دهه ۲۰۰۰، هنرمند مرموز فرانسوی JR پروژه‌های عکاسی با مقیاس بزرگ را در شهرهایی در سرتاسر جهان ارائه کرده است. اجراهای عمومی او درون‌مایه‌های متنوعی را به خود اختصاص می‌دهند؛ از تصاویر نوری «تروپ لئوئیل» گرفته تا مجموعه‌هایی که آگاهی درباره وضعیت پناهندگان را ارتقا می‌دهند و تجربه جوامع حاشیه‌ای یا تحت ستم را در کانون توجه قرار می‌دهند.

تصاویر بصری تروپ لئوئیل اشاره به گروهی از تکنیک‌های هنری دارد که یک فریب بصری ایجاد می‌کنند و باعث می‌شوند تصاویر دو بعدی به صورت سه بعدی به نظر برسند تا عمق و واقع‌گرایی بیشتری را به مخاطب عرضه کنند. این تکنیک‌ها در آثار JR، تأثیر نصب‌های عکاسی بزرگ‌مقیاس او را افزایش می‌دهند و بینندگان را درگیر کرده و آن‌ها را دعوت می‌کنند تا دوباره به محیط اطراف خود فکر کنند.



آثار او در یک مونوگرافی جامع گردآوری شده که در ابتدا در سال ۲۰۱۵ منتشر شد و نسخه بازنگری شده آن شامل ۱۴۰ تصویر جدید و مقدمه‌ای از فیلم‌ساز معروف جورج لوکاس است. JR در این کتاب بیان می‌کند: «من از مردم و مکان‌ها عکس می‌گیرم و آن‌ها را بر روی قطارها، زمین‌ها، دیوارها، ساختمان‌ها و خانه‌ها نصب می‌کنم. گاهی اوقات حتی از مردم می‌خواهم که آن‌ها را حمل کنند. آن‌چه واقعاً اهمیت دارد این است که داستان‌ها سفر کنند؛ من کار خود را به عنوان نامه‌ای در یک بطری می‌بینم که در اقیانوس رها شده است. خودم هرگز واقعاً نمی‌دانم که به کجا خواهد رفت.»



لندن در پی ایجاد مراکز شهری سرزنده

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

با بازار و کافه‌ها تبدیل شد. رویدادهایی مانند جشنواره غذای بالهام و جشنواره کمدی نیز برای جذب بازدیدکنندگان برگزار شد. همچنین تلاش‌هایی برای به‌روزرسانی منابع کسب‌وکارهای محلی، از جمله طراحی مجدد وب‌سایت Balham Partnership، انجام گرفت. همچنین، ایستگاه بالهام با بهبود امکانات دوچرخه‌سواری و نصب تابلوهای راهنما ارتقا یافته و مطالعات توسعه‌ای برای آینده مرکز شهر و خدمات کلیدی مانند سوپرمارکت و کتابخانه در حال انجام است.

Balham یک منطقه در بخش Wandsworth در جنوب لندن است. پروژه بازسازی بالهام یک ابتکار محلی بود که با هدف احیای مرکز شهر و افزایش جذابیت آن به عنوان مکانی برای خرید، غذا خوردن و فعالیت‌های اجتماعی اجرا شد. این پروژه بر بهبود فضاهای عمومی، حمایت از کسب‌وکارهای محلی و سازمان‌دهی رویدادهایی برای گردهم‌آوردن جامعه تمرکز داشت. اقدام‌های کلیدی شامل نورپردازی بهتر، محوطه‌سازی، نصب صندلی‌ها و ارتقای مناطقی مانند Bedford Hill Place و خیابان Hildreth است که به یک خیابان پیاده‌روی سرزنده



london.gov.uk.



theguardian.com



بوم شهری، تجربه زیباسازی محوطه‌های کارگاهی

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

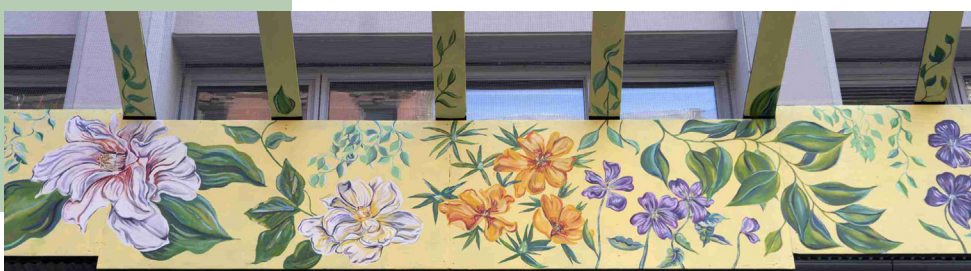
در هر یک از خیابان‌های شهر چند کارگاه عمرانی فعال دیده می‌شود؟ داریست‌ها و حفاظ‌های فلزی و بدون روح این کارگاه‌ها چقدر به چشم می‌آید؟ در قرن ۲۱ که رشد شهرنشینی بیش از هر زمانی سرعت گرفته است، کارگاه‌های عمرانی زیادی در شهرها فعال هستند.

نیویورک به عنوان پرجمعیت‌ترین شهر جهان که بیشترین وسعت بنا را نیز دارد یکی از سردمداران ساخت‌وسازهای شهری است. این واقعیتی از زندگی شهری است که هم به نفع ساکنان آن بوده و هم دشواری‌هایی را برای آن‌ها به وجود آورده است. همان‌طور که ساختمان‌ها به ارتفاعات بیشتر می‌رسند، داریست‌ها، نرده‌های ساخت‌وساز و آلونک‌های پیاده‌رو بر خیابان‌ها را تاثیر می‌گذارند. زشتی ساخت‌وساز چیزی است که بسیاری از ساکنان شهری آن را پذیرفته‌اند.



اما در سال ۲۰۱۹ برای حل این معضل برنامه "بوم شهری" به‌طور مشترک توسط اداره امور فرهنگی، اداره ساختمان و دفتر شهردار نیویورک شروع به کار کرد. بوم شهری به سازمان‌های فرهنگی و هنرمندان اجازه می‌دهد تا آثار خود را بر روی سازه‌های حفاظتی موقت به نمایش بگذارند. پس از موفقیت این برنامه در مرحله آزمایشی ۲۴ ماهه خود، DOB قانون محلی ۱۶۳ را در سال ۲۰۲۱ پیشنهاد کرد.

قانون محلی ۱۶۳ که از تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۲۳ اجرایی شد، همه صاحبان املاک سایت‌های ساخت‌وساز در نیویورک را ملزم به نصب آثار هنری در سازه‌های محافظ موقت مانند حصارهای ساختمانی و داریست‌هایی که بیش از ۹۰ روز نصب شده‌اند می‌کند. تمام آثار هنری توسط صاحب ملک انتخاب می‌شوند، اما سازمان‌های غیرانتفاعی بودجه کامل برای تولید و نصب آثار را تامین می‌کنند.



decoderny.com

خلاصه: مرکز هنری کلمن در شهر کوچک یورک، آلاباما، پاسخی نوآورانه به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی یک جامعه عمدتاً سیاه‌پوست و روستایی با نرخ بالای فقر ارائه می‌دهد. در شرایطی که این منطقه با کمبود فرصت‌های شغلی، مهاجرت نیروهای کار و کاهش حمایت مالی از برنامه‌های فرهنگی مواجه است، مارگوریت هینریکس با بهره‌گیری از تجربه خود در زمینه رهبری، املاک، گردشگری و آموزش، مرکز کلمن را به بستری برای احیای اقتصاد محلی از طریق توسعه صنایع هنری کوچک‌مقیاس و خلاقانه تبدیل کرده است.

رویکرد او بر پایه استفاده خلاق از فضاهای شهری، حمایت از کارآفرینان محلی، میزبانی از هنرمندان، ارائه آموزش‌های تخصصی و ایجاد رویدادهای مشارکتی همچون Shop and Sip است؛ رویدادی ماهانه که ضمن تقویت ارتباط اجتماعی، به جریان یافتن سرمایه درون شهر کمک می‌کند. تجربه مرکز کلمن نشان می‌دهد که هنر، فراتر از نقش زیبایی‌شناسانه‌اش، می‌تواند به عنوان یک موتور اقتصادی اجتماعی در شهرهای کوچک عمل کرده و به الگویی برای توسعه محلی پایدار بدل شود.

مرکز هنری کلمن به عنوان نمونه‌ای بارز، اثبات می‌کند که ترویج صنایع کوچک‌مقیاس می‌تواند نقش مهمی در پویایی اقتصادی یک شهر عمدتاً سیاه‌پوست در آلاباما ایفا کند. این نوشتار بخشی از مجموعه مقالاتی است که به بررسی نقش کارآفرینان زن در پاسخگویی به نیازهای توسعه اجتماعی و اقتصادی از طریق صنایع کوچک‌مقیاس می‌پردازد.

درب‌های شیشه‌ای دوجداره و براق فضای اجتماعی Pop Start، وابسته به مرکز هنرهای کلمن، به سمت پیاده‌رو باز می‌شوند و نوای موسیقی و صداهای خنده در فضا طنین‌انداز می‌شود. ویتترین‌های عریض این فضای یک طبقه در مرکز شهر یورک، آلاباما، تصویری از گردهمایی داخل را به نمایش می‌گذارند.

حاضران ضمن به اشتراک گذاشتن استعدادهای موسیقی خود، یکدیگر را تشویق می‌کنند. فروشندگان در کنار میزهای خود که مملو از سرپندهای رنگارنگ، فدورها و هدبندهای بافتنی است، ایستاده‌اند. دیگران، جواهرات دست‌ساز محلی و آثار هنری دیواری منحصر به فرد خود را عرضه می‌کنند. بازدیدکنندگان، در حین صرف غذا، به نوای دلنشین ساکسیفون که از صحنه به گوش

می‌رسد، توجه می‌کنند.

اینجا Shop and Sip، یک رویداد ماهانه است که به صنعتگران محلی فرصت می‌دهد تا محصولات خود را به فروش رسانده و سرمایه را از شهرستان‌های مجاور به شهر جذب کنند. این رویداد فرصتی برای همسایگان است تا گرد هم آیند، از آخرین اخبار مطلع شوند، از غذای رایگان لذت ببرند و به تماشای محصولات محلی بنشینند.

بدون شک، Shop and Sip یک رویداد اجتماعی پررونق است. با این حال، برای مارگوریت هینریکس، این رویداد فرصتی است تا نشان دهد که هنر می‌تواند به عنوان بخشی از موتور اقتصادی این جامعه کوچک روستایی عمل کند.

هینریکس، به عنوان مدیر اجرایی مرکز کلمن، با بهره‌گیری از ۳۰ سال تجربه خود در زمینه رهبری

و کارآفرینی، در تلاش است تا این شهر کوچک با جمعیت ۲۸۰۰ نفری، که عمدتاً سیاه‌پوست و روستایی است را متحول سازد. در طول سه سال گذشته، او ایده‌های مختلفی را امتحان کرده و به موفقیت‌هایی دست یافته است. با این حال، تلاش‌های او نمایانگر نیاز فوری شهرها و شهرک‌ها به ایجاد فرصت‌های شغلی مرتبط با هنر به منظور احیای اقتصادهای محلی است. این امر به‌ویژه با توجه به تغییرات سیاسی اخیر در اولویت‌های تأمین مالی بشردوستانه که موجودیت مرکز کلمن را به چالش می‌کشد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مسیر منتهی به یورک

آلاباما در ابتدا در برنامه‌های هینریکس جایی نداشت. او که در منطقه خلیج سانفرانسیسکو متولد و بزرگ شده است، دوران کودکی خود را در هایت-اشبری، در خانه‌ای چند نسلی متعلق به پدربزرگش گذراند. پدربزرگ او، یکی از پیشگامان کارآفرینان سیاه‌پوست در این منطقه بود که با مالکیت ملک، از جمله Moonlight Club و سایر املاک، الهام‌بخش دیگران شد. او با آموزش سخت‌کوشی و کارآفرینی به هینریکس، او را به اولین فارغ‌التحصیل دانشگاهی در خانواده‌اش تبدیل کرد و در نهایت مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌های مهمان‌نوازی، گردشگری و آموزش را کسب نمود.

هینریکس، در کنار ساختن یک حرفه موفق در آموزش عالی، علاقه خود را به سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات، که از پدربزرگش آموخته بود، پرورش داد تا به استقلال مالی دست یابد. او اولین ملک خود را در سن ۲۵ سالگی در لس‌آنجلس خریداری کرد و از آن مسیر منتهی به یورک آلاباما در ابتدا در برنامه‌های هینریکس جایی نداشت. او که در منطقه خلیج سانفرانسیسکو متولد و بزرگ شده است، دوران کودکی خود را در هایت-اشبری، در خانه‌ای چند نسلی متعلق به پدربزرگش گذراند. پدربزرگ او، یکی از پیشگامان کارآفرینان سیاه‌پوست در این منطقه



بود که با مالکیت ملک، از جمله Moonlight Club و سایر املاک، الهام‌بخش دیگران شد. او با آموزش سخت‌کوشی و کارآفرینی به هینریکس، او را به اولین فارغ‌التحصیل دانشگاهی در خانواده‌اش تبدیل کرد و در نهایت مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌های مهمان‌نوازی، گردشگری و آموزش را کسب نمود.

هینریکس، در کنار ساختن یک حرفه موفق در آموزش عالی، علاقه خود را به سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات، که از پدربزرگش آموخته بود، پرورش داد تا به استقلال مالی دست یابد. او اولین ملک خود را در سن ۲۵ سالگی در لس‌آنجلس خریداری کرد و از آن به عنوان اهرمی برای سرمایه‌گذاری در املاک مختلف در امتداد سواحل کالیفرنیا استفاده نمود.

در سال ۲۰۲۰، هم‌زمان با فرصت بازنشستگی با حقوق و چالش‌هایی که خانواده‌اش در دوران همه‌گیری با آن مواجه بودند، او تصمیم گرفت مهارت‌های خود را در عرصه‌های جدید به کار گیرد. دخترش که در مسیر تبدیل شدن به یک رقصنده حرفه‌ای بود، به دلیل تعطیلی آموزشگاه‌های رقص محلی، از ادامه فعالیت بازماند. تحقیقات آن‌ها را به مدرسه هنرهای زیبای آلاباما، یک مدرسه شبانه‌روزی هنری دولتی در بیرمنگام، به عنوان یک جایگزین مناسب هدایت کرد.

هینریکس و شریک زندگی اش به دنبال فرصت‌های سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات بودند که به آن‌ها امکان می‌داد یک زندگی خلاقانه و آزادانه‌تر از نظر مالی داشته باشند و در عین حال به جوامع دیگر کمک کنند. آن‌ها قصد داشتند دارایی خود در اوکلند را به بازارهای نوظهور منتقل کنند تا یک سبد بازتنشستگی بهتری ایجاد کنند و در نهایت خانه‌ای در یورک خریداری کردند.

روزی، هینریکس تماسی تلفنی از یک کمیسر شهرستان در شهرستان سامتر، آلاباما دریافت کرد. او از او درخواست کرد تا ریاست مرکز هنرهای کلمن، یک سازمان هنری غیرانتفاعی کوچک در مرکز شهر را بر عهده بگیرد.

یورک که زمانی در دهه ۱۸۰۰ به عنوان ایستگاهی در مسیر خطوط راه‌آهن شناخته می‌شد، برای دهه‌ها با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم کرده است. این مشکلات ناشی از رکود در تولید پنبه در طول رکود بزرگ و برون‌سپاری تولید بوده است. اگرچه کشاورزان برای تنوع بخشیدن به محصولات خود تلاش کردند، اما این منطقه هرگز به‌طور کامل احیا نشد. شهرستان اطراف هنوز با نرخ فقر بیش از ۳۰ درصد جمعیت، سطح تحصیلات عالی پایین و درآمد متوسط پایین روبرو است.

این مرکز که در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد، مدتی فاقد مدیر بود که این امر، پتانسیل‌های موجود را برای هینریکس جذاب ساخت. این یک فرصت مغتنم بود تا از طریق سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای هنری، به این شهر با اکثریت جمعیت سیاه‌پوست در راستای دستیابی به ثبات اقتصادی یاری رساند. وی در سال ۲۰۲۲، عهده‌دار سمت مدیر اجرایی گردید.

■ برنامه جامع جدید

هینریکس به محض ورود، به سرعت دریافت که مرکز کلمن، چیزی فراتر از یک فضای کوچک و محدود است؛ این سازمان مالک هفت ساختمان در قلب شهر است. این موضوع، به نحو مطلوبی با

مهارت‌های او در زمینه املاک و مستغلات، گردشگری و ارتباط خانوادگی با رقص همخوانی داشت. او به سرعت متوجه شد که می‌توان یک فضا را به یک استودیوی رقص و سه فضا را به اقامتگاه‌های بوم‌گردی (Airbnbs) برای میزبانی از هنرمندان مهمان و کسب درآمد برای مرکز تبدیل نمود.

هینریکس، مرکز را به عنوان یک مقصد برای جذاب هنرمندان و صنعتگران، یک جاذبه برای ساکنان منطقه به منظور صرف هزینه در جامعه و یک مرکز نوآوری (انکوباتور) برای کمک به ساکنان در راستای تبدیل مشاغل پاره‌وقت خود به مشارکت‌های قابل توجه در معیشت خانوارها، ترسیم نمود.

وی بلافاصله پس از آغاز فعالیت خود، اقدام به درخواست کمک‌های مالی و برگزاری رویدادهای جمع‌آوری کمک‌های مالی نمود. به منظور بازگرداندن خانواده‌ها به این فضا، او اقدام به راه‌اندازی کلاس‌های رقص برای جوانان یورک نمود. در سال ۲۰۲۳، او یک پیاده‌روی هنری مشابه آنچه در اوکلند و سایر شهرها مشاهده کرده بود، برگزار کرد، اما شرایط نامساعد جوی و بارندگی‌های پیش‌بینی‌نشده، موجب اخلال در برگزاری آن گردید.

او که دلسرد نشده بود، با ایجاد رویداد Shop and Sip، تغییری در رویکرد خود ایجاد کرد. این رویداد، یک شب دلپذیر است که ترکیبی از افراد محلی که محصولات صنایع دستی خود را به فروش می‌رسانند، اجراکنندگان موسیقی زنده و تهیه‌کنندگان غذای محلی را شامل می‌شود. کارآفرینان فضا را به‌صورت رایگان در اختیار می‌گیرند و غذا بدون هزینه ارائه می‌شود؛ دو انتخاب راهبردی که به منظور کمک به جذب ساکنان منطقه‌ای به شهر طراحی شده‌اند.

در طول شش ماه گذشته، مارگوریت مجموعه‌ای از برنامه‌های جدید را در پاسخ به درک نیازهای کسب‌وکار صنعتگران محلی و برنامه‌ریزی، راه‌اندازی کرده است. او در حال میزبانی از یک هنرمند مقیم،

کلاس‌های هنر بزرگسالان، کلاس‌های رقص بیشتر و یک تیم رقص برای کودکان یورک است. در پاسخ به سوالات مربوط به رشد از صنعتگران Shop and Sip، او از دانشجویان حقوق دانشکده حقوق آلاباما بهره برد تا یک کلینیک در مورد کسب و کار هنر را برای ارائه آموزش به افراد برای تأسیس مشاغل کوچک و علامت تجاری هنری خود، اداره کنند.

تأثیر اقتصادی و اجتماعی این اقدامات برای این شهر کوچک، قابل توجه است. یک نانوا محلی اکنون در یک بازار کشاورزان در نزدیکی و در جشنواره‌های منطقه‌ای به فروش می‌رساند و از این طریق، درآمد جدیدی را وارد خانوار خود می‌کند. دو هنرمند مورد حمایت مرکز، کمک‌های مالی ۷۰۰۰ دلاری برای ساخته‌های خود دریافت کرده‌اند. یک هنرمند یک نقاشی را در آخرین Shop and Sip به قیمت ۵۰۰ دلار به یک بازدیدکننده فروخت. این تأثیر، به‌طور پیوسته در حال گسترش است.

محلی، نه تنها فضایی برای نمایش محصولات هنری فراهم کرده، بلکه حلقه‌های پایداری در تولید و اشتغال ایجاد کرده است. این رویکرد، هنر را به عنوان نقطه اتکایی برای توسعه شهری معرفی می‌کند؛ جایی که طراحی، ساخت و نمایش آثار هنری با تولید و اشتغال هم‌افزایی دارد. این مدل می‌تواند انگیزه‌ای برای سایر شهرهای مشابه در سراسر کشور باشد.



nextcity.org

با این حال، پیشرفت‌های حاصل‌شده، با تغییرات اخیر در بودجه با تهدید مواجه شده است. این مرکز قبلاً در سال گذشته شاهد کاهش حمایت از برنامه‌های هنری سیاه‌پوستان بوده است. در اوایل سال ۲۰۲۵، مشخص شد که کمک مالی مورد انتظار از یک بنیاد، محقق نخواهد شد.

در پاسخ به این چالش، هینریکس شروع به بررسی گزینه‌های کارآفرینی جدید به‌منظور تأمین بودجه مرکز نمود. او با یک هنرمند محلی برای تولید یک نمایش مد چند نسلی همکاری کرد، یک کمپین اطلاع‌رسانی مشارکت شرکتی را راه‌اندازی کرد و یک برنامه اهدایی مبتنی بر رسانه‌های اجتماعی ایجاد نمود.

در بحبوحه عدم اطمینان مالی در سطوح فدرال و سازمانی، حمایت نهادهای مدنی از کارآفرینی صنعتگران و سایر تولیدات کوچک‌مقیاس، ممکن است برای شکوفایی هر دو، امری ضروری تلقی شود.

■ آیا هنر می‌تواند محرک احیای اقتصادی این شهر کوچک باشد؟

در این تصویر روشن‌گرانه، یک مرکز هنر-صنعت در شهری کوچک و عمدتاً سیاه‌پوست در ایالت آلاباما، نقش هنر را فراتر از نمایش زیبایی‌شناسی نشان می‌دهد و به مثابه موتور اقتصادی محلی عمل می‌کند. این مرکز با حمایت از تولیدات صنعتی کوچک‌مقیاس و فرصت‌های کسب‌وکار برای جوامع



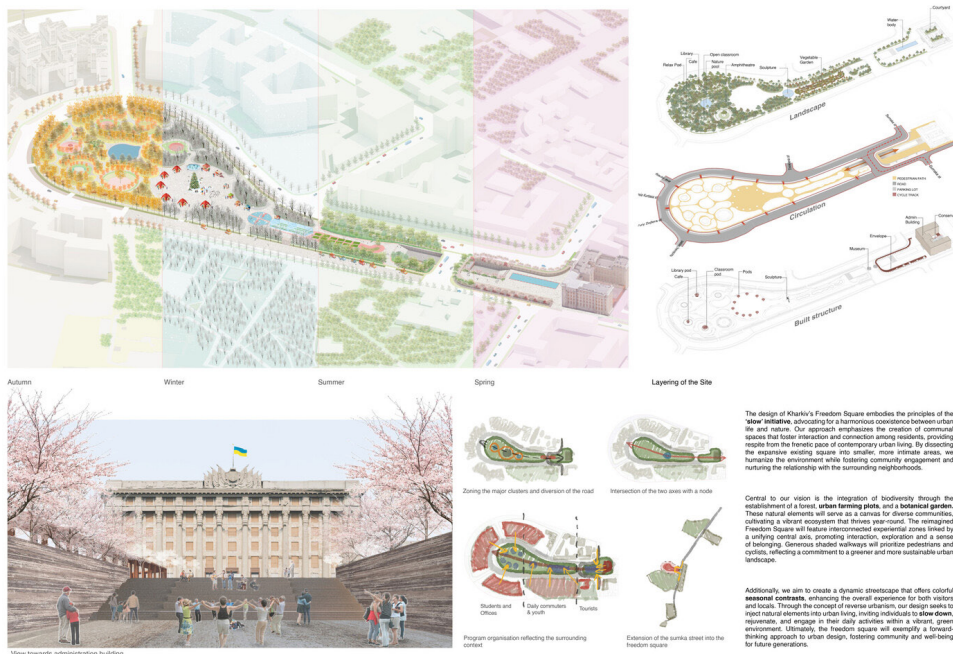
فصل ششم

شهر و فضاهاى همگانی



نمایشگاهی از طرح‌های الهام‌بخش برای نوسازی میدان آزادی خارکیف

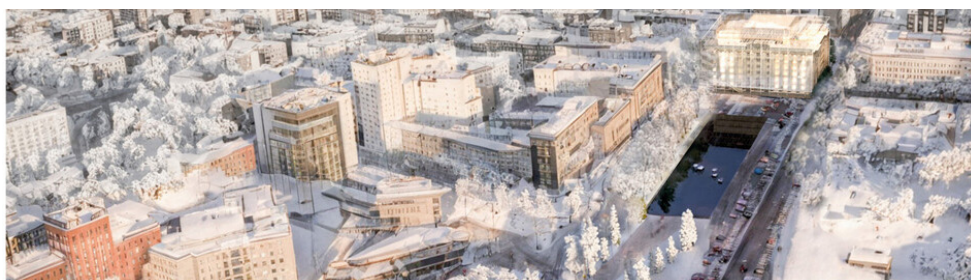
شهر خارکیف به دلیل نزدیکی به مرز روسیه با چالش‌های عمده‌ای مواجه است. در این راستا، ایگور ترکه‌خو، شهردار خارکیف، بر ضرورت ایجاد یک نماد جدید در دومین اجلاس شهرداران سازمان ملل تأکید کرده است؛ پروژه‌ای که می‌تواند نمایانگر نوسازی، تاب‌آوری و امید باشد. به منظور تحقق این هدف، مسابقه بین‌المللی میدان آزادی به عنوان بخشی از این چشم‌انداز راه‌اندازی گردیده است که از کارشناسان محلی و بین‌المللی دعوت می‌کند تا طراحی‌های نوآورانه‌ای برای میدان آزادی و ساختمان اداره کل منطقه خارکیف ارائه دهند. این مسابقه جزئی از مفهوم کلی طرح جامع خارکیف است که به همت شورای شهر خارکیف و در همکاری با کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا (UNECE)، بنیاد نرمان فاستر، آرپ و معماران و متخصصان محلی صورت می‌پذیرد. این مفهوم به دنبال هدایت نوسازی خارکیف از طریق ایجاد یک محیط شهری زنده، هماهنگ و آینده‌نگر بوده و در عین حال به گرامیداشت هویت تاریخی شهر توجه ویژه‌ای دارد.



پروژه‌های برگزیده:

هیئت داوران سه برنده جایزه را به‌عنوان مشارکت‌کنندگان برابر در فرایند جاری درباره آینده میدان آزادی و ساختمان اداره کل خارکیف، به همراه یک پروژه دانشجویی برجسته شناسایی کرده است. هر یک از این پروژه‌ها ایده‌های ارزشمندی را ارائه می‌دهد که رویکردهای مختلفی را برای بازاندیشی این فضای نمادین به تصویر می‌کشد. نقاط قوت و زمینه‌های بهبود این پروژه‌ها، پیچیدگی

چالش طراحی را نمایان می‌سازد و غنای این تلاش را مورد تأکید قرار می‌دهد. این پروژه‌ها به عنوان مسیری به سوی نتیجه‌ای متعادل‌تر، فراگیرتر و الهام‌بخش‌تر عمل می‌کنند. پروژه دانشجویی منتخب تأکید بیشتری بر اهمیت درگیر کردن استعدادهای نوظهور در شکل‌دهی به آینده شهر دارد و دیدگاه‌ها و ایده‌های نوآورانه‌ای را به گفت‌وگو می‌افزاید.

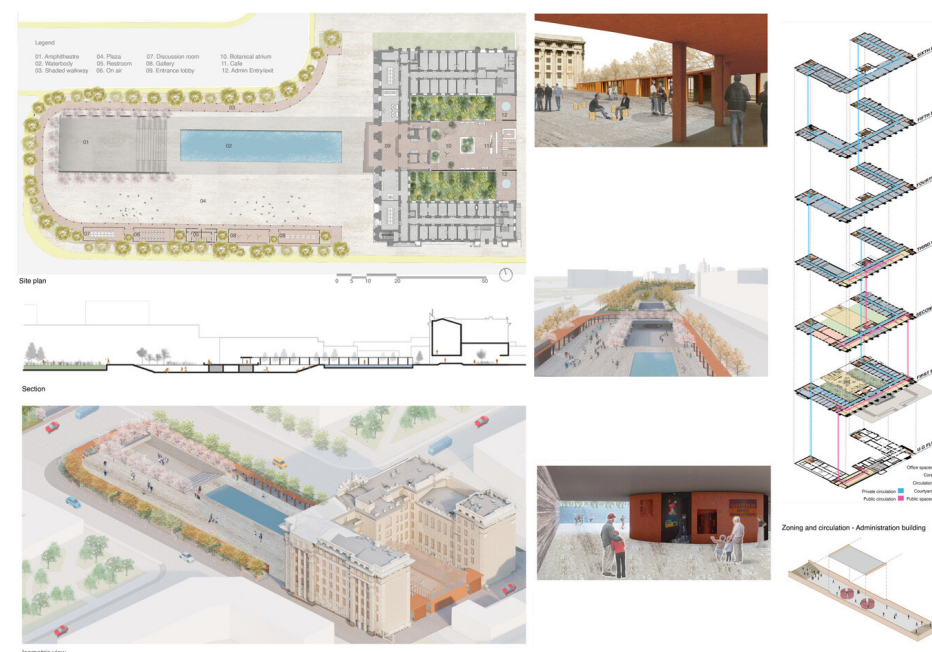
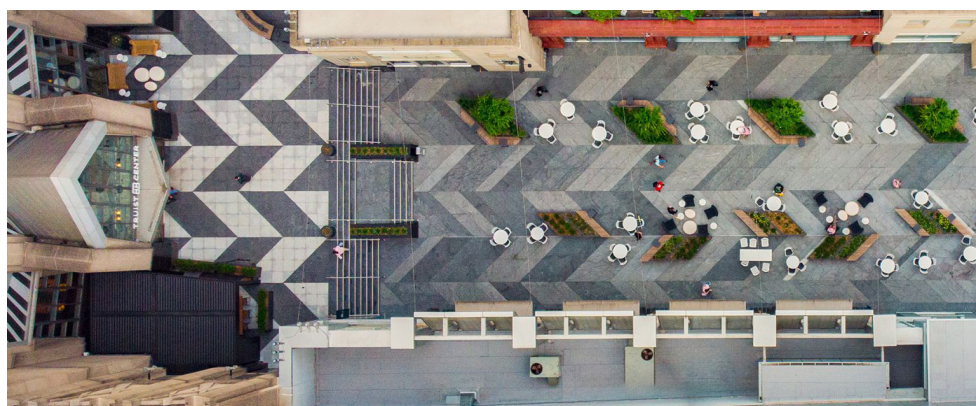


نوسازی پلازای عمومی بانک Truist برای ایجاد تجربه‌ای متفاوت در شهر

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

پروژه نوسازی پلازا (میدان عمومی) و لابی (فضای ورودی) بانک Truist توسط شرکت طراحی لیتل و به درخواست بانک Truist انجام شده است. این پروژه که در شهر شارلوت در آمریکا به اجرا درآمده است، به بازتعریف یک تجربه شهری از طریق بهبود سرزندگی فضا می‌پردازد. این میدان بازطراحی شده در حال حاضر به مرکزی پر جنب و جوش برای تعاملات عمومی تبدیل شده و چشم‌انداز پیشرو و آینده‌نگرانه بانک را به طرز هوشمندانه‌ای با جریان زندگی شهری ادغام کرده و بازتاب می‌دهد.

در داخل ساختمان نیز، طراحی لابی به گونه‌ای است که ضمن احترام به تاریخچه غنی ساختمان، از ترکیب عناصر سنتی و مدرن بهره گرفته و به همین دلیل حس دعوت‌کنندگی در عین یکپارچگی با محیط زمینه را ایجاد کرده است. طراحی تمامی جزئیات فضا به گونه‌ای است که تعادل درخوری میان کیفیت‌هایی مانند گشودگی فضا و امنیت ایجاد کرده است. همچنین تشویق‌کننده و الهام‌بخش شکل‌گیری ارتباطات معنادار در عین رعایت حریم خصوصی افراد است. در نتیجه، محیطی شکل گرفته که هر گوشه از آن به نوعی افراد را به حضور و تعامل با جامعه دعوت می‌کند.



archdaily.com.

پروژه‌های فینالیست جایزه اروپایی فضاهای عمومی شهری

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

گرفته و به همین دلیل حس دعوت‌کنندگی در عین یکپارچگی با محیط زمینه را ایجاد کرده است. طراحی تمامی جزئیات فضا به گونه‌ای است که تعادل درخوری میان کیفیت‌هایی مانند گشودگی فضا و امنیت ایجاد کرده است.

پروژه‌های گروه عمومی

■ پارکی در تپه قیام (خیزش) ورشو

◆ ورشو، لهستان

پارکی دسترس‌پذیر بر ویرانه‌های ناشی از جنگ جهانی، یک ترکیب منحصر به فرد از عناصر حافظه جمعی، تفریح و محیط زیست این پروژه پارک جدیدی است که فضایی عمومی را با حافظه تاریخی مکان پیوند می‌دهد. طراح پروژه از ویرانه‌های تخریب ناشی از جنگ جهانی دوم کمک گرفته تا با در نظر داشتن آینده، پارکی دسترس‌پذیر را با ادغام موزون حافظه، تفریح و محیط زیست به نمایش بگذارد.

■ تفرجگاه Boca de la Mina

◆ رئوس، اسپانیا

ادغام هوشمندانه طبیعت، تاریخ، نیازهای اکولوژیکی و فعالیت‌های بهداشتی و تفریحی این تفرجگاه جدید نمونه‌ای از ادغام طبیعت، تاریخ، نیازهای اکولوژیکی و فعالیت‌های بهداشتی و تفریحی از طریق طراحی دقیق و جزئی‌نگر است. استفاده از آجر دست‌ساز، تنظیم استراتژی شفاف برای مدیریت آب، نفوذپذیری چشم‌انداز شهری و مزایای اکولوژیکی و تفریحی از ویژگی‌های بارز این پارک است.

مرکز فرهنگ معاصر بارسلونا (CCCB) فینالیست‌های جایزه اروپایی فضای عمومی شهری ۲۰۲۴ را اعلام کرد. از میان ۲۹۷ پروژه از ۳۵ کشور اروپایی، در این دوره ۵ فینالیست در بخش عمومی که هدف آن ارتقای کیفیت فضاهای عمومی در سراسر قلمرو اروپا است، و ۵ فینالیست در بخش "سواحل" که به آسیب‌پذیری‌های اقلیمی شهرهای ساحلی می‌پردازد، انتخاب شده‌اند. امسال نخستین دوره از این مسابقه است که بخشی اختصاصی برای "سواحل" دارد و اهمیت و چالش‌های خاص شهرهای ساحلی را مورد توجه قرار داده است.

جایزه اروپایی فضای عمومی شهری یک مسابقه دوسالانه افتخاری است که بهترین روش‌ها و نوآوری‌ها در خلق، تحول و بازسازی فضاهای عمومی شهری در شهرهای اروپایی را برجسته می‌کند. برگزیدگان نهایی دوازدهمین دوره جایزه اروپایی فضای عمومی شهری در مراسمی در CCCB در تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۲۴ اعلام خواهند شد. پروژه نوسازی پلازا (میدان عمومی) و لابی (فضای ورودی) بانک Truist توسط شرکت طراحی لیتل و به درخواست بانک Truist انجام شده است. این پروژه که در شهر شارلوت در آمریکا به اجرا درآمده است، به بازتعریف یک تجربه شهری از طریق بهبود سرزندگی فضا می‌پردازد. این میدان بازطراحی شده در حال حاضر به مرکزی پر جنب و جوش برای تعاملات عمومی تبدیل شده و چشم‌انداز پیشرو و آینده‌نگرانه بانک را به طرز هوشمندانه‌ای با جریان زندگی شهری ادغام کرده و بازتاب می‌دهد. در داخل ساختمان نیز، طراحی لابی به گونه‌ای است که ضمن احترام به تاریخچه غنی ساختمان، از ترکیب عناصر سنتی و مدرن بهره



linkedin.com

ایجاد محیطی دسترس پذیرتر، فراگیرتر و پشتیبان تر برای ساکنان سالمند از طریق کار دقیق و پیچیده معماری

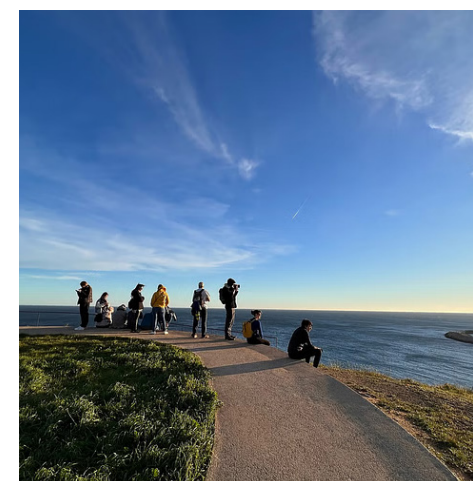
این پروژه نتیجه یک مطالعه دقیق در مورد چندین منطقه حاشیه ای در Ticino است که نیازها و چالش های روزمره جمعیت سالمند را شناسایی کرده و از طریق کار دقیق و پیچیده معماری، شهر را به محیطی دسترس پذیرتر، فراگیرتر و پشتیبان تر برای سالمندان تبدیل کرده است.

بازآفرینی یک سایت صنعتی متروکه و نقش آفرینی آن در زندگی شهری

هدف از پروژه CHAPEX بازآفرینی سایت های صنعتی متروکه و ادغام آن ها در زندگی شهری مدرن است. این مداخله با احترام به سایت موجود، استفاده از فرصت های معمارانه موجود و حداکثر استفاده از منابع محدود به بهبود کیفیت های فضا پرداخته و در نهایت فضا را برای پذیرش زندگی و فعالیت های جدید آماده می کند.

جنگل شهری، ایجاد یک فضای عمومی برای جبران گذشته، افزایش تنوع زیستی و معرفی گونه های بومی این پروژه بلندپروازانه به وسعت ۷۰۰ هکتار، با هدف اصلاح برنامه های درخت کاری ناکارآمدی که در دهه ۱۹۲۰ در پیش گرفته شد، اجرا شده است. این پروژه نه تنها به عنوان یک راهکار بازسازی به افزایش تنوع زیستی و معرفی گونه های بومی می پردازد، بلکه ابزارهای جدیدی برای اقدام های زیست محیطی شهری نیز در اختیار دست اندکاران می گذارد.

این جنگل شهری جدید که به عنوان فضایی عمومی عمل می کند، به مهار رشد بی رویه شهری کمک کرده و تفلیس را با یک پروژه پیشرو و با امکان توسعه برای آینده تجهیز می کند.

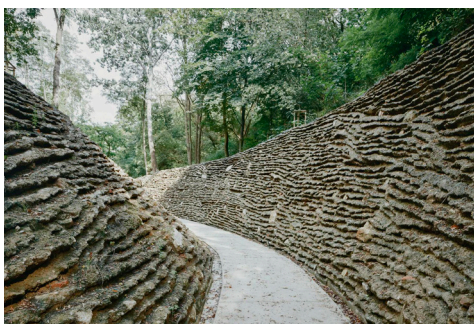


بهبود و بازسازی خط ساحلی با به کارگیری استراتژی هایی برای حفظ هویت روستا و پاسخ به شرایط مختلف این پروژه سواحل را به حالت طبیعی برمی گرداند و به جای نوار شهری موجود، زمین هایی با تپه های شنی به وجود می آورد تا از پارک مجاور ساحل نیز محافظت کند و ارتباط بین فعالیت های بندری و شهروندان را دوباره برقرار سازد. این مداخله با به کارگیری مجموعه ای از استراتژی ها ضمن حفظ هویت روستا به شرایط مختلف خط ساحلی پاسخ می دهد و نشان می دهد که چگونه همکاری های طولانی مدت میان ذی نفعان سیاسی، مدنی و اقتصادی می تواند مفید باشد. بازسازی منطقه تفریحی آبی Dún Laoghaire دوبلین، ایرلند احیای ارتباط شهر و دریا با ایجاد مسیری امن و اجتماعی برای دسترسی همه شهروندان به آب این پروژه تسهیلات سواحل را که برای مدت ها به حال خود رها شده بودند، احیا و ارتباط شهر با دریا را دوباره برقرار می کند. همچنین با استفاده ماهرانه و دقیق از مصالحی که انرژی اقیانوس را مهار می کنند، مسیری امن و همه شمول را برای دسترسی همه شهروندان به آب ایجاد کرده است. این پروژه شامل حذف ساختمان های قدیمی و خراب و ایجاد فضاهای عمومی جدیدی است که رابطه شهروندان را با دریا احیا (بازتعریف) می کند.

مداخلات حداقلی در طراحی خط ساحلی به طول ۵ کیلومتر، ایجاد ارتباط شهر و سواحل و حفاظت از خط ساحلی طراحی ساحلی به طول ۵ کیلومتر که چشم انداز ساحلی را حفظ و بهبود می بخشد و ارتباط شهر را با سواحل نزدیک و پارک طبیعی مجاورش برقرار می کند.



این رویکرد از طریق مداخلات حداقلی که تأثیر حداکثری دارند، درک عمیقی از سایت را نشان می دهد. این روش به زیبایی چشم انداز می افزاید، آسیب های انسانی را کاهش می دهد و حفاظت از خط ساحلی را تضمین می کند.



arcdaily.com | publicspace.org

بلوار ساحلی

دلفزیل، هلند

طراحی بلوار ساحلی جدید به جای مانع بصری میان شهر و دریا

این پروژه مرکز شهر دلفزیل را به دریای Wadden متصل کرده است. با توجه به بالا آمدن سطح دریا و تغییر اقلیم، نیاز به تقویت استحکامات دفاعی احساس می شد که این موضوع منجر به ایجاد یک مانع بصری بین شهر و دریا شده بود. بلوار جدید این مشکل را با پیوند زدن دو محیط و ایجاد فضای عمومی جدید از طریق بهبود زیرساخت ها و احیای اکولوژیکی برطرف می کند. کارهای مهندسی مورد نیاز در این پروژه، الهام بخش و هدایت کننده مسیر طراحی بوده تا در نهایت مداخله انجام شده، دسترسی به دریا را ارتقا داده و فهم بهتری از چشم انداز ایجاد کند.



پارک ساحلی

ریمینی، ایتالیا

ایجاد جذابیت برای گردشگران و ساکنان با یکپارچه سازی سواحل پراکنده در قالب یک پارک ساحلی ۶ کیلومتری این پارک سواحل را که قبلاً ناهمگون و پراکنده بوده اند به یک پارک شهری تبدیل کرده و به طور یکپارچه با محیط اطرافش ترکیب می کند. طول این پارک ساحلی ۶ کیلومتر است که باعث ایجاد انرژی و شادابی در شهر شده و هویت جدیدی را به همراه فضایی سبز برای گردشگران و ساکنان محلی ارائه می دهد. این پارک نقش مهمی در کاهش تأثیر تغییر آب و هوایی ایفا کرده و در عین حال پیامدهای شدید گردشگری بر روی ویژگی های شهری و کیفیت منطقه را کاهش می دهد.



تأثیر مبلمان شهری بر فضاهای عمومی

گزینش و نگارش توسط تحریریه پیرامون

این روزها، ایده "مکان‌سازی" به‌عنوان راهکاری جدید برای ایجاد فضاهای عمومی پایدار که مطابق با خواسته‌های شهروندان باشد، مطرح شده است. یکی از اصول مهم این روش، ایجاد فضاهای عمومی به‌صورت مشارکتی و از پایین به بالاست، به‌نحوی که شهروندان هم در ایجاد این فضاها دخیل باشند. بخشی از این جنبش مکان‌سازی متکی بر این دستورکار است که به دیدگاه‌های مردم گوش کنیم تا بدانیم که از فضای عمومی خودشان چه می‌خواهند. شهروندان عموماً به دنبال فضاهای شهری هستند که بازتابی از روح جامعه باشد و ضمن بهبود امنیت، به زندگی روزمره کمک کند و راحتی و دسترسی را بهبود بخشد. از این رو، نقش مبلمان شهری در این جنبش اهمیت بسزایی پیدا می‌کند.

اگر مبلمان یک فضای شهری مطابق با نیاز و انتظارات گروه‌های هدف طراحی و انتخاب شود، فضا اجتماعی‌تر، فراگیرتر و ایمن‌تر خواهد شد و مردم بیشتر به آن جذب می‌شوند. مبلمان شهری با ارائه صندلی‌های راحت، فراهم کردن جای پارک دوچرخه و کمک به پاکیزگی و مدیریت زیاده‌ها، نقش مهمی در رسیدن به این هدف دارد.



هنگامی که کاربران فضا جایی برای نشستن و استراحت داشته باشند، زمان بیشتری را در فضاهای عمومی سپری می‌کنند و این امر باعث افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد پیوندهای جدید بین افراد خواهد شد. جنبه دیگر مبلمان شهری که به بهتر شدن فضاهای عمومی کمک می‌کند، قابلیت آن در وارد کردن حس زیبایی و هنر به چشم‌انداز شهری است. علاوه بر این، مبلمان شهری در ترویج رویکرد پایدار و دوست‌دار محیط زیست در برنامه‌ریزی شهری هم نقش مهمی ایفا می‌کند. سطل‌های زباله‌ای که به‌طور استراتژیک در فضاهای عمومی قرار می‌گیرند، به پاکیزگی محیط کمک می‌کنند. هم‌چنین اضافه کردن قفسه‌های دوچرخه و ایستگاه‌های اشتراک دوچرخه در مناطق شهری، با پشتیبانی از روش‌های حمل‌ونقل جایگزین به کاهش وابستگی به خودروها می‌انجامد.



از طرف دیگر، مبلمان شهری تأثیر زیادی بر نشاط اقتصادی مناطق شهری دارد. مردم بیشتر از کسب‌وکارها در مناطقی استقبال می‌کنند که فضاهای عمومی جذاب و راحتی دارند، تا بتوانند در آن‌جا استراحت کنند، معاشرت کنند و از محیط اطراف لذت ببرند.





طراحی خدمات و تفکر طراحی؛ نگاهی نو به حل مسائل پیچیده شهرها

گفتگو و نگارش توسط تحریریه پیرامون

متن پیش رو برگرفته از مصاحبه تحریریه محله پیرامون با حمیدرضا نکویی، طراح و تسهیل گر، است. این گفتگو در هفتمین اپیزود رادیو پیرامون با عنوان «طراحی خدمات، چيستی و پتانسیل‌ها» منتشر شده است.

در این اپیزود، تلاش شده تا تعریفی روشن و ساده از «طراحی» و به‌طور خاص «طراحی خدمات» ارائه شود و سپس به کاربردهای آن در حوزه شهر، سایر رشته‌های تخصصی و حتی زندگی روزمره پرداخته شود. موضوعاتی همچون شیوه‌های نوین حل مسئله، شناسایی دقیق نیازها و نحوه تعامل طراحان با متخصصان حوزه‌های مختلف -از جمله حوزه‌های مرتبط با شهر- از دیگر محورهای اصلی این گفتگو به شمار می‌روند. برای شنیدن نسخه کامل این مصاحبه می‌توانید از طریق اسکن QR کد درج‌شده به اپیزود مربوطه دسترسی پیدا کنید.

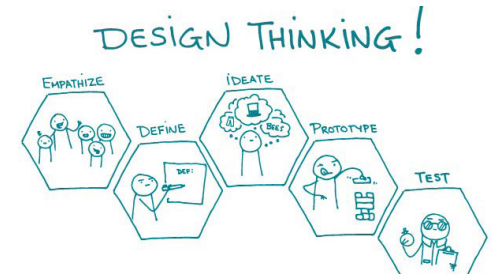
در شرایطی که شهرها با چالش‌های پیچیده‌ای مانند رشد جمعیت، تغییرات اقلیمی، فشار بر زیرساخت‌ها و افزایش انتظارات شهروندان روبه‌رو هستند، استفاده از رویکردهای نوین همچون تفکر طراحی (Design Thinking) و طراحی خدمات (Service Design) می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل باشد. این رویکرد با محوریت شناخت دقیق نیازهای واقعی مردم و با تأکید بر مشارکت ذی‌نفعان، می‌کوشد راهکارهایی خلاقانه، پایدار و قابل اجرا ارائه دهد.



برقرار می‌کند.

تفکر طراحی و بازتعریف مسئله

تفکر طراحی رویکردی است که ابتدا با همدلی (Empathy) نسبت به کاربران آغاز می‌شود و با تمرکز بر درک عمیق نیازهای آن‌ها، از راه‌حل‌های شتاب‌زده پرهیز می‌کند. این رویکرد بر اهمیت «بازتعریف مسئله» تأکید دارد؛ چرا که بسیاری از اوقات، آنچه به‌عنوان «خواسته» مطرح می‌شود، الزاماً «نیاز واقعی» نیست. مثلاً در تجربه‌ای شهری، خواسته اولیه مدیران «نصب دوربین بیشتر» برای



طراحی به مثابه حل مسئله

مفهوم «طراحی» فراتر از خلق فرم یا زیبایی‌شناسی صرف است و در ادبیات حرفه‌ای به‌عنوان فرآیندی برای حل مسئله شناخته می‌شود. این فرآیند با شناسایی مسئله آغاز می‌شود، سپس از طریق بازتعریف مسئله (Problem Reframing)، ایده‌پردازی، نمونه‌سازی و آزمون به مرحله اجرا می‌رسد. در این چارچوب، طراح نقش یک تسهیل‌گر را ایفا می‌کند؛ فردی که میان تخصص‌های فنی، اجتماعی و نیازهای واقعی شهروندان پیوند

امنیت بود، اما با بازتعریف مشخص شد نیاز اصلی، ایجاد حس امنیت در فضاهای عمومی برای زنان و کودکان است که همین تغییر زاویه نگاه، می‌تواند مسیر مداخله را به کلی تغییر دهد.

از محصول محوری به خدمت محوری

یکی از تغییرات بنیادین در حوزه نوآوری‌های شهری، گذار از منطق محصول محوری (Product-Oriented) به خدمت محوری (Service-Oriented) است. این تغییر نگرش که ریشه‌های آن به حدود شش دهه پیش بازمی‌گردد و در سال‌های اخیر به‌طور جدی‌تر دنبال شده است، بر تمرکز بر «نتیجه» یا «ارزش نهایی» تأکید دارد؛ نتیجه‌ای که شهروند در جست‌وجوی آن است، نه صرفاً ابزاری که برای دستیابی به آن استفاده می‌شود. در چارچوب طراحی خدمات، هر پدیده‌ای که در پیرامون انسان رخ می‌دهد، نوعی «خدمت» تلقی می‌شود. همان‌گونه که برای هر محصول صنعتی انتظار می‌رود فرآیند طراحی، تولید و استفاده آن از سوی متخصصان مهندسی و طراحی به‌دقت برنامه‌ریزی شود، خدمات شهری نیز نیازمند چنین نگاه نظام‌مند و طراحی‌شده‌ای هستند.

بر اساس ادبیات طراحی خدمات، هر خدمت از سه لایه اصلی تشکیل شده است:

♦ روی صحنه (Frontstage): تجربه مستقیم شهروند از خدمت.

♦ پشت‌صحنه (Backstage): افراد و فرآیندهای اجرایی که خدمت را ارائه می‌دهند.

♦ پشتیبانی (Support): زیرساخت‌ها و سازوکارهایی که امکان استمرار خدمت را فراهم می‌سازند.

طراحی خدمات تأکید دارد که ارزش باید برای همه ذی‌نفعان خلق شود، نه صرفاً برای کاربر نهایی. در غیر این صورت، خدمت پایداری نخواهد داشت. برای نمونه، اگر فرآیند خدمات بانکی به گونه‌ای طراحی شود که تجربه مشتری بهینه باشد اما

شرایط کاری متصدیان نادیده گرفته شود، پس از مدتی کیفیت ارائه خدمت افت خواهد کرد.

مفهوم «نقاط تماس» (Touchpoints) نیز در این رویکرد اهمیت ویژه دارد. هر نقطه‌ای که شهروند از طریق آن با خدمت شهری در ارتباط قرار می‌گیرد -از سامانه‌های حمل‌ونقل گرفته تا دفاتر خدمات محلی - بخشی از تجربه او را شکل می‌دهد.

برای مثال فردی که نیاز اصلی‌اش «جابجایی» است، الزاماً نیازی به مالکیت خودرو ندارد. سامانه‌های حمل‌ونقل اشتراکی یا تاکسی‌های اینترنتی، این نیاز را به‌عنوان یک خدمت پاسخ می‌دهند. یا نیاز به «لباس تمیز» می‌تواند به جای خرید ماشین لباس‌شویی برای هر واحد مسکونی، از طریق یک مرکز شست‌وشوی اشتراکی یا ماشین لباس‌شویی صنعتی در فضاهای مشترک پاسخ داده شود. این راهکار نه تنها هزینه و مصرف انرژی را کاهش می‌دهد، بلکه کاربری بهینه‌تری از فضا ایجاد می‌کند.

این تغییر نگرش از محصول به خدمت، در واقع نوعی بازتعریف مسئله است که کل فرآیند طراحی، ارائه و استفاده از خدمات شهری را در بر می‌گیرد. به بیان دیگر، طراحی خدمات با عبور از سطح ابزار، بر نیازهای واقعی شهروندان تمرکز می‌کند و می‌کوشد با هم‌افزایی سایر تخصص‌ها (مهندسی، برنامه‌ریزی، مدیریت شهری و علوم اجتماعی)، فرآیندها را به گونه‌ای بازآرایی کند که ارزش پایدار برای جامعه ایجاد شود.

لذا می‌توان گفت کلیدواژه‌ی اصلی در این گذار، «نیاز» است؛ نیازی که نه بر اساس پیش‌فرض‌های نهادی یا سازمانی، بلکه از دل تجربه‌های واقعی و زیسته شهروندان استخراج می‌شود.

در استخراج نیازها، پذیرش و اثربخشی راه‌ها را افزایش می‌دهد.

در حوزه کودک نیز همین منطق حاکم است. طراحی برای کودک، تنها در سطح «طراحی برای» متوقف نمی‌ماند، بلکه به سطح «طراحی با کودک برای کودک» ارتقا می‌یابد. در این مسیر، ابتدا با بزرگسالان و افراد اثرگذار گفت‌وگو می‌شود، اما مرحله اصلی، درگیر کردن خود کودکان است. دریافت ایده‌ها، خواسته‌ها و روایت‌های کودکان و ترجمه آن‌ها به خروجی طراحی، نه تنها کیفیت راه‌حل‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه مقاومت اجتماعی را به حداقل می‌رساند.

گام پیشرفته‌تر، توانمندسازی جامعه محلی برای حل مسائل خود با تسهیل‌گری طراحان است. این بخش دشوارتر و کمتر متداول است، اما پایداری نتایج در آن بسیار بیشتر خواهد بود، زیرا مالکیت راه‌حل به‌طور مستقیم در اختیار جامعه قرار می‌گیرد.

حضور و همراهی مستمر در طول اجرای پروژه نیز شرط اساسی موفقیت است. در ادبیات مشارکت، این فرآیند را می‌توان در چارچوب «نردبان مشارکت» تحلیل کرد؛ مدلی که سطوح مختلف مشارکت را از تصمیم‌گیری صرفاً بالادستی تا مدیریت مستقیم توسط مردم محلی نشان می‌دهد. هرچه جایگاه جامعه محلی در این نردبان بالاتر باشد، حس تعلق، کیفیت نتایج و پایداری راه‌حل‌ها نیز بیشتر خواهد بود.

از طرف دیگر انسان‌محوری هسته تفکر طراحی است، یعنی در طراحی شهری باید از مرز «کاربرمحوری» فراتر رفت و نگاه کل‌نگر (Holistic View) را جایگزین کرد؛ نگاهی که هم‌زمان نیازهای انسان، الزامات زیست‌محیطی و ملاحظات پایداری را در نظر بگیرد.

■ تفکر طراحی در عرصه محلی: مشارکت جامعه و کودکان به‌عنوان هم‌طراحان آینده

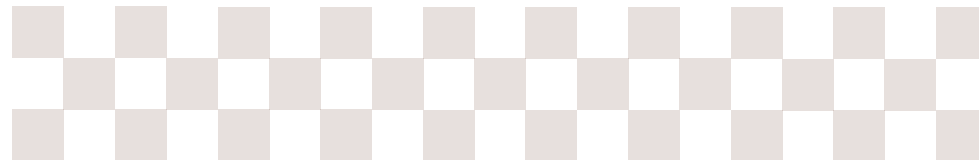
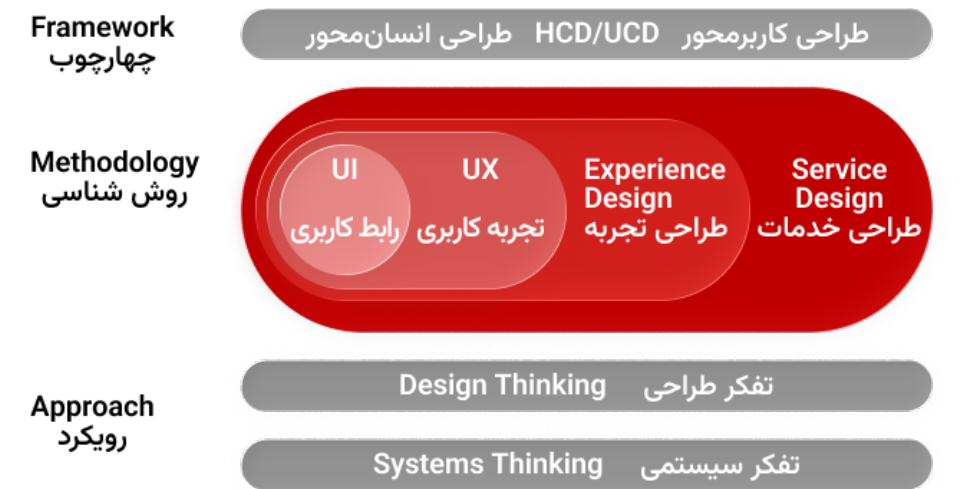
یکی از ابعاد مهم در به‌کارگیری تفکر طراحی در حوزه‌های شهری و روستایی، توجه به گروه‌های خاص و ذی‌نفعان محلی است. تجربه‌های میدانی نشان می‌دهد که مداخله‌های موفق، با شنیدن و شناختن آغاز می‌شوند، نه با تحمیل راه‌حل‌های آماده. در پروژه‌هایی که طی بیش از یک دهه در حوزه کودک و اقدام محلی اجرا شده‌اند، چارچوب تفکر طراحی به‌عنوان مسیر اصلی به کار گرفته شده است؛ شروع از همدلی، شناسایی نیاز، بازتعریف مسئله و حرکت به سمت طراحی و اجرا.

در ورود به یک روستا، نخستین گام برقراری ارتباط با مردم و شناخت بافت اجتماعی است. نگاه صرفاً شهری می‌تواند منجر به برداشت‌های نادرست از نیازها شود؛ آنچه برای برنامه‌ریزان بیرونی مسئله به نظر می‌رسد، ممکن است برای جامعه محلی اولوی‌تی نداشته باشد. از همین رو، شناسایی افراد اثرگذار در روستا - مانند رئیس شورای محلی، مدیر مدرسه، امام جماعت یا متولیان حسینیّه - و گفت‌وگوهای چندمرحله‌ای با آنان، بخش جدایی‌ناپذیر فرآیند است. در برخی موارد، این گفت‌وگوها طی چندین جلسه تکرار می‌شوند تا اعتمادسازی شکل گیرد و جامعه محلی مطمئن شود که هدف «شنیدن» است نه «نسخه‌پیچی» از بیرون.

این رویکرد مقاومت‌های احتمالی را کاهش می‌دهد؛ چرا که افراد محلی دارای تجربه زیسته و آگاهی عمیق از شرایط خود هستند و در نتیجه، مشارکت آن‌ها

■ جمع‌بندی و چشم‌انداز آینده

طراحی خدمات و تفکر طراحی، نردبانی برای مشارکت شهروندان ایجاد می‌کند؛ از تصمیم‌گیری‌های بالادستی تا مدیریت کامل پروژه توسط خود مردم. این روش اگر به‌درستی پیاده شود، می‌تواند به آموزش مهارت‌های حل مسئله به نسل جوان، تقویت حس تعلق اجتماعی، و توانمندسازی شهرها در مواجهه با آینده‌ای پراز عدم قطعیت منجر شود. در چشم‌انداز کلان، به‌کارگیری این روش‌ها در کنار فناوری‌های نوین شهری، می‌تواند به ایجاد شهرهای هوشمند، پایدار و عدالت‌محور بینجامد؛ شهرهایی که نه صرفاً برای مردم، بلکه با مردم طراحی می‌شوند.



درس آموخته‌هایی از آتش‌سوزی لس‌آنجلس برای مدیریت بهتر شهرها

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

خلاصه: آتش‌سوزی پالی‌سیدز در لس‌آنجلس درس‌های مهمی را برای مدیریت شهری و طراحی ایمن‌تر شهرها ارائه می‌دهد. یکی از چالش‌های اصلی این بحران، عدم اتصال مناسب شبکه خیابان‌ها بود که منجر به ترافیک سنگین و دشواری در عملیات تخلیه شد. این مسئله نشان می‌دهد که طراحی شهری باید با تأکید بر مسیرهای خروج اضطراری و کاهش وابستگی به خودروها بازنگری شود. همچنین، استفاده از مصالح مقاوم در برابر آتش، ایجاد فضاهای سبز کم‌احتراق و تقویت طراحی خانه‌ها برای کاهش گسترش شعله، از راهکارهای معمارانه‌ای است که می‌تواند خطرات مشابه را کاهش دهد. علاوه بر این، بحران مسکن و افزایش اجاره‌ها پس از آتش‌سوزی، ضرورت تدوین سیاست‌های حمایتی برای مستأجران را برجسته می‌کند. تجربه لس‌آنجلس نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی شهری باید با در نظر گرفتن ریسک‌های اقلیمی، تاب‌آوری زیرساخت‌ها و عدالت اجتماعی همراه باشد تا شهرها در برابر بحران‌ها ایمن‌تر و پایدارتر شوند.

صدای سایش فلز بر فلز در حالی که خودروهای رها شده در بلوار سانست توسط یک بولدورکنار زده می‌شوند. ساکنان گرفتار در ترافیک سنگین خودروهای خود را ترک کرده و در حین یک تخلیه جمعی پا به فرار گذاشتند و راه را برای خودروهای امدادی مسدود کردند.

این یک صحنه فراموش‌نشدنی از آتش‌سوزی پالی‌سیدز است. این رخدادسرخسار از درس‌های فراموش‌نشدنی برای مدیران، طراحان و برنامه‌ریزان شهرهاست که در این گزارش به برخی از آن‌ها پرداخته شده است.

به لحاظ اقتصادی کارشناسان برآورد کرده‌اند که خسارات ناشی از این آتش‌سوزی‌ها به میلیاردها دلار خواهد رسید و این اولین بار است که آتش‌سوزی‌ها چنین هزینه بالایی را برای ایالات متحده به همراه دارند. گزارش‌ها همچنین به عوامل مؤثر در افزایش این هزینه‌ها از جمله تغییرات اقلیمی، افراط در ساخت‌وساز در مناطق پرخطر و مدیریت نادرست منابع اشاره دارند. با توجه به تاریخچه آتش‌سوزی‌های گسترده در این منطقه، موضوع

توسعه پایدار و بهبود تدابیر حفاظتی برای کاهش خسارات در آینده نیز به عنوان یک ضرورت مطرح می‌شود.

آن صحنه ترافیک سنگین و سوختن خودروها که در ابتدای گزارش ترسیم شد، برای آدام میلار-بال، استاد برنامه‌ریزی شهری در UCLA، یک مشکل آشنا را نشان می‌دهد: گسترش بی‌رویه شهر و وابستگی به خودرو که پیامد آن است. مقاله تحقیقاتی او با عنوان «تصاویر متوالی زمانی از گسترش شبکه خیابان‌ها در مقیاس جهانی» در تاریخ ۱۳ ژانویه منتشر شد.

میلار-بال و همکارانش اتصال خیابان‌ها را در سطح جهانی نقشه‌برداری کردند؛ از جمله انتهای بن‌بست‌ها، کوچه‌های بلند و باز و نیز حلقه‌هایی که در مناطق وجود دارند. همچنین اشاره کردند که محله‌هایی که برای تخلیه ایمن مشکل داشتند، یکی از کم‌اتصال‌ترین محله‌ها در لس‌آنجلس هستند که در آن‌ها تنها چند راه برای ورود و خروج وجود دارد؛ درواقع محله‌هایی که شبکه معابر آن‌ها با سایر محله‌های شهر و

خیابان‌های اصلی اطراف اتصال بسیار اندکی دارند و به‌نوعی مانند جزیره‌ای محصور در بافت شهری قرار گرفته‌اند. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، این امر باعث ایجاد ترافیک سنگین و بالقوه مرگبار در زمان بحران می‌شود و ساکنان فراری و خودروهای امدادی را به نقطه‌ای شبیه بن‌بست می‌کشاند.



دارد. لس‌آنجلس یک استثنا است و دارای سیستم شبکه‌ای نسبتاً خوب متصل است - به جز در مکان‌هایی مانند پاسیفیک پالیسیس. مردم اغلب به این دلیل از این محدوده خوششان می‌آید که حریم خصوصی را فراهم می‌کند و شاید احساس امنیت بیشتری را به همراه داشته باشد. اما این واقعیت به این معنی است که هیچ گزینه‌ای به جز رانندگی وجود ندارد و نیز در مواقع بحرانی، تخلیه محدوده بسیار سخت‌تر است.»

در شهرستان لس‌آنجلس، جوامع حومه شهری اغلب در حاشیه‌های شهر یا نقاط مرزی بین مناطق شهری و طبیعی وجود دارند که آتش‌سوزی می‌تواند تهدیدی دائمی باشد. در برخی موارد، گسترش خیابان‌ها به دلیل توپوگرافی است. در موارد دیگر، این یک انتخاب طراحی بوده است. این به این معنی است که برنامه‌ریزان می‌توانند در مرحله بازسازی گزینه‌های متفاوتی را انتخاب کنند به‌جای اینکه صرفاً اشتباه‌های گذشته را تکرار کنند. برخی

اما گسترش خیابان همچنین تأثیرات مهمی بر اقلیم دارد و مردم را به‌طور روزافزون به خودرو وابسته‌تر می‌کند و راه رفتن، دوچرخه‌سواری یا استفاده از اتوبوس را — اگر نگوئیم غیرممکن — دشوارتر می‌سازد. برای میلار-بال، آتش‌سوزی‌های جنگلی فرصتی برای بازسازی خیابان‌های متصل‌تر است که همچنین به بهبود پاسخ به بحران کمک می‌کند. او می‌گوید: «اگر خیابان‌ها را دقیقاً به همان شکلی که قبلاً بودند بسازیم، این یک فرصت از دست رفته خواهد بود.»

یکی از پرسش‌های اصلی در این‌جا این است که چرا گسترش خیابان‌ها به این شکل وجود دارد. در دوران پس از جنگ، آمریکایی‌ها برای جست‌وجوی رویای آمریکایی به حومه‌ها هجوم آوردند و به این ترتیب، کوچه‌های بن‌بست و حتی جوامع محدود با یک نقطه ورودی را پذیرفتند.

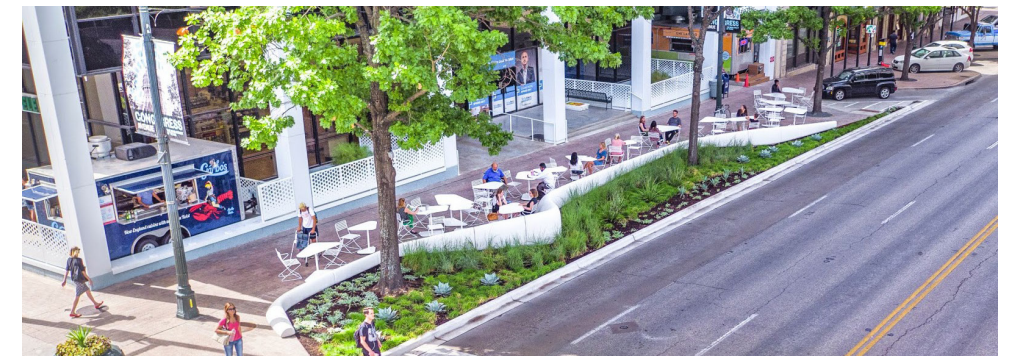
میلار-بال می‌گوید: «ما متوجه شدیم که ایالات متحده برخی از کم‌اتصال‌ترین خیابان‌ها را در جهان

از امکاناتی که میلار-بال به آن اشاره می‌کند شامل ایمن‌تر کردن راه‌های پیاده‌روی یا دوچرخه‌سواری بچه‌ها به مدرسه، ساخت مسیرهای پیاده‌روی بین محله‌ها، افزودن سایه بیشتر برای مسافران اتوبوس، کاشت درختان مختلف و استفاده از مواد کمتر مصرف‌کننده آب و کاهش دهنده گرمای شهری هستند. در نهایت بهبود اتصال خیابان‌ها تنها یک پروژه برای مناطق آسیب‌دیده از آتش‌سوزی‌های طبیعی نیست؛ بلکه کل شهر می‌تواند از این ایده بهره‌مند شود. وی بر این باور است که «اتصال در بسیاری از مناطق لس‌آنجلس مانند بزرگراه‌ها مرتبط با غلبه بر موانع است؛ اما فراهم کردن راه‌های ایمن برای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری از زیرگذرهای بزرگراه‌ها، که به‌واقع برای یک عابر پیاده بسیار ترسناک است و اغلب خیلی ایمن نیست باید در اولویت قرار گیرد.»

در لس‌آنجلس در مورد بهبود شرایط برای افرادی که پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و استفاده از حمل‌ونقل عمومی می‌کنند، برخی چنجال‌ها وجود داشته است. با ارزیابی HLA، ابتکاری که با رأی‌گیری به اجرا درآمد و بخشی از آن به اضافه کردن خطوط اتوبوس و دوچرخه اختصاص دارد، آتش‌نشانان و برخی از مدیران شهری ادعا کردند که این موضوع به وسایل نقلیه اضطراری آسیب می‌زند. این در حالی است که بال می‌گوید «[اضافه کردن خط دوچرخه یا اتوبوس]

واقعاً بر پاسخگویی به موقعیت‌های اضطراری تأثیر نمی‌گذارد؛ زیرا با طراحی مناسب خیابان‌ها، کامیون‌های آتش‌نشانی می‌توانند در خط دوچرخه یا اتوبوس حرکت کنند.» در مورد نگرانی‌های عمومی که اتصال بیشتر خیابان‌ها را به معنی بیشتر بودن افرادی خانمان یا جرم بیشتر می‌انگارد (در حالی که در واقع، تحقیقات نشان می‌دهد که افراد بی‌خانمان احتمال بیشتری وجود دارد که قربانیان جرم باشند تا مرتکبان آن)، میلارد-بال می‌گوید که او از هیچ تحقیقی که این موارد را مرتبط کند، آگاه نیست. آن‌چه که بیان شد خلاصه‌ای از نکته‌های پراهمیت در طراحی شهرها برای مواجهه بهتر با بحران‌هایی مانند آتش‌سوزی بود؛ اما گذشته از مقیاس شهر و خیابان‌هایش، این آتش‌سوزی درس‌های معمارانه‌ای نیز برای سازندگان بناها و شهرها به دنبال داشت. یکی از گزارش‌های منتشرشده به آموزه‌های معمارانه پرداخته است. معماران در گزارش وبسایت بلومبرگ با تحلیل بناهای باقی‌مانده در آتش‌سوزی بزرگ لس‌آنجلس به چند نکته کلیدی اشاره کرده‌اند که می‌تواند دوام خانه‌ها در برابر آتش‌سوزی‌ها را تضمین کند:

۱ استفاده از مصالح مقاوم در برابر آتش: معماران بر اهمیت استفاده از مواد ساختمانی مانند فولاد، بتن و شیشه تأکید کردند که به طور طبیعی در برابر آتش مقاومت بیشتری دارند.



۲ طراحی مناسب ساختمان:

طراحی خانه‌ها به گونه‌ای که جریان هوای حرارتی را به حداقل برسانند و الگوهای حرکتی آتش را محدود کنند، یکی از عوامل مؤثر در جلوگیری از گسترش آتش محسوب می‌شود.

۳ مکان‌های سبز و فضای باز:

ایجاد فاصله مناسب میان خانه‌ها و استفاده از گیاهان کم‌احتراق در فضای سبز اطراف (مانند گیاهان آبدار) می‌تواند به کاهش خطر آتش‌سوزی کمک کند.

۴ استفاده از پنجره‌ها و درهای مقاوم: پنجره‌ها و درهای مقاوم در برابر حرارت می‌توانند از ورود شعله‌های آتش به داخل ساختمان جلوگیری کنند. این ویژگی به‌ویژه برای خانه‌هایی که در مناطق خطرناک قرار دارند، بسیار حیاتی است.

۵ پوشش‌های ضد آتش:

استفاده از پوشش‌های مخصوص ضد آتش در سطوح خارجی بناها برای کاهش خطرات ناشی از شعله‌های آتش مؤثر خواهد بود.

۶ برنامه‌ریزی محلی و همسایگی:

همکاری با برنامه‌ریزان شهری و همسایگان برای طراحی محله‌هایی که در برابر آتش‌سوزی مقاوم‌تر باشند، اهمیت زیادی دارد. در نهایت باید در نظر داشت که این بحران پیامدهای اجتماعی متعددی نیز در پی داشته است.

یکی از گزارش‌ها به چالش‌های جدی که مستاجران در لس‌آنجلس با آن مواجه هستند، می‌پردازد. با افزایش مکرر آتش‌سوزی‌ها و بحران اجاره‌نشینی، مستأجران خواهان اعمال قوانین کنترل اجاره‌ها هستند تا از افزایش ناعادلانه قیمت‌ها جلوگیری کنند.

در میان آتش‌سوزی‌ها، مستاجران به شدت نگران امنیت مسکن و آینده خود هستند و به همین دلیل دست به تجمع‌ها و فعالیت‌های اجتماعی می‌زنند تا صدای خود را به گوش مسئولان برسانند. این تحرکات تلاش‌هایی برای افزایش آگاهی در مورد تأثیرات منفی بحران مسکن و نیاز به حمایت‌های قانونی بیشتری هستند.

صاحب‌نظران بر اهمیت تعامل میان جامعه و سیاست‌گذاران تأکید می‌کنند و بر این نکته که مستأجران در پی ایجاد تغییرات پایدار برای محافظت از حقوق خود و محیط زندگی‌شان هستند، صحنه می‌گذارند.

در مجموع تجربه مدیریت بحران در سراسر جهان می‌تواند درس‌ها و آموزه‌های مهمی را برای مدیران شهری به همراه داشته باشد و نقطه عطف تأثیرگذاری در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های بعدی به شمار آید. از این رو گردآوری و مرور این درس‌آموزه‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است.

nextcity.org | bloomberg.com

شهر و همه شمولی

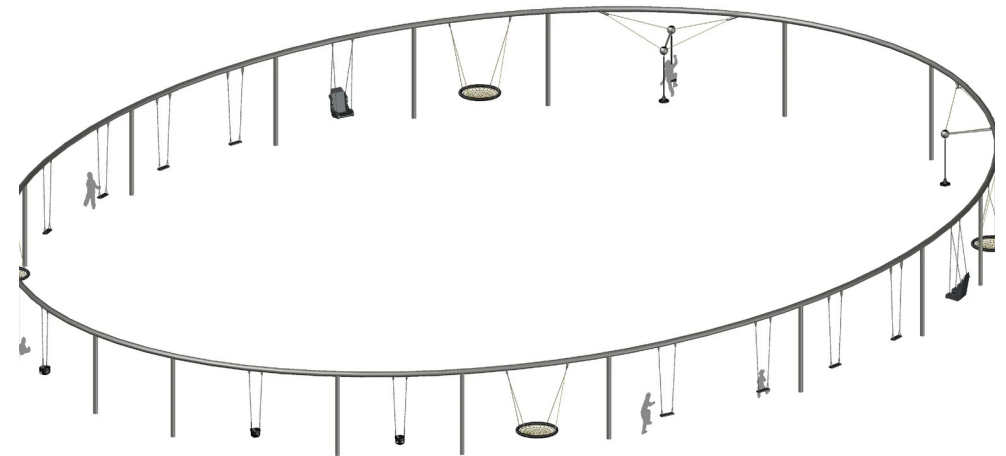
فصل هشتم



آنچه خانواده‌ها از فضاهای عمومی نیاز دارند: نگاهی به مجموعه برنده جایزه پولیتزر (Pulitzer)

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

خلاصه: مجموعه مقالات الکساندرا لانگ تصویری جامع و تحلیلی از شکاف‌های موجود در طراحی شهری معاصر ارائه می‌دهد؛ به‌ویژه در رابطه با تجربه کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها در فضاهای عمومی. در این مجموعه، مسئله اصلی عدم انطباق طراحی‌های رایج با نیازهای طیف‌های سنی و اجتماعی متنوع است؛ شهرهایی که برای بزرگسالان طراحی شده‌اند، اغلب خانواده‌محور نیستند و فضاهای بازی و تعامل برای کودکان و نوجوانان با محدود و یا ناکارآمد و کلیشه‌ای‌اند. در نتیجه، شهرهای امروز نه تنها کودکان را از فضای عمومی کنار گذاشته‌اند، بلکه بار سنگینی بر دوش والدین نهاده‌اند، سلامت روانی کودکان را تهدید کرده‌اند و امکان تجربه‌ی خلاقانه و فعالانه از فضا را برای نسل جوان کاهش داده‌اند. لانگ در این مجموعه با رویکردی انتقادی و در عین حال راه‌حل‌محور، نمونه‌هایی از طراحی‌های نوآورانه را معرفی می‌کند که به این کمبودها پاسخ داده‌اند: از فضاهای نیمه عمومی چون حیاط‌های مشترک مسکونی گرفته تا پارک‌های اسکیت‌برد شهری، تاب‌هایی برای نوجوانان، کلینیک‌های سلامت روان کودک‌محور، و موزه‌هایی با طراحی تعاملی. او تأکید می‌کند که طراحی خوب و انسانی، می‌تواند مرزهای سنی و اجتماعی را در هم بشکند، مشارکت بین‌نسلی را تقویت کند و فضاهای عمومی را به بستری برای زیست سالم، خلاقانه و همدلانه بدل سازد. طراحی، به مثابه ابزاری فرهنگی و اجتماعی، باید بازتاب‌دهنده نیازهای واقعی ساکنان شهر باشد، نه صرفاً تابع هنجارهای عملکردگرایانه یا زیبایی‌شناسی‌های نخ‌نما.



الکساندرا لانگ، نویسنده و منتقد معماری در Bloomberg CityLab، برای مجموعه‌ی هفت‌قسمتی خود درباره‌ی تجربه‌ی خانواده‌ها از فضاهای عمومی، موفق به دریافت جایزه‌ی معتبر پولیتزر در حوزه‌ی نقد شد. تمرکز اصلی این مجموعه، بررسی ساختار اجتماعی دوران کودکی و نقش معماری و طراحی در شکل‌دهی به زندگی کودکان است. لانگ در این گزارش‌ها، اغلب به نقش معماران زن در بازاندیشی فضاهای عمومی و ایجاد محیط‌هایی انسانی‌تر و خانوادگی‌تر می‌پردازد. این مجموعه که شامل گزارش‌هایی درباره‌ی فضاهایی همچون پارک‌ها، موزه‌ها، پروژه‌های مسکونی و مراکز درمانی است، با هدف بررسی طراحی‌هایی که واقعاً

برای خانواده‌ها کارآمد هستند، ارائه شده است. مجموعه‌ی مذکور به‌مناسبت روز مادر منتشر شده و از زوایای متنوعی به نیازهای مراقبان و کودکان در فضاهای شهری می‌پردازد. در یکی از نمونه‌ها، حیاطی در مجموعه‌ی مسکونی مقرون‌به‌صرفه‌ی Brunson Terrace در سانتامونیکا، طراحی‌شده توسط دفتر معماری Brooks + Scarpa، به‌گونه‌ای طراحی شده است که فضای بازی و آسایش برای کودکان فراهم کند. در هر گزارش، یک نمونه‌ی مشخص از طراحی معماری یا منظر مورد بررسی قرار گرفته که در آن، کودکان، نوجوانان یا مراقبان به‌عنوان محور طراحی در نظر گرفته شده‌اند.



لانگ در گذشته نیز با آثار خود توجه‌ها را جلب کرده بود. کتاب او با عنوان «مراکز فواره ملاقات کن: تاریخچه‌ای داخلی از مرکز خرید» که در سال ۲۰۲۲ منتشر شد، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت. این کتاب به همراه گزیده‌هایی که در CityLab منتشر شد، از جمله پروژه‌ای بزرگ در تورنتو با ظاهری شبیه به مراکز خرید، نشان می‌دهند که لانگ همواره به فضاهای عمومی از زاویه‌ای نو و اجتماعی می‌نگرد.



مجموعه‌ی لانگ، نمونه‌ای برجسته از روزنامه‌نگاری معمارانه است که با نگاهی انسانی، اجتماعی و تحلیلی به طراحی شهری می‌پردازد. مطالعه‌ی کامل این مجموعه می‌تواند چشم‌انداز تازه‌ای از رابطه‌ی خانواده و فضا در شهرهای امروز پیش روی مخاطبان بگشاید.

bloomberg.com

ماکتی از زمین‌های بازی چوبی دهه‌ی ۱۹۸۰ را با نگاهی انتقادی بازسازی کرده است.

- پارک‌های اسکیت در حال گسترش هستند؛ فضاهایی که زمانی برای نوجوانان خرده‌فرهنگ اسکیت‌باز طراحی شده بودند، حالا به بخشی از زیرساخت رفاه شهری تبدیل شده‌اند.
- نمایشگاه‌های فراگیر موزه‌ای برای کودکان؛ پروژه‌هایی که نشان می‌دهند فناوری می‌تواند در خدمت روایت‌های جذاب قرار گیرد، نه اینکه جایگزین آن شود.
- تاب‌ها فقط برای کودکان نیستند؛ طراحی زمین‌های بازی برای همه‌ی سنین، از نوجوانان تا بزرگسالان، کلید فراگیرسازی فضاهای عمومی است.
- طراحی برای ارتقای سلامت روان کودکان؛ کلینیکی که با رویکرد تلفیق نور طبیعی و طبیعت طراحی شده، الگویی نو برای مراکز سلامت رفتاری کودک ارائه می‌دهد.



طراحی فراتر رفته‌اند.

هدف مجموعه‌ی CityLab از این مجموعه‌ی تحلیلی، آن بود که نشان دهد چگونه طراحی مناسب می‌تواند در عرصه‌های متنوعی چون پارک‌ها، موزه‌ها، مسکن و مراکز درمانی، به بهبود تجربه‌ی خانواده‌ها در فضاهای عمومی کمک کند.

در ادامه، چند نمونه از گزارش‌های منتشرشده در این مجموعه آمده است:

- والدین فرسوده به فضاهای عمومی بهتری نیاز دارند؛ برای کاهش بار مراقبتی، به فضاهایی نیاز داریم که کودکان بتوانند با آزادی حرکت کنند.
- پاسخ به خانوادگی‌تر شدن شهرها؟ حیاط‌ها؛ پروژه‌هایی با تمرکز بر طراحی فضاهای باز مسکونی نشان می‌دهند که رویکرد سنتی حیاط همچنان برای تأمین مسکن خانواده‌ها مؤثر است.
- بازآفرینی فضای کودکی توسط یک هنرمند با نتایجی تأمل‌برانگیز: مجسمه‌ساز هیو هایدن

یکی دیگر از آثار مهم او، کتاب «طراحی کودکی: چگونه دنیای مادی، کودکان مستقل را شکل می‌دهد» است. در این اثر، لانگ به بررسی تاریخی و اجتماعی مفهومی به نام «کودکی» پرداخته؛ مفهومی که مورخ فرانسوی، فیلیپ آریس، در دهه‌ی ۱۹۶۰ آن را زیر سؤال برد و معتقد بود در جامعه‌ی قرون وسطی، مفهومی به نام کودکی به شکل امروزمین وجود نداشت.

لانگ در این اثر، تحولات تجربه‌ی کودکی را در خانه، مدرسه، فضاهای بازی و شهر دنبال می‌کند. نگاه او صرفاً نظری نیست؛ بلکه با روایت‌هایی ملموس و مبتنی بر طراحی شهری، به خواننده کمک می‌کند تا به اهمیت این موضوع در شهرهای امروز پی ببرد.

یکی از ویژگی‌های ممتاز کار لانگ این است که صرفاً به ستاره‌های دنیای معماری نمی‌پردازد؛ بلکه معمارانی را معرفی می‌کند که به‌طور بنیادین در حال بازآفرینی فضاهای شهری هستند. بسیاری از این طراحان، زنانی هستند که از چارچوب‌های رایج

طرحی آینده‌نگر برای محله‌ای آینده‌نگر و مناسب سالمندان در منچستر

برگردان و بازنگری توسط تحریریه پیرامون

خلاصه: طرح «محله دوستدار سالمند» در منچستر، نمونه‌ای پیشگامانه از برنامه‌ریزی جامع شهری برای سازگاری با جمعیت سالمند است. این پروژه ۱.۵ میلیارد پوندی با هدف تبدیل یک بیمارستان قدیمی به یک نهاد چندمنظوره شهری شامل مسکن تطبیقی، خدمات سلامت، زیرساخت حمل‌ونقل، فضاهای عمومی و برنامه‌های اجتماعی، در حال اجراست.

طرح بر اساس رویکردهای جهانی شهر دوستدار سالمند (WHO) طراحی شده و در تلاش است با به‌کارگیری فناوری‌های نوین، فضای شهری را برای سکونت سالمندان و مشارکت اجتماعی آن‌ها بهینه کند. در کنار جنبه‌های طراحی، پروژه مزین به بُعد فرهنگی، آموزشی و اشتغال در حوزه فناوری سلامت است و قصد دارد نمونه‌ای از «سالمندی در محل» با حمایت گسترده شهری ارائه دهد. این پروژه می‌تواند الگویی برای دیگر شهرها در مواجهه با دوروند جهانی: سالمندی جمعیت و رشد شهرنشینی باشد، و نشان دهد که چگونه می‌توان با طراحی فضاهای شهری چندمنظوره، تبعیض سنی فضایی را کاهش داد و از سالمندان به عنوان منابع فعال اجتماعی بهره گرفت.

با تخصیص بودجه‌ای معادل ۱.۵ میلیارد پوند، طرحی بلندپروازانه برای تبدیل یک بیمارستان به نخستین محله در بریتانیا که برای زندگی بهتر افراد در سنین بالا طراحی شده، در حال اجراست. این پروژه نوآورانه که در منطقه کرامپسال شهر منچستر انجام می‌شود، قرار است الگویی ملی برای ارائه مراقبت‌های جامع بهداشتی و اجتماعی باشد.



این طرح شامل احداث خانه‌هایی هوشمند و متناسب با مراحل مختلف زندگی، سیستم حمل‌ونقل کارآمد، فضاهای سبز با حال‌وهوای روستایی و برنامه‌های اجتماعی برای کاهش احساس انزوا است. پروژه بازسازی بیمارستان عمومی شمال منچستر (NMGH)، نتیجه همکاری میان نهادهای بهداشت عمومی، مسئولان شهری، متخصصان و معماران است.

میشل هامفریز، مدیر پروژه‌های راهبردی در بنیاد NHS دانشگاه منچستر، این محله را «محیطی منعطف و سازگار با نیازهای متغیر سالمندان» توصیف کرده که با استفاده از ابزارهای پوشیدنی پزشکی و سامانه‌های نظارت از راه دور پشتیبانی می‌شود.

با تصویب رسمی بودجه از سوی دولت، مسیر برای تهیه طرح تجاری کلی این محله باز شده و انتظار می‌رود نخستین فاز آن در سال جاری آغاز شود.

این محله «چند نسلی» نه تنها سالمندان، بلکه خانواده‌ها را نیز دربر خواهد گرفت و مطابق با استانداردهای «شهر دوستدار سالمند» که سازمان جهانی بهداشت در پاسخ به روندهای رو به رشد سالمندی و شهرنشینی ارائه کرده، طراحی می‌شود.



با توجه به پیش‌بینی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) مبنی بر اینکه تا سال ۲۰۵۰، حدود ۶۰٪ جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی خواهند کرد و ۲۷٪ از آن‌ها بالای ۶۵ سال خواهند بود، این طرح در پی پاسخ‌گویی به چالش‌هایی نظیر تبعیض سنی در طراحی شهری است. هدف، ایجاد فضاهایی است که در آن افراد سالمند همچنان بتوانند نقش فعالی در جامعه داشته باشند.



تجارب پیشین در بریتانیا از جمله شورای سالمندان نیوکاسل و طرح‌های مشابه در ایرلند شمالی و ولز نیز به آمادگی این کشور برای تحولات جمعیتی اشاره دارند. بازسازی NMGH قرار است این مکان تاریخی را که به دهه ۱۸۷۰ بازمی‌گردد، به «نهاد لنگر» بدل کند که علاوه بر خدمات درمانی، آموزش، اشتغال در حوزه فناوری سلامت و ساخت ۲۰۰ واحد مسکونی را نیز شامل می‌شود. نهاد لنگر (Anchor Institution)، به سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که به سبب ثبات مکانی و ظرفیت‌های اقتصادی-اجتماعی خود، نقشی محوری در توسعه منطقه‌ای ایفا می‌کنند.

در کنار این، طراحی نیمکت‌های شهری هوشمند (با تکیه‌گاه‌های بهبود یافته، شماره‌گذاری اضطراری، و جای‌گذاری استراتژیک برای ایجاد تعاملات بین‌نسلی) الهام‌گرفته از طرح CityBench نیویورک، از دیگر نوآوری‌های پروژه است.



اما این تنها آغاز راه است. در ژاپن، شهر آکیتا برای جمعیت سالمند خود بیش از ۶۰ خیابان گرم‌شونده احداث کرده و در سنگاپور، «روستای عمودی آدمیرالتی» با امکانات کامل پزشکی، خانه‌های ضد لغزش و سیستم‌های هشدار اضطراری طراحی شده است. آلمان نیز از سال ۲۰۰۷ با اصلاحات گسترده در خطوط تولید، به سازگاری با نیروی کار سالمند روی آورده است.

پروفسور استفن وایت از دانشگاه منچستر معتقد است این پروژه نشان می‌دهد که می‌توان فضای بیمارستان را به محیطی بدل کرد که امکان «پیر شدن در خانه» را با حمایت اجتماعی منعطف برای همه ساکنان فراهم آورد. الین اونگیو، رئیس هیئت سالمندی دوستدار منچستر، با تلاش برای بهبود

حمل و نقل، فضاهای شهری و برنامه‌های اجتماعی، از این پروژه حمایت کرده و آن را عاملی برای حفظ آرامش ساکنان در برابر فشارهای ناشی از نوسازی‌های شهری و اشرافی‌سازی می‌داند.

منچستر، پیشگام جنبش سالمند دوستی در بریتانیا، از سال ۲۰۰۸ اقدامات بسیاری در این زمینه انجام داده و اخیراً میزبان اجلاس بین‌المللی آینده‌های شهرهای دوستدار سالمندان بوده است. پل مک‌گاری، رئیس مرکز سالمندی منچستر بزرگ، تأکید کرده که «لازم است گفت‌وگویی ملی در مورد سالمندی آغاز شود؛ از برنامه‌ریزی برای بازنشستگی و خدمات مراقبتی گرفته تا طراحی خانه‌ها و مقابله با تبعیض سنی؛ که به باور او آخرین تابوی قابل پذیرش جامعه است.»



theguardian.com

گردشگری شهری؛ روایت مکان و معنا



چند فوت کوزه‌گری در روایی‌سازی شهرها

شهاب‌الدین تصدیقی | پژوهشگر و مورخ حوزه‌ی معماری و شهر

■ تجارب کامیاب و ناکام در حوزه‌ی گردشگری روایی شهرها، به ما چه می‌آموزند؟

بعضی شهرها برای ما یادآور قصه‌هایی هستند و این قصه‌ها ما را به دیدنشان مشتاق‌تر می‌سازد. با شنیدن نام توس یاد شاهنامه می‌افتیم و یا شاید اسم بروژ، فیلم «در بروژ» از مارتین مک‌دونا را به یاد ما بیاورد. وقتی مکانی با یک داستان گره می‌خورد، بیشتر از یک جای معمولی می‌شود. دیدن قلعه‌ای تاریخی کمابیش سرگرم‌کننده است، اما نام «قلعه بابک» یا «قلعه ضحاک» در آذربایجان، طنین قوی‌تری در ذهن ایجاد می‌کند که با قلعه‌های دیگر برای ما فرق می‌کنند. اما چگونه می‌توان به این طنین جذاب برای یک شهر دست یافت؟ همه‌ی شهرها داستان‌هایی در دل خود دارد، اما هیچ داستانی تا زمانی که «روایت» نشود شنیده نمی‌شود. کلیسای نتردام پاریس، بنایی می‌بود مثل هزار بنای دیگر اگر «گوژپشت نتردام» و ویکتور هوگو قصه‌ای حول آن نمی‌بافت. رشت در اذهان گردشگران تا پیش از «در دنیای تو ساعت چند است» یا واگنیه‌های گردشگران در اینستاگرام و توییتر، یک شهر مرطوب و شلوغ دیگر در شمال بود، و بوشهر تا پیش از پادکست‌های «احسان عبدی‌پور» و فستیوال‌های «کوچه» یک شهر گرم جنوبی مثل بقیه. این شهرها و بناها همیشه داستان داشتند، اما تا پیش از روایت شدن، کسی به سراغ خواندنشان نمی‌آمد. اهمیت این روایت شدن آنقدر زیاد است که گاهی شهرها حتی بدون محتوای خاصی دست به روایت کردن می‌زنند. می‌پرسید چگونه؟ برای مثال نیوزیلند با تخفیف‌های مالیاتی و دسترسی دادن به عوامل فیلم‌های ارباب حلقه‌ها، در حقیقت نام خود را بعنوان «کشور هابیت‌ها» خرید و صنعت گردشگری آن کشور پس از سلسله فیلم‌های ارباب حلقه‌ها شاهد رشد ۴۰ درصدی بود [۱] [۲]. با شهر دویی بستر مهیایی فراهم کرده تا فیلم‌هایی مثل «ماموریت غیر ممکن» موقعیت فیلم‌برداری خود را به دویی و به طور خاص بناهای آیکونیک آن شهر منتقل کنند تا صنعت گردشگری این شهر را تقویت کند [۳]. پس مهم است که شهرتان داستان داشته باشد، اما روایت کردن حتی از آن هم مهم‌تر!



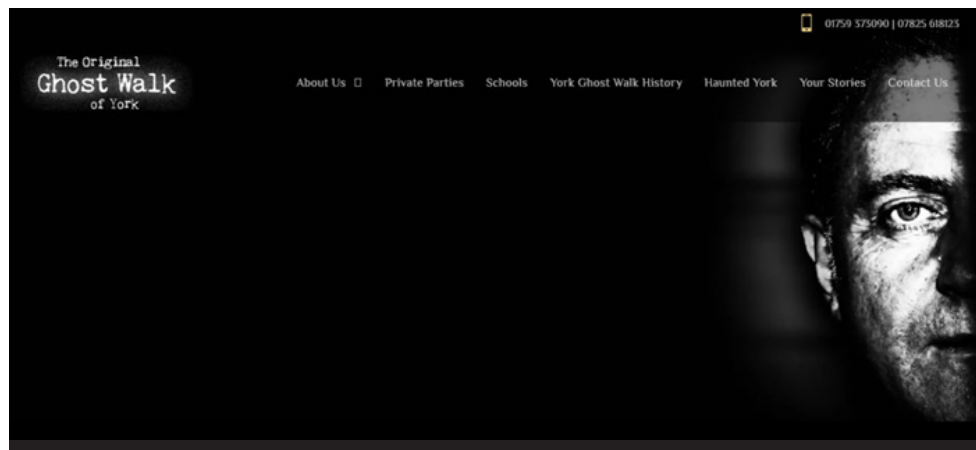
■ تصویر ۱: روایت مصنوع هابیت‌ها در ارباب حلقه‌ها، یکی از مولفه‌های توریسم نیوزیلند است ■

In Bruges ۱۸

روایت کردن داستان‌های یک شهر، فنی ظریف است، فارغ از اینکه شهرتان داستان درخوری دارد یا نه. می‌شود داستانی فقیر را با روایت ماهرانه، به جاذبه‌ی گردشگری تبدیل کرد (همچون نیوزیلند و دویی) و یا می‌توان با خروارها داستان جذاب، روایتی ضعیف ساخت و از قافله عقب ماند. مشخصا داشتن یک داستان عامیانه، وجود ابنیه‌ی تاریخی، یا حضور خانه‌ی یک شاعر یا داستان‌نویس، مواد خوبی برای سرمایه‌گذاری یک شهر بر گردشگری روایی‌اش هستند، اما ورای این مواد خام، راز یک روایت خوب چیست؟ این متن دقیقا به این پرسش پاسخ نمی‌دهد، اما حول این پرسش پرسه می‌زند و تلاش می‌کند بفهمد که چرا یورک و سانتافه گردشگری موفق دارند، چرا هامبورگ نتوانست به موفقیت آنها برسد و نیواورلئان چه چیزی را فهمید که هامبورگ نفهمید؟

■ یورک و سانتافه: تخیل و بازیگوشی

تصویر یک شهر قرون وسطایی در اروپا، خیلی وقت است که موضوع روایات جذاب است و طبعا خوراکی خوب برای گردشگری روایی. اما یورک چه امتیازی در میان این همه شهر قرون وسطایی اروپا دارد که بقیه ندارند؟ فرق یورک، نقد کردن سرمایه‌ای بود که بقیه هم داشتند ولی دیرتر متوجهش شدند؛ داستان‌های ترسناک ارواح و اجنه و سیاهچال‌ها. یورک زودتر فهمید که این داستان‌ها صرفا زباله نیستند، بلکه ماده‌ی خام یک صنعت‌اند. از حدود ۵۰ سال پیش روایی‌سازی این داستان‌ها در قالب تور «The original ghost walk of York» در یورک آغاز شد. نکته‌ی مهم در روایی‌سازی این داستان‌ها، مکان‌محور ساختن آنها بود؛ مکان تاریخی و داستان



■ تصویر ۲: تصویری از وبسایت The Original Ghost Walk Of York ■

ریبرندینگ شهر سینت‌لوییس ایالت میسوری امریکا رخ داد. ماجرای هامبورگ و سنت‌لوییس برای ما ایرانیان نیز می‌تواند آشنا به نظر برسد. بعضی از شهرهای تاریخی ایران چنان درگیر روایت تاریخ خود می‌شوند که از یاد می‌برند این شهرها ساکنان جوانی نیز دارند.



یا از یاد می‌برند که بافت‌ها و بناهای تاریخی این شهرها هم ساکنینی با فرهنگ خاص خود دارند. اما بدترین و در عین حال بی‌صدترین غفلت سیاستگذاران گردشگری می‌تواند این باشد که تاریخ شهر را به دلخواه خود بخوانند! شهرهایی مثل یزد و کاشان و قم هنوز هم اقشار سنتی دارند، اما سیاستگذار شهری باید حواسش باشد که اگر می‌خواهد قصه‌ی این شهرها را تعریف کند، باید این قصه‌ها را از شهر بپرسد، نه از ذهن خیالپرداز خودش!



بلکه گردشگر یک عامل فعال برای دوختن قصه در چارچوب بازی می‌شود. گاهی این بازی‌ها همچون تور Murder Mystery Detective Experience بر مبنای یک داستان از پیش معلوم هستند که بدل به یک بازی حل معما شده‌اند [۶]. شبیه چنین بازی‌های محیطی را می‌توان در ایران خودمان هم پیدا کرد: اپلیکیشن تیراول یک محیط برای مشارکت در بازی‌های محیطی و حل معمایی است. اما در تورهایی دیگر، بازی نه بصورت معما بلکه به صورت یک ماموریت طراحی می‌شود. به این دست بازی‌ها Scavenger Hunt گفته می‌شود. بازی‌هایی نظیر PokemonGo از این دست هستند که در آن، گردشگر یا بازیکن باید در جستجوی چیزها، عناصر یا نشانه‌هایی خاص باشد و آن را در محیط بازی با هم‌بازی‌هایش اشتراک بگذارد. خلاقیت سانتافه در این بود که انواع بازی‌های این‌چنینی را با سایت‌های تاریخی خود در هم آمیخته است [۷].

■ هامبورگ: چرا روایی‌سازی باید شهروندمدار باشد؟

اگر بفهمید آدمیان از داستان زندگی شما لذت می‌برند چه واکنشی دارید؟ یک احتمال آن است که لذت ببرید و داستان‌تان را بیشتر تعریف کنید. اما اگر حس کنید آدم‌ها شما را فقط بخاطر داستان‌تان دوست دارند و هیچ احترامی برای خودتان قائل نیستند چه؟ احتمالا این اتفاقی است که برای هامبورگ در سال ۲۰۰۹ رخ داد و عملاً سیاست گردشگری روایی این شهر را به شکست کشاند، چون ساکنان شهر حس می‌کردند زندگی‌شان تحت تأثیر یک برنامه‌ی سرمایه‌دارانه قرار گرفته است و تصویری که از شهر هامبورگ به جهان ارائه می‌شود، یک تصویر منجمد از تاریخ ۲۰۰ سال پیش شهر بود؛ تصویری که «اکنون» شهر در آن نقشی نداشت. گذشته و روایت باید در خدمت امروز باشند، نه برعکس؛ و این چیزی بود که سیاستگذاران هامبورگ به درستی درک نکردند [۸]. مشابه همین ماجرا در



■ تصویر ۴: می‌توان دل‌قسی اصیل (راست) را به بچه‌ها قالب کرد اما نمی‌توان بر مردی شلخته لباس دل‌قک پوشاند (چپ) و انتظار موفقیت روایت را داشت ■

سانتافه در ایالت نیومکزیکو امریکا نیز یک شهر تاریخی است که گردشگری‌اش را بر پایه‌ی همین بناهای تاریخی خود نهاده است، اما این مکان‌های تاریخی را نه با داستان‌های روح و پری، بلکه با بازی‌های محیطی به هم دوخته است. البته امر مشتبّه نشود؛ بازی‌ها هم نیازمند داستان‌اند، اما اینبار یک راوی و یک شنونده صرفاً وجود ندارند،

نکته‌ای ظریف اینجا هست: داستان‌های تورهایی یورک و ادینبورگ، واقعا وجود دارند: تورلیدرها آنها را جعل نکردند! اما در دوختن این داستان‌ها به مکان‌ها، ممکن است تورلیدرها چند کوک اضافی هم زده باشند که پارچه‌ی گردشگری روایی‌شان محکم‌تر بماند. داستان یک اعدامی از قرون وسطی و روح سرگردانش در فلان خیابان، یک داستان واقعی بود، اما اینکه جایی از کوچه‌های آن محله بادی سرد و مرطوب دارد که می‌توان سرمایه‌ش را به روح آن بدبخت نسبت داد، این البته کار تورلیدرهاست. ظرافت کار اینجاست که تخیل تاریخی باید نقطه‌ای بهینه بیابد: زیاد که ببافیم، داستان‌ها مجعول و لوس می‌شوند. شما می‌توانید کودکان را با دل‌قکی واقعی به نام کراستی سرگرم کنید، اما نمی‌توانید به تن یک مرد خیکی شلخته لباس دل‌قکی بپوشانید و هنوز بخواهید کودکان خریدارش باشند! این درسی است که از قسمت ۲۴ فصل نهم کارتون سیمپسون‌ها می‌توانیم بگیریم! گاهی می‌توان مکان‌محور کردن را نه با داستان‌ها و خرافه‌های محلی، بلکه با بازی ساخت.

این همان چیزی بود که هامبورگی‌ها را عصبانی کرد و همان چیز است که می‌تواند برای اهالی شهرهای تاریخی ایران هم دافعه برانگیز باشد. چسباندن برجسب‌هایی مثل «درون‌گرا» و «صرفه‌جو» و... به شهری مثل یزد، بدون در نظر گرفتن تاریخ تجارت اجتماعی این شهر یا زرق و برق‌های دوران آل مظفر و میل یزدی‌ها به عشرت در ده بالا و طرزجان، تصویری معوج از شهر ارائه می‌دهد که شاید ساکنان بومی شهر چندان هم نپسندند و آن را پس بزنند، حال یا با صدای بلند یا با نافرمانی‌های خُرد، اما برای گرفتار نشدن در دام فروگاهی چه می‌توان کرد؟ تجربه‌ی نیواورلئان در این زمینه شاید راهگشا باشد.

■ نیواورلئان: تکثر روایت‌ها

نیواورلئان^۱ نه مثل فلوریدا و لاس‌وگاس محل بی‌نظیری برای عیاشی است، و نه مثل شهرهای اروپایی آثار تاریخی و قرون وسطایی دارد؛ اما اقتصاد این شهر در ایالت لوئیزیانای آمریکا اساساً متکی بر گردشگری است، و آن هم گردشگری بر پایه‌ی «روایت». اما روایت چه؟ اینجا است که داستان نیواورلئان پیچیده و جالب می‌شود. نیواورلئان هم در ابتدا همچون بسیاری از شهرها، از فستیوال‌هایی مشهور شده بود؛ کارناوال ماردی گرا^۲ در زمستان، این شهر گرم آمریکا را به مقصدی بانمک برای گردشگران بدل می‌کرد، همچنین حال و هوای جنوبی این شهر برای شهروند آمریکایی یادآور دوران برده‌داری و خلوص نژادی سفیدپوستان (اصطلاحاً) اصیل بود. در حقیقت آنچه امروز در شهرهایی مثل بوشهر و رشت در ایران بعنوان «اتمسفر شهر» می‌شناسیم، برای نیواورلئان، نقطه‌ی آغاز بوده است! اما آنچه نیواورلئان را به یک کانون بالغ گردشگری و نمونه‌ای جهانی بدل کرد، نه انحصار و اصالت‌گرایی مطلق، بلکه حاشیه‌های فرهنگی آن بودند؛ بردگان سیاهپوست در یک سو، و تن‌فروشان محله‌ی استوری‌ویل^۳ در سوی دیگر! هرکجا از محیط سخت‌گیر و سنتی شهری برایتان گفتند، تردید نکنید که حتماً لایه‌هایی دیگر و بسیار غیرسنتی در آن شهر هستند که سعی در مخفی کردنش دارند.

- New Orleans | ۱
- Mardi Gras | ۲
- Storyville | ۳
- Congo Square | ۴

نیواورلئان اصیل سفیدپوست هم چنین بود! بردگان سیاهپوست از غرب آفریقا، فرهنگ و مذهب «وودو» را با خود به این شهر آورده بودند و این مذهب حتی با کاتولیسیسم ترکیب شده بود و نوع خاصی از مسیحیت وودویی را در این شهر به وجود آورد. در حالی که سفیدهای حاکم به کارناوال مذهبی ماردی‌گرا می‌رسیدند، سیاهپوستان و دیگر اقشار حاشیه‌ای در میدان کنگوی^۴ شهر به رقص و پایکوبی آیینی وودویی می‌پرداختند [۹]. اینها لایه‌ای از داستان‌های عجیب و شنیدنی این شهر را برای گردشگری امروز فراهم کرد. همین سیاهپوستان بعدتر مبدع موسیقی «جَز» شدند و در دهه‌ی ۴۰ نیواورلئان بعنوان یکی از کانون‌های این موسیقی شورانگیز و بسیار روایت‌پذیر (!) در آمریکا شناخته شد. لایه‌ی خفیه‌ی دیگر نیواورلئان، روسپیان محله‌ی استوری‌ویل بودند. این روسپیان که حاصل موج اولیه‌ی گردشگری شهر و در پاسخ به برخی مطالبه‌های عیاشانه‌ی آنها پدید آمده بودند، بعدتر بخاطر اصلاحات شهری به محله‌ی فرانسوی‌ها رانده شدند، اما گویی این قشر نه‌چندان محبوب، با حضور خود باعث شکل‌گیری وجهی نو از شهر شدند؛ محله‌ی فرانسوی‌ها با معماری تاریخی و زیبای خود، با استقرار این قشر تدریجاً به پناهگاه اقلیت‌های

جنسی جنوب آمریکا شد (که بخصوص از محیط سخت‌گیر دیگر شهرهای این منطقه می‌گریختند). با ورود این اقلیت‌های جنسی، اقلیت‌های فکری و دگراندیشان نیز تدریجاً به آن محله آمدند و در آستانه‌ی قرن ۲۰ دیگر این محله صرفاً یک محله‌ی بدنام نبود؛ جایی بود که بسیاری از روشنفکران و یا جوانان رومانتیک در آن خانه کرده بودند و حتی برای حفظ اصالت و یکپارچگی سبک معماری آن محله انجمن تشکیل می‌دادند!



گردشگری به مثابه حافظه‌سازی

برگردان و بازنگری محمدرضا پهلوان‌زاده | دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر ایران

پرداخته و نگاه کلی‌وی را در سپهر ادبیات موجود بیان کرده است. هدف از ترجمه و انتشار این متن در پیرامون نه صرفاً بازخوانی و دانستن دیدگاه‌های نویسنده در ارتباط با موضوع حافظه تاریخی، بلکه طرح مسئله و بیان اهمیت پرداختن به آن در زمینه فعالیت‌های گردشگری است که می‌تواند برای کنشگران ایرانی راهگشا و الهام‌بخش باشد. درواقع آگاهی از این مناقشه نظری و نحوه کاربرست آن در پروژه‌های توسعه گردشگری می‌تواند چراغ راه بسیاری از اقدام‌های آتی باشد. بخشی که ترجمه شده می‌تواند به‌طور کوتاه و فشرده فضای گفتمانی و درون‌مایه‌های کتاب را بازگو کند تا در صورت علاقه خواننده انگیزه‌ای برای مراجعه به اصل متن و مطالعه متن کامل کتاب قرار گیرد.



کتاب گردشگری به مثابه حافظه‌سازی با نگاهی نو و انتقادی به پیوند میان گردشگری و حافظه فرهنگی، افق تازه‌ای را در مطالعات بین‌رشته‌ای گردشگری، حافظه و میراث فرهنگی می‌گشاید. نویسنده با عبور از رویکردهای رایج که حافظه را صرفاً به‌عنوان محتوایی کالایی‌شده در ب با تأکید بر نقش‌سایپ‌های میراثی بررسی می‌کردند، بر فرآیند پویای حافظه‌سازی در بستر تعاملات روزمره گردشگران و راهنمایان تور تمرکز می‌کند. این کتا عاملان انسانی در ساخت و بازنمایی گذشته، نشان می‌دهد که چگونه گردشگری، فراتر از مصرف گذشته، به بستری برای بازآفرینی فرهنگی، شکل‌دهی هویت‌ها و حتی مداخله در ژئوپلیتیک روزمره بدل می‌شود.

این کتاب، چارچوب مفهومی تازه‌ای را برای تحلیل حافظه در گردشگری معرفی می‌کند که شامل رویکردی فراملی، توجه به شکل‌های فرهنگی متنوع حافظه‌سازی، و نگاهی به حافظه به مثابه امری سیاسی و رابطه‌ساز است. در کنار این، نویسنده با نقد ادبیات موجود، از تمرکز صرف بر مکان‌های تاریخی و «میراث گذشته‌های تلخ» فراتر می‌رود و به مطالعه حافظه در تورهای تجاری شهری، تعاملات حسی گردشگران با فضا و نقش رسانه‌های دیجیتال می‌پردازد. این کتاب، نه تنها خواننده را به درکی ژرف‌تر از سازوکارهای شکل‌گیری حافظه جمعی در بستر گردشگری می‌رساند، بلکه پرسش‌هایی بنیادین درباره سیاست حافظه، مصرف فرهنگی و اخلاق بازنمایی گذشته پیش می‌کشد. متنی که در ادامه آمده، ترجمه بخشی از کتاب است که به تکاپوی نگارنده در راستای جست‌وجو و خوانش ادبیات موجود در زمینه حافظه، میراث و گردشگری

فروگاهی داستان شهرها به یک روایت خالص، خطرپرست که برخی شهرهای ما را تهدید می‌کند. در یزد، روایت «قنات و قنوت و قناعت» چنان حاکم است که اجازه نمی‌دهد وجوه پرحاشیه و بعضاً ترسناک تاریخش چندان با صدای بلند روایت شوند. و باز صد رحمت به یزد که تاریخ قم اساساً فقط با هاله‌ای مذهبی و شرعی گره خورده است که حتی وجوه تاریخی آن همچون آل صفی و بناهای ایلخانی آن را گم کرده است، چه برسد به وجوه صوفیانه‌ی تاریخ قم! رواداری کلید جذابیت داستان‌های نیواورلئان بود؛ چیزی که امروز شاید گمشده‌ی سیاست‌گذاری کلان کشور ما باشد.



نتیجه‌ای که آنجا به دست آمد از جهاتی بی‌شباهت به آنچه در بافت تاریخی یزد حاصل شد نیست، اما چنانچه دیدید از مسیری بسیار متفاوت! [۱۰] از نیواورلئان چه می‌آموزیم؟ می‌آموزیم که اگر شهری چند قشر و چند داستان متفاوت درون خود دارد، بگذاریم همه را داشته باشد و روایت کند. تضاد در داستان‌ها و روایت‌های یک شهر، باعث آشفتگی نمی‌شود بلکه به غنای روایی آن می‌افزاید. یک شهر لازم نیست بین سنتی بودن و عصیانگری اجتماعی یکی را به عنوان هویت خود برگزیند؛ می‌تواند هر دو را درون خود داشته باشد و اتفاقاً این جذاب‌ترش کند! این درسی است که ادینبورگ هم – همچون بسیاری دیگر شهرها – آموخته است: این که یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری فرهنگی و ادبی باشی، دلیلی بر این نیست که تور ارواح و پدیده‌های فراطبیعی هم برگزار نکنی!



برای دیدن منابع، رمزینه مقابل را اسکن کنید.

عنوان کتاب نشانه‌ای را با مخاطب خودش در میان می‌گذارد؛ به جای تمرکز صرف بر حافظه به عنوان یک محصول (کالایی شده)، جهت‌گیری اصلی کتاب متمرکز بر حافظه‌سازی است؛ یعنی فرآیندهایی که از مسیر آن‌ها خاطره‌های فرهنگی ایجاد، منتشر و بازسازی می‌شوند. چنین رویکرد فرآیندمحوری، ماهیت پویا و اغلب مورد مناقشه یادآوری را در زمینه‌ای که توسط منافع تجاری و روایت‌های ایدئولوژیک احاطه شده است، بازنشاسی می‌کند؛ همچنین توجه را به بازیگرانی که به یاد می‌آورند و نیز اشکال و شیوه‌های خاص حافظه‌ای که تولید می‌کنند، معطوف می‌کند. این رویکرد مبتنی بر دو تحول مهم در پژوهش‌های مربوط به حافظه و گردشگری است: از یک سو، در حوزه مطالعات حافظه، تغییری از توجه به «مکان‌ها» به سوی «فرایندها و جنبش‌ها» را شاهد هستیم (Rigney, ۲۰۰۸, p. ۳۴۶; Olick, cf. Robbins, ۱۹۹۸; Olick, ۲۰۰۷)؛ این امر به معنای دور شدن از گزارش‌های ایستا از حافظه و حرکت به سوی توجه به فرآیندهای اجتماعی «یادآوری» بوده است. در حالی که مطالعات بنیادین در این زمینه از مفاهیم «حافظه جمعی» یا «مکان‌های حافظه» به گونه‌ای استفاده کرده‌اند که گویی «چیزهایی» پایدار و محدود هستند، مطالعه حافظه [در شکل تازه خود] به طور فزاینده‌ای به سمت پویایی‌های فرهنگی گرایش داشته است و به بررسی حرکات بین مقیاس‌های مختلف یادآوری یا چگونگی به دست آوردن یا از دست دادن اهمیت مکان‌ها، چگونگی تغییر آن‌ها و سرمایه‌گذاری در آن‌ها با بهره‌گیری از معانی می‌پردازد. چنان‌که ریگنی می‌نویسد:

استعاره «مکان حافظه» اگرچه به عنوان یک ابزار مفهومی مفید بوده است، اما اگر به این معنا تفسیر شود که یادآوری جمعی به طور دائم به چهره‌ها، نمادها یا بناهای تاریخی خاص گره خورده است، می‌تواند گمراه‌کننده باشد. همان‌طور که

سویه کارکردی اصطلاح «یادآوری» نشان می‌دهد، حافظه جمعی همواره «در حال کار» است و مانند یک شناگر، باید به حرکت خود ادامه دهد حتی فقط برای شناور ماندن (Rigney, ۲۰۰۸, p. ۳۴۵). نویسندگان دیگر نیز به طور مشابه رویکردی فرآیندی به حافظه را در پیش گرفته‌اند. ماریتا استورکن هنگام تعریف حافظه فرهنگی به عنوان «عرصه تبادل فرهنگی که از طریق آن روایت‌های مختلف برای یافتن جایگاهی در تاریخ با یکدیگر رقابت می‌کنند» (Sturken, ۱۹۹۷, p. ۱۰) دیدگاهی پویا را در مورد حافظه فرهنگی ارائه می‌دهد. اریکا لرو و سینتیا میلتنون نیز تأکید می‌کنند که:

دانش جدید زمانی ظهور می‌کند که ما حافظه را - در ابعاد فضایی، مادی و عمومی آن - نه صرفاً به عنوان [لایه‌ای] پنهان در بافت اجتماعی، و نه تنها در تلاش‌های بالا به پایین توسط دولت برای رمزگذاری حافظه در قالب یادآوری مطلوب و هدفمند آن، بلکه به عنوان چیزی در نظر بگیریم که آگاهانه توسط افراد و گروه‌ها در تلاش برای انگیزش، توانمندسازی و دگرگونی به کار گرفته می‌شود (Lehrer & Milton, ۲۰۱۱, p. ۳).

این بدان معناست که باید فراتر از بررسی مکان‌های میراث فرهنگی به عنوان متن برویم و آن‌ها را به عنوان مکان‌هایی برای کنش نیز در نظر بگیریم که نه تنها شامل تعمق و بحث است، بلکه معناسازی از طریق «تجاری‌سازی، گرافیتی و وندالیسم» را نیز شامل می‌شود (لرو و میلتنون، ۲۰۱۱، ص. ۷). تمرکز بر حافظه «در آثار» به‌ویژه در مطالعات حافظه فراملی یا فرامرزی برجسته بوده است، چنان‌که مجموعه‌ای از ادبیات بر جریان‌ها و سفرهای فرامرزی حافظه متمرکز شده است. نوشته‌ها در مورد حافظه فراملی با ارائه «درک بهتری از عصر جهانی شدن خود، که در آن حافظه با سرعت بالا در سراسر سرزمین‌ها و به طور فزاینده‌ای فراتر از مرزها حرکت می‌کند» (ارل، ۲۰۱۱، ص. ۱۶)، به ویژه برای مطالعه گردشگری

بین‌المللی اهمیت دارند. از سوی دیگر، مشابه مطالعات حافظه، در پژوهش‌های گردشگری نیز چرخش از محصولات به شیوه‌ها رخ داده است. این تغییر دیدگاه شامل تغییر از مطالعه نشانه‌شناختی گردشگری به سمت بررسی گردشگری به عنوان یک کنش اجرایی بود که بر ماهیت تجسم‌یافته و حسی آن، از جمله تعامل گردشگران با محیط مادی، تأکید می‌کند. یک سنت پدیدارشناختی دیرینه در مطالعات گردشگری وجود دارد که بر تجربه توریستی و برخوردها از یک دیدگاه خرد متمرکز است (کوهن، ۱۹۷۹). در پژوهش‌های جدیدتر، این دیدگاه توسط محققانی که از نظریه کنش و اجرا (practice and performance theory)، تحقیقات در مورد عواطف و احساسات و همچنین نظریه غیر بازنمایانه استفاده می‌کنند، تکرار شده است (Bærenholdt et al., ۲۰۰۴; Crouch, ۲۰۰۲; Edensor, ۲۰۰۱; & Haldrup, Larsen, ۲۰۰۹; Urry & Larsen, ۲۰۱۱). در حالی که آثار از نظر حوزه تمرکز و مبانی نظری متفاوت هستند، اما اغلب مطالعاتی را که اقدامات و ادراکات گردشگران را بیش از حد در تسخیر صنعت گردشگری می‌دانند، به چالش می‌کشند. همان‌طور که هال دراپ و لارسن می‌نویسند، کار بر روی فعالیت‌های گردشگری «آن دسته از قرائت‌های نشانه‌شناختی را که در آن مکان‌ها و اشیاء به عنوان سازه‌های اجتماعی‌ای نشانه‌گذاری می‌شوند که می‌توانند از طریق قرائت‌های فرهنگی معتبر کشف شوند، نه از نظر نحوه استفاده و زندگی با آن‌ها در عمل بی‌اعتبار می‌کند» (Haldrup & Larsen, ۲۰۰۹, p. ۳).

پژوهشگران گردشگری بر نقش احساسات، عواطف و مواجهات ملموس با مکان‌ها و افراد تأکید کرده‌اند و استدلال می‌کنند که جایگاه آن‌ها برای درک ما از تعامل با گذشته و میراث بسیار مهم است (Crang & Tolia-Kelly, ۲۰۱۰). باید دانست که توجه به شیوه‌های ملموس همچنین به معنای فراتر رفتن از حس بصری صرف است که مدت‌ها بر پژوهش‌های



مربوط به گردشگری غالب بوده و شامل حواس دیگر و تجربه‌های حسی نیز می‌شود (Urry & Larsen, ۲۰۱۱). بویایی، شنوایی و چشایی همگی در ایجاد حس مکان نقش دارند. به عنوان مثال، همان‌طور که کات‌هیل می‌نویسد، «غذا خوردن و نوشیدن در بیرون از خانه اقدام‌های مهمی در مصرف مکان هستند» (Cuthill, ۲۰۰۷, p. ۶۴)، زیرا گردشگران از طریق فرهنگ غذایی با مکان‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. بنابراین، ماهیت ملموس و حسی برخوردهای گردشگری نه تنها در مکان‌های میراثی و مشارکت گردشگران در فرآیندهای تاریخی اهمیت دارد، بلکه در سطحی اساسی‌تر نیز به عنوان راهی برای درک گردشگر به عنوان یک انسان کامل ناگزیر است» (Graburn & Barthel-Bouchier, ۲۰۰۱, p. ۱۴۹). این کتاب با تکیه بر این بحث‌ها در تحقیقات حافظه و گردشگری، بر فرآیندهای حافظه‌سازی تمرکز دارد که از طریق آن خاطرات فرهنگی بازسازی و زنده می‌شوند (Pfoser & Keightley, ۲۰۲۱, cf.). حافظه‌سازی شامل فرآیندهای ارتباطی است که از اشکال و محتویات یادگاری استفاده و آن‌ها را ترکیب می‌کند و بین سطوح زمانی و مکانی ارتباط برقرار می‌کند.



تأکید بر فشارهای اقتصادی که موسسات عمومی تجربه می‌کنند (به عنوان مثال، سنتو بول و هانسن، ۲۰۱۶؛ فرگوسن و همکاران، ۲۰۱۶) همان‌طور که توانایی پروژه‌های تجاری برای «صدا دادن به گروه‌های به حاشیه رانده‌شده» (نیسبت و راپسون، ۲۰۲۰، ص. ۵) و تشویق به خوانش‌های اخلاقی از میراث درگیری را برجسته می‌کنند. این ادبیات بینش‌های مهمی را در مورد اشکال واقعی [مکانیزم حافظه و] یادآوری در گردشگری ارائه می‌دهد. با این حال، با توجه به تمرکز آن بر مکان‌ها و توره‌های مربوط به گذشته‌های تلخ، پیشنهادها برای گردشگرانه‌ای که دارای تمرکز مشابهی نیستند، کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مشکل این رویکرد فقط این نیست که بخش قابل توجهی از این گستره موضوعی را از تجزیه و تحلیل خارج می‌کند، بلکه مسئله این است که شیوه‌های خاصی از یادآوری را بر سایر شیوه‌ها ارجحیت می‌دهد. علاوه بر این، در رابطه با مواجهه با گذشته‌های تلخ، همان‌طور که ریورا توصیف می‌کند، «پذیرش [این گذشته تلخ به مثابه حقیقت] را به عنوان یک امر مسلم تلقی می‌کند» (ریورا، ۲۰۰۸، ص. ۶۱۴).

ابرون با مطالعه خاطرات برده‌داری در موزه‌های «مزارع کشت‌زاد» (plantation) در ایالات متحده، بر تعارض بین تاریخ جنوب که توسط متحدان منطقه‌ای و ملی حمایت می‌شود، از یک سو، و تاریخ برده‌داری که دربردارنده «جبر عمومی مربوط به حافظه فراملی کار» است (ابرون، ۲۰۱۴، ص. ۱۶۳)، از سوی دیگر، تأکید می‌کند. از آنجایی که مخاطبان تمایل کمتری به پذیرش داستان‌های صاحبان کشت‌زادها دارند، روایت فراملی برده‌داری به تدریج حافظه را در آن‌ها به نفع رویکردهای انتقادی‌تر تغییر داده است. مک‌داول (۲۰۰۸) با بررسی گردشگری سیاسی در بلغاست نشان می‌دهد که چگونه توره‌های راهنما می‌توانند به بازتولید درگیری‌ها دامن بزنند، زیرا گروه‌های اجتماع‌محور از این تورها برای ترویج دیدگاه‌های سیاسی استفاده می‌کنند. در حالی که یک رویکرد جهان‌وطنی و گفتگویی اغلب به موسسات عمومی و همچنین به احساس‌گرایی جنجالی نسبت به گردشگری سیاه تجاری نسبت داده شده است، تحقیقاتی مانند مطالعات ذکر شده در بالا این تصویر را پیچیده‌تر کرده است، به‌ویژه با

این فرآیند رسانه‌ها و ژانرهای خاصی مانند توره‌های راهنما یا گردشگری سیاه (cf. Macdonald, ۲۰۰۶)، عوامل (متصدیان، مدیران گردشگری، راهنماها، گردشگران) و زمینه‌های نهادی و اجتماعی-سیاسی که در آن رخ می‌دهند (یعنی اشکال خصوصی، جمعی یا دولتی تأمین مالی، کنترل سیاسی و مقررات اقتصادی) را در بر می‌گیرد. به طور خاص‌تر، من حافظه‌سازی را از دریچه برخوردهای گردشگری مطالعه می‌کنم و تقاطع‌های پیچیده چگونگی شکل‌گیری خاطرات را در رابطه با برخوردهای فوری و ملموس با مکان‌ها و افراد دیگر (Gibson, ۲۰۱۰, p. ۵۲۱; cf. Crouch et al, ۲۰۰۱) در نظر می‌گیرم، در حالی که همزمان تحت تأثیر مناقشات فراملی و تصورات از گذشته، حال و آینده نیز قرار دارد.

یک لنز فرآیندی برای مطالعه حافظه و/یا میراث را می‌توان در برخی از متون پژوهشی رو به رشد در مورد سفر به مکان‌های مرتبط با گذشته‌های اندوهبار و دردناک یافت که بررسی دقیق‌تری از اشکال مختلف تماشاگر و احساسات در رابطه با گذشته ارائه می‌دهند. مطالعات موجود را می‌توان به طور کلی به دو دسته مختلف تقسیم کرد: از یک سو، به یاد آوردن در گردشگری به عنوان داشتن یک جهت‌گیری جهان‌وطنی یا ستیزه‌جویانه تصور می‌شود که باعث ایجاد همدلی و همبستگی می‌شود (سنتو بول و هانسن، ۲۰۱۶؛ رادونیچ، ۲۰۲۱؛ لور و همکاران، ۲۰۱۱)؛ از سوی دیگر، به دلیل آمیخته بودن آن با احساسات، مورد تردید است، زیرا ذیل کالایی کردن رنج (لنون و فولی، ۲۰۰۰) و دامن زدن به اختلافات اجتماعی-سیاسی موجود تلقی می‌شود (مک‌داول، ۲۰۰۸). برای مثال لور (۲۰۱۰) با تمرکز بر بازدیدکنندگان یهودی در محله یهودی‌نشین کارمیز در کراکوف، نشان می‌دهد که چگونه شیوه‌های حافظه در گردشگری این پتانسیل را دارند که مبادلات و همبستگی را تقویت کنند. وست (۲۰۱۰)

اشکال یادبودسازی تعاملی در گالیپولی را بررسی می‌کند، جایی که راهنماهای تور ترکیه‌ای با در هم آمیختن روایت‌های مختلف، نوعی از تفسیر تاریخی را تولید می‌کنند که هدفشان ایجاد تفاهم متقابل است. در مقابل، نویسندگان دیگر، با اشاره به تنش‌ها بر سر تفسیر گذشته نشان می‌دهند که چگونه گردشگری می‌تواند به تشدید تنش‌ها و دشمنی‌ها منجر شود.



معماری زنده: از حافظه تا احیا | تجربه گردشگری در فضاهای تاریخی میان گذشته و آینده

نسترن فراهانی | دانش‌آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه یزد

در ادبیات رشته‌های تخصصی مرتبط با شهر و معماری، به شهر از زوایای گوناگونی نگاه کرده‌اند. از فارابی که شهر را به چشم یک موجود زنده نگاه می‌کرد تا جمله معروف «نگاه به شهر به مثابه یک متن یا یک اثر هنری». فارابی معتقد بود شهر مانند بدن یک انسان، اگر در توازن و تعادل و زیبایی کامل باشد می‌تواند کارایی بالایی داشته باشد؛ مثل انسانی که از سلامت کامل برخوردار است و پس بر هر کاری تواناست. چون شهر، علاوه بر محیطی برای زندگی جمعی، بستری برای انتقال معنا و فرهنگ به مردم در طول تاریخ است. از ابتدای شکل‌گیری فرایند سکونت انسان (در روستا و سپس شهر یا هر سکونتگاه جمعیت‌پذیر دیگر)، بعد از برآورده شدن نیازهای اولیه، انسان ارتقای کیفی محیط زندگی‌اش را شروع کرد؛ مثل تزئین دیوار غارهای نخستین که جز روایت قصه‌ای - خواه واقعی و خواه رویایی - برای معنا بخشیدن به زندگی نبود. این نگاره‌ها و بعدتر حجاری‌های سنگی، روایت داستان زندگی آدم‌ها برای یکدیگر و آیندگان است. اساساً انسان همواره زندگی جمعی را برگزیده و لازمه زندگی جمعی، ارتباط با دیگران است.

انسان برای بیان آنچه در ذهن داشته، همواره برای دیگران چیزی ساخته است. معماری و شهر هم مثل هر اثر انسان‌ساخت دیگر، اما در مقیاس بزرگ‌تر، در واقع زبانی برای روایت قصه زندگی اوست. شرح آرزوها، موفقیت‌ها و شکست‌ها و روزهای اوج و فرود بر پیشانی یک شهر نوشته شده است. شهری که مانند یک موجود زنده، هرچه رشد و گسترش پیدا کرده، زبان و رسم‌الخط کامل‌تر و زیباتر برای روایت خودش ساخته و پرداخته است.



به مرور زمان هر شهر داستان اصیل و مخصوص خودش را پیدا کرد و این داستان با بافت و ساختار شهر تنیده شد. حتی اگر شهری مثل نیشابور، یک‌بار در حمله مغول کاملاً ویران شد، پس از ویرانی، یاد حمله مغول بر پیشانی شهرآبادانی که ساخته شد، حک شده بود. هیچ‌وقت کسی نتوانست رد زخم مغول را از چهره نیشابور - حتی نیشابورآباد پسامغول - پاک کند. این یعنی داستان اصیل یک شهر.

سایر بخش‌های کتاب درک فرآیندی از حافظه‌سازی را به روش‌های خاص‌تری تشریح می‌کنند. من در ابتدا بر گردشگران و راهنمایان تور به عنوان حافظه‌سازان تمرکز می‌کنم و استدلال می‌کنم که نیاز به گسترش تحقیق فراتر از مطالعه سایت‌های میراث نهادی وجود دارد و حافظه‌سازی را به عنوان یک عمل یکپارچه که از سایت‌ها و مکان‌های مختلف استفاده می‌کند، در نظر می‌گیریم. من متعاقباً حافظه‌سازی را در یک حوزه فراملی قرار می‌دهم که در آن تصاویر و روایت‌های پویا به گردش در می‌آیند و فرآیندهای یادآوری را واسطه می‌کنند، و ثالثاً توجه را به ماهیت زبانی یادآوری در گردشگری جلب می‌کنم و با «پایان‌نامه کالابی‌سازی» درگیر می‌شوم، نگرانی‌ای که در بحث‌های مربوط به حافظه‌سازی در گردشگری محوری بوده است. من استدلال می‌کنم که گردشگری، در حالی که با منافع تجاری گره خورده است، خاطرات گذشته را دوباره بیان می‌کند، نه اینکه آنها را کاهش دهد. در نهایت، من به پیامدهای سیاسی خاطرات ایجاد شده در گردشگری می‌پردازم: گردشگری نه تنها خاطرات را تولید می‌کند، بلکه سازنده هویت‌ها و روابط اجتماعی نیز هست. من به ویژه به اهمیت ژئوپلیتیکی خاطرات گردشگری که سازنده روابط بین‌الملل در سطح بومی هستند، اشاره می‌کنم و از بدنه نوظهور ادبیات مربوط به ژئوپلیتیک گردشگری استفاده می‌کنم.

در نتیجه، سایر استراتژی‌های ارتباطی مانند «شیوه‌های اجتماعی اجتناب» (cf. Tileagă, ۲۰۱۸) به اندازه کافی نظریه‌پردازی نشده‌اند (Schlegel & Pfoser, ۲۰۲۱). این کتاب با مطالعه حافظه‌سازی در خارج از مکان‌های اختصاصی میراثی، از این رویکردها فراتر می‌رود. تمرکز آن بر تورهای تجاری شهری است که هدفشان ارائه یک مقدمه تاریخی از شهرها یا محله‌های خاص به گردشگران است. علاوه بر این، این کتاب همچنین شیوه‌های کلی معنا‌سازی گردشگران را در رابطه با بازدیدهایشان در نظر می‌گیرد. با انجام این کار، این کتاب طیف گسترده‌تری از خاطرات - نوستالژی، دیپلماسی حافظه، و تولید و مصرف گذشته‌های ملی - را که به عنوان شیوه‌های یادآوری مورد بحث قرار می‌گیرند، در نظر می‌گیرد. این‌ها به عنوان روش‌های کلیدی تعامل با گذشته در گردشگری در نظر گرفته می‌شوند که به تمرکز بر شیوه‌های جهان‌وطنی و ستیزه‌جویانه یادآوری موجود در اغلب منابع مربوط به مطالعات حافظه منجر می‌شوند. اگرچه این کتاب به تعامل و مواجهه با گذشته تلخ می‌پردازد، اما این کار را در خارج از مکان‌های خاص انجام می‌دهد. تمرکز آن بر یک پیشنهاد گردشگری تجاری است که روش متفاوتی را برای برخورد با مسائل بحث‌برانگیز اتخاذ می‌کند، که آشفته‌تر و اساساً در جهت‌گیری خود عمل‌گرایانه است.

Tourism as Memory-Making; Russian Tourism in Book .۲۰۲۵ .the Shadow of Empire. Alena Pfoser series: Palgrave Macmillan Memory Studies. pp ۴۱-۱۹.

آیینی و مذهبی است که در یک مکان مشخص و در طی زمان طولانی برگزار شده و باقی مانده‌اند. این آداب و مناسک به همراه مکان و وقوع آن‌ها، مورد مراجعه مردم واقع شدند و به مرور زمان انجام سفر به منظور به جا آوردن مناسک دینی و اجرای آیین‌های خاص - که می‌تواند قدمتی به درازای تاریخ بشر داشته باشد - به شکل‌گیری مفهوم «گردشگری مذهبی» کمک کرد. گردشگری مذهبی یعنی انجام سفر با هدف زیارت، تبلیغ دین و حتی گذران اوقات فراغت در اماکن مذهبی. گردشگری مذهبی تنها محدود به مسلمانان و ایران نیست؛ شهر مکه و مدینه در کشور عربستان، سفرهای زیارتی هندوها در شهر بنارس در هند، سفرهای زیارتی بودایی‌ها برای معبد شهر لاهاسا در تبت، شهر واتیکان در ایتالیا برای مسیحیان کاتولیک، دیوار ندبه در اورشلیم برای یهودیان و معبد ایسه برای پیروان شینتو در ژاپن از جمله موارد شناخته‌شده در فرهنگ سفرهای مذهبی در جهان است. رونق گردشگری علاوه بر حفظ و بهبود مکان، به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم مربوط به آن هم کمک شایانی می‌کند.



هر داستان روایتگری دارد و شنونده‌ای. مخاطب داستان‌های یک شهر هم، بعد از ساکنانش، مسافران هستند؛ مسافرانی که گاه به یک مقصد - ولو دور و دشوار - چندین و چندبار سفر می‌کنند. با این نگاه، گردشگری راه درک شهر است. اگر مثل فارابی فکر کنیم، هم شهر و هم انسانی که درک می‌شود، مشکلات و چالش‌های کمتری دارند. رواج و رونق گردشگری راه نجات شهرهایی است که پیش از این، صنعتی شدن و هوشمند شدن و غیره را امتحان کرده‌اند. شهری که دیده و شنیده می‌شود، خود را زیبا و سالم نگه می‌دارد. شهرها حافظه دارند؛ حافظه‌ای که برآمده از تاریخ آن‌هاست. نمی‌توان تاریخ را برای یک سرزمین - حتی با صرف هزینه‌های گزاف - ساخت. اما می‌توان به مدد تکنولوژی‌های پیشرفته و تکنیک‌های فضا سازی و طراحی محیطی، تجربه‌های حسی پاسخ‌ده در شهرهای تاریخی جهان را در اقلیم‌های مختلف ارائه کرد. همان‌طور که گردشگری راه نجات شهرهاست، استفاده از تکنولوژی، بازآفرینی و طراحی نوآورانه فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی راه نجات این فضاها از افتادن در تله تزئینات صرفاً کالبدی است.

فضاهای شهری باید در برابر نیازهای روز زمانه پاسخ‌گو باشند. چون انسان امروز، انسان دیروز نیست. روزآمدی، لزوم حفظ بافت‌های تاریخی ارزشمند را از بین نمی‌برد، بلکه راه درست حفظ بافت‌های تاریخی است. در غیر این صورت طراحی فضاهای شهری تاریخی تنها به ساختن تزئینات کالبدی صرف بر جداره شهری محدود می‌شود و معنا از بین می‌رود.

معماری درست، حافظ معناست. معماری می‌تواند بستری باشد که هویت، فرهنگ و معنا را نسل به نسل منتقل و آن را حفظ کند. مثلاً یکی از مصادیق فرهنگ و معنا در جوامع مختلف، شکل‌گیری مجموعه‌ای از آداب و مناسک حول باورهای اساطیری،

در ایران هم دوام و رواج مراسم‌های خاص در اقلیم‌های خاص شاهد این مدعا هستند. در کشوری مانند ایران با وجود تنوع اقلیمی و فرهنگی گسترده، ناگفته پیداست که معماری و شهرسازی چه مسئولیت سنگینی برای حفظ فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها دارند. هر چهار جهت جغرافیایی ایران، چهار سرزمین بزرگ است با خرده‌فرهنگ‌های متنوع و بسیار. علاوه بر آیین‌های باستانی، دین نیز در ایران بسیار پررنگ است. با الگوی معتبر مکان‌سازی (کالبد + کارکرد + معنا) بسیاری از فضاهای تاریخی در شهرهای ایران حول معنای دین و مراسم آیینی شکل گرفته‌اند و رونق و رواج خود را پس از سالیان حفظ کرده‌اند. مراسم سقاخوانی و مراسم قالی‌شوین در کاشان، سنج و دُمام‌زنی و یزله‌خوانی در بوشهر، چاوشی‌خوانی و تابوت‌گردانی در سیستان و بلوچستان از جمله آیین‌هایی هستند که در ایران رواج دارند و در عین حال از پارامترهای تبدیل شدن به یک جاذبه گردشگری هم بهره‌مند هستند؛ یعنی به زبان ساده می‌توانند یک شهر را به مقصدی برای سفر تبدیل کنند.



شکل‌گیری تکیه‌ها و حسینیه‌ها و میدان‌گاه‌هایی که جواب‌گوی اقتضائات یک مراسم عزاداری باشند. می‌توانیم یک رابطه خطی دوطرفه بین عناصر فرهنگی، ساختار شهر و صنعت گردشگری پیدا کنیم. چنان‌که طراحی درست شهری می‌تواند عناصر فرهنگی را حفظ کند و رونق گردشگری ضامن حفظ حیات شهر خواهد بود.

مثلاً شهر یزد را یک بار باید به چشم یک شهر تاریخی و بار دیگر به چشم شهری که میراث‌دار سبک شناخته‌شده‌ای از عزاداری است، دید و شناخت. چنان‌که آیین‌های عزاداری و اهمیت عزاداری برای امام‌سوم شیعیان چنان با تار و پود فرهنگ معماری در ایران درهم تنیده شده که ردپای آن را در عناصر کالبدی شهری می‌توان دید؛ مانند

در طول تاریخ، تمدن انسانی به صورت سیستماتیک، عناصر با ارزش (اعم از فرهنگ، افسانه، آداب و رسوم و معماری) را حفظ و تقویت کرده و آنچه را که بعد از گذشت زمانی، کارآمد و مورد اقبال مردم نبوده، حذف کرده است.



پس شهر با روایت داستان‌ها، افسانه‌ها، اعتقادات و تاریخ خود با زبان معماری و شهرسازی، خود را زنده نگه می‌دارد. به همین دلیل در طراحی شهری باید به تأثیر عناصر فرهنگی در کالبد شهر به عنوان بستر اصلی هر ایده‌ای توجه کرد.

در شهرهای تاریخی مانند یزد و کاشان و اصفهان، علاوه بر فضاها و بناهای واجد ارزش، با مسیری هم که این عناصر را به هم متصل می‌کنند روبه‌رو هستیم؛ مسیری که مانند خط روایت داستان عمل می‌کند. طراحی مسیرهای گردشگری با هدف اتصال تک‌بناهای واجد ارزش اما جدا افتاده از مجموعه‌های ارزشمند می‌تواند آن‌ها را در ارتباط با یکدیگر حفظ کند. مسیرهای گردشگری فعالیت می‌سازند؛ فعالیت‌هایی که می‌تواند به احیای اقتصادی هم کمک کند. در حالی که جدا افتادن عناصر تاریخی

از یکدیگر این امکان را از بین می‌برد. فضاها را جدا افتاده حتی اگر جذابیت بالایی داشته باشند، به مرور زمان ضعیف و ناپدید می‌شوند. اهمیت احیای مسیرهای گردشگری در اینجاست.

از سوی دیگر، با توجه به ویژگی‌های اقلیمی، این فضاها در شهرهای مختلف در عین وحدت معنایی، تفاوت‌های ساختاری پیدا می‌کنند. مانند شکل‌گیری تکایایی موسوم به سقائفار، مخصوص عزاداری و برگزاری مراسم برای عباس بن علی (ع) در شهرهای حاشیه دریای خزر که الگو و معماری متفاوتی با حسینیه‌های پوش‌کشیده شده در شهرهای کویری دارند.

شهر یک موجود زنده است؛ طبیعتاً رشد می‌کند و باید بین بخش‌های جدید و قدیم ارتباط معناداری وجود داشته باشد. توجه به تاریخ در کنار توجه به

مدرنیسم و طراحی معاصر لازمه تعادل شهرهای تاریخی است. شاید فرمول احیای فضاها، شهری، بازآفرینی فضاها، تاریخی با الهام از نیازهای روز و با استفاده از تکنولوژی‌های روز اما با الگوی کهن باشد. بافت‌های تاریخی عمدتاً با گذشت زمان و توسعه چندجانبه شهرها از رونق و اعتبار می‌افتند و با کاهش ارزش اقتصادی در مقابل ارزش تاریخی روبه‌رو می‌شوند. پیامد این اتفاق، کوچ ساکنان اصیل و دغدغه‌مند از این مناطق است که به مرور زمان به عدم شکل‌گیری روایت و تصویر مناسب از محلات و در نهایت عدم انسجام در یک متن شهری می‌انجامد. یک متن بدون چارچوب و ساختار و پیوستگی، هرگز متن خوانا و با معنایی نخواهد بود. به همین دلیل توجه به ابعاد اقتصادی یکی از مهم‌ترین گام‌ها در فرایند احیا و مرمت یک بافت تاریخی است.

تعریف بازدهی اقتصادی برای فضاها، مرده شهری، در کنار تزریق فعالیت‌های عمومی، به احیای فضاها، مرده کمک می‌کند و آن‌ها را گردشگرپذیر می‌کند. گردشگر به زبان ساده میهمان یک شهر یا فضای تاریخی است. در فرهنگ ما، پیش از ورود مهمان خانه باید امن و آراسته و روشن باشد و این وظیفه بر عهده همه اعضاست. فعالیت‌های عمومی در شهر هم باید مشارکت‌پذیر باشند. مشارکت مردمی و تعهد خودجوش مردم در قبال شهر را می‌توان به روغنی تشبیه کرد که در میان چرخ‌دنده‌های یک سیستم جاری می‌شود و به اتصال و همکاری و چرخش درست سیستم کمک می‌کند. محصول این سیستم، شهری است که می‌تواند داستان خودش را بگوید و از خودش دفاع کند. مردمی بودن و فرمایشی نبودن، راز ماندگاری یک فعالیت جمعی است.

اما صرفاً گردشگری سازنده به دیدن یک ساختمان یا یک بافت تاریخی محدود نمی‌شود. در صورتی که گردشگر امکان دخیل شدن در انواع تجربه‌های

حسی رایج در فضا را داشته باشد، سفرش به یک تجربه ماندگار تبدیل می‌شود و به رواج و رونق گردشگری کمک می‌کند و رونق گردشگری به عنوان محرکی برای توسعه عمل خواهد کرد. وگرنه همه ما تجربه ناخوشایند حضور در محیط‌هایی را که فضا سازی شده‌اند و فاقد معنا هستند، داریم؛ محیط‌هایی که پذیرنده نیستند و افراد تمایل دارند زودتر آن‌جا را ترک کنند. محیط‌هایی که همه چیز در آن‌ها صرفاً نمادین و پوسته‌ای بوده و به عمق نرفته است. شبیه بعضی از فعالیت‌ها و مکان‌های شهری که بیش از خواست مردم، به واسطه خواست و صلاحدید دولت‌ها و با بودجه‌ها و طرح‌های فرمایشی رونق پیدا می‌کنند، اما از طرف مردم پذیرفته نمی‌شوند و جالب اینجاست که در جذب گردشگر هم موفق نیستند. مردمی بودن و خودانگیخته بودن شاخص درست کار کردن سیستم شهر و مردم است؛ مثل ویراستاری درست یک متن کهن که آن را برای یک نوجوان هم خوانا و قابل فهم می‌کند. وگرنه آیین‌ها، فضاها، شهری، آداب و رسوم، ساختمان‌ها و هر چیزی که می‌تواند به انتقال معنا در شهر کمک کند، با گذشت زمان کهنه می‌شوند نه کهن. و چیزهای کهنه محکوم به فراموشی هستند نه سزاوار حفظ و نگهداری برای آیندگان.



برای دیدن منابع، رمزینه مقابل را اسکن کنید.

شهری که می‌نویسیم...

شیدا جلائیان | دانشجوی کارشناسی شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان

«بیشتر ساکنان معمولی شهر در «آن پایین» زندگی می‌کنند، پایین‌تر از آستانه‌ای که رویت‌پذیری ممکن می‌شود. این کنشگران قدم می‌زنند، فرمی ابتدایی از تجربه‌ی شهر؛ آن‌ها عابر پیاده‌اند، سیاح‌اند، بدن‌هایشان تاروپود نوعی «متن» زندگی شهری را دنبال می‌کند که خود می‌نویسند اما قادر به خواندنش نیستند.»

میشل دوسترو، کردار زندگی روزمره، جستار «قدم زدن در شهر»

«شهر در عمل»^۱ را دوسترو برای شهری که در آن مردمش به واسطه زندگی روزمره مناسباتش را می‌سازند به کار می‌برد. به طوری که اگر شهر را متن بدانیم، آدم‌ها با قدم زدن، فعالیت‌ها و حالاتشان آن را می‌نویسند. به قول رولان بارت این «شهر در عمل» متنی «نویسندگانی»^۲ است و می‌تواند مقابل «متن خوانندگانی»^۳ بارت یا «شهر مفهومی» دوسترو قرار بگیرد؛ شهری که سیاست‌گذاری شده، عقلانی و ایده‌آل است و نقشه‌اش به دست نقشه‌کش‌ان و برنامه‌ریزان از قبل ریخته شده‌است. مردم همیشه برای سرپیچی از نظم از پیش تعیین شده‌ای که حوصله‌شان را سر می‌برد راهی دارند. یکی از آن‌ها بازی‌ست. ما معمولاً پیش از آنکه شهر را بشناسیم، بازی کردن را یاد می‌گیریم و به مرور زمان، با بزرگ‌تر شدن از ما خواسته می‌شود جدی باشیم و بازی را فراموش کنیم. اگر فراموشش نکنیم و آن را با خودمان به شهر بیاوریم چه؟ اگر قدم زدن صرف می‌تواند شهر را بنویسد، شاید بازی استعاره متن شهر باشد و برای آن، لایه‌هایی از معنا ایجاد کند.



از نظر کلردینگتون ایده شهر بازی‌پذیر از اهمیت مردم نسبت به قابل‌زیست بودن آینده شهرها به اندازه کارآمد بودنشان شروع شده و پس از آن جایزه شهر بازی‌پذیر ایجاد می‌شود.

برنده اولین جایزه «سلام تیر برق»^۱ بود. در این پروژه شهروندان می‌توانستند با تیرهای چراغ برق، بانه‌های تلفن و ایستگاه‌های اتوبوس بریستول چت کنند. به واسطه این گفت‌وگوها، مبلمان شهری که در روزمره افراد نقش داشتند با آن‌ها صحبت می‌کردند و حتی اطلاعاتی از آن فضا را بهشان می‌دادند. تیر برقی که قرار است صرفاً به مسیرهای از پیش مشخص شده نور بتاباند، ناگهان شروع می‌کند به حرف زدن با آدم. در نقشه‌ها و برنامه‌ها اثری از حرف‌هایی که بین مردم و درودیوار شهر ردوبدل شده، نیست. این پروژه تلاش کرده با اقدامات ساده فنی کمی بازیگوشی به فضاهای روزمره شهری اضافه کند و به «شهر در عمل» بودن آن اضافه کند.



«سایه بازی»^۲ یکی دیگر از پروژه‌هایی‌ست که جایزه شهر بازی‌پذیر را گرفتند. در این بازی، که برای اولین بار در بریستول (پاییز ۲۰۱۴) اجرا شد، چراغ‌های شهری سایه‌های آدم‌هایی که قبلاً از زیرشان رد شده بودند را ضبط می‌کردند و آن‌ها را به آدم‌های بعدی نشان می‌دادند. چراغ‌ها صاحب نوعی حافظه شهری شده بودند و باعث شدند شهروندان در خیابان‌های کمتر شناخته‌شده با سایه‌هایشان بازی کنند و برقصند. حتی برخی از این چراغ‌ها در مناطق خفت‌گیری شهر بودند و بعد از این پروژه به خاطر حضور بیشتر آدم‌ها برای بازی با سایه‌ها، خفت‌گیری کمتر شده بود.

بازی‌پذیری علاوه بر جالب کردن مکان‌ها برای ساکنانشان، به افزایش پتانسیل گردشگری آن‌ها کمک می‌کند. در گردشگری مفهوم «غوطه‌وری»^۳ از دیدن صرف فضا فراتر می‌رود و با تجربه‌ی حسی فضا و آشنایی با داستان‌هایش گره می‌خورد. این مفهوم بخشی از گردشگری اجرایی است.



Hello Lamp Post, 2013 ۱
Shadowing, 2014 ۲
immersion ۳

City in Practice ۱
Writerly Text ۲
Readerly text ۳

فرا تر از بازدید: چگونه دانشگاه‌ها و گروه‌های دانشجویی پروژه‌های نوآورانه گردشگری شهری را هدایت می‌کنند؟

فائقه ناصری | دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد

۱ مقدمه: در عصر حاضر، گردشگری شهری تنها به بازدید از جاذبه‌ها و مناظر تاریخی محدود نمی‌شود، بلکه به تجربه‌ای عمیق‌تر، مشارکتی‌تر و خلاقانه‌تر بدل شده است. شهرها نه فقط به عنوان مقاصد، بلکه به عنوان بسترهایی برای یادگیری، روایتگری و نوآوری شناخته می‌شوند. در این میان، دانشگاه‌ها و گروه‌های دانشجویی به عنوان کنشگرانی نوظهور و پیشرو، نقشی کلیدی در بازتعریف تجربه گردشگری ایفا کرده‌اند. برخلاف نهادهای دولتی و سازمان‌های بزرگ که گاه با بروکراسی و محدودیت‌های مالی روبه‌رو هستند، دانشگاه‌ها محیطی انعطاف‌پذیر برای آزمایش ایده‌های خلاقانه فراهم می‌آورند. تلفیق دانش استادان با انرژی و نگاه نوآورانه دانشجویان، ظرفیت‌های منحصر به فردی ایجاد می‌کند. بهره‌گیری از فناوری دیجیتال، روایتگری چندرسانه‌ای و مشارکت اجتماعی این ظرفیت‌ها را تقویت می‌کند. یونسکو نیز تأکید می‌کند که دانشگاه‌ها می‌توانند در چارچوب مدل «سه‌گانه ماریپچی» یعنی همکاری دانشگاه، دولت و صنعت، نیروی محرکه توسعه پایدار شهری و گردشگری تجربه‌محور باشند (UNESCO, ۲۰۱۶). در شهرهایی تاریخی چون یزد، جایی که میراث غنی گذشته با الزامات زندگی مدرن تلاقی می‌کند، این ظرفیت‌ها می‌توانند مسیرهای نوینی برای خلق تجربه‌های اصیل و پایدار بگشایند.

همکاری ساکنان محله South Side شیکاگو و حمایت شهرداری، پروژه‌ای نوآورانه با محوریت «روایت‌گری شهری» آغاز کردند. این ابتکار با هدف بازنمایی هویت تاریخی و فرهنگی محله‌ای محروم اما غنی از نظر تاریخی طراحی شد. دانشجویان با انجام مصاحبه‌های عمیق و گردآوری روایت‌های شفاهی از ساکنان قدیمی، همراه با اسناد آرشیوی، محتوای غنی‌ای تولید کردند. این محتوا در یک اپلیکیشن تعاملی مبتنی بر فناوری GIS (سامانه اطلاعات جغرافیایی) و چندرسانه‌ای ادغام شد. اپلیکیشن مذکور به گردشگران امکان می‌داد تا در تورهایی پیاده‌محور، با استفاده از نقشه‌های تعاملی، تصاویر تاریخی، فایل‌های صوتی روایت‌های محلی و ویدئوهای بازسازی‌شده، تاریخ و فرهنگ محله را تجربه کنند. این اپلیکیشن با ارائه مسیرهای پیشنهادی و نقاط توقف کلیدی، تجربه‌ای غوطه‌ور

۲ بررسی تجارب

دانشگاه‌ها و گروه‌های دانشجویی در سراسر جهان با عبور از نقش صرفاً آموزشی، به عنوان پیشگامان نوآوری شهری و توسعه گردشگری پایدار ظاهر شده‌اند. این پروژه‌ها با بهره‌گیری از سیاست‌های شهری مدرن، فناوری‌های نوین و رویکردهای مشارکتی، تجربه‌های نوینی از گردشگری خلق کرده‌اند که به بازآفرینی هویت محلات، تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی منجر شده است. در ادامه، نمونه‌های برجسته این پروژه‌ها با تمرکز بر گروه‌های دیگر، اقدامات اجرایی، ابزارها، سیاست‌های محوری و نتایج حاصل معرفی و تحلیل می‌شوند.

◆ پروژه «شهر روایی» - شیکاگو

در سال ۲۰۱۸، دانشجویان رشته‌های تاریخ، طراحی و شهرسازی از دانشگاه‌های هاروارد و MIT، با

شخصیت ناشناسی همراه می‌شود که اطلاعات زیادی از مکان‌های متروکه کوما دارد. برای برداشتن مرز بین بیننده و شخصیت، در جاهایی او با گردشگر وارد گفت‌وگو می‌شود. مشارکت دادن بیننده در مراحل بیان روایت، باعث می‌شود او هم بخشی از روایت باشد، احساس حضور بیشتری در مکان داشته باشد و همچنین ارزش بیشتری برای چیزهایی که می‌شنود قائل شود. به این ترتیب رابطه میان بیننده، روایت و محیط حفظ می‌شود. «ردپاهای زمان» نمونه‌ای خوبی برای استفاده از روایت در گردشگری با واقعیت مجازی است که توسط تیمی از تخصص‌های مختلف مثل باستان‌شناسی، ارتباطات، علوم کامپیوتر، فیلم‌سازی و گردشگری فرهنگی طراحی شده است. این پروژه نشان می‌دهد داستان‌های اماکن تاریخی را می‌توان با ابزارهای فنی طوری به گردشگر منتقل کرد که در زمان کوتاه بازدید هم تاثیر خاصی داشته باشند و در خاطر بمانند؛ چرا که این ابزارها در تعامل با گردشگر، «شهر در عمل» را ممکن می‌کنند.



برای دیدن منابع، رمزینه مقابل را اسکن کنید.

«جایی که بازدیدکننده به طور منفعل مصرف نمی‌کند، بلکه به عمل می‌پردازد، تفسیر می‌کند و روایت را تغییر می‌دهد». روایت خود ابرازی برای رسیدن به غوطه‌وری و ارتباط بیشتر گردشگران با فضا است. چرا که با چینش منطقی وقایع، برای آن‌ها معنا ایجاد می‌کند و باعث می‌شود بازدیدکننده نه تنها فضاها را ببیند، بلکه لایه‌های معنایشان را هم بفهمد و بتواند در آن‌ها غوطه‌ور شود. استفاده از روایت و قصه‌های مکان‌ها می‌تواند موجب نزدیک شدن به گردشگری پایدار هم شود. چون گردشگر با دانستن قصه‌ها و روایت‌ها اهمیت بیشتری به مکان می‌دهد و آن را صرفاً مصرف نمی‌کند که این خود باعث پر کردن فاصله گردشگر و ساکن هم خواهد شد. (Monteiro, ۲۰۲۵: ۱)

استفاده از روایت در گردشگری راه‌های متنوعی دارد که برخی از فناوری می‌گذرند؛ از استفاده از واقعیت افزوده^۱ و واقعیت مجازی^۲ و واقعیت مجازی سینماتیک^۳ گرفته تا برنامه‌های واقعیت افزوده‌ی صوتی و شبکه‌های اجتماعی بر مبنای تجربه کاربر. مثلاً در پارک باستان‌شناسی کوما^۴ در ایتالیا از قصه‌گویی به وسیله‌ی واقعیت مجازی سینماتیک (CVR) استفاده شده است. این پارک از مستعمرات یونان و سپس روم باستان در ایتالیا بوده و حتی بقایایی از قرون وسطی را در خود دارد. در پروژه روایی «ردپاهای زمان»^۵ دو نوع تجربه‌ی واقعیت مجازی برای بازدید از کوما در نظر گرفته شده است. یکی برای پیش از بازدید، با توضیحاتی مرموز برای ترغیب افراد به دیدن آنجا و دیگری برای آشنایی با داستان‌های تاریخی پارک در حین بازدید. در این پروژه ابتدا سایت کوما از بالا نشان داده می‌شود همراه با توضیحاتی که نظر افراد را جلب می‌کند و در بخش بازدید از محل، گردشگر با

- ۱ AR
- ۲ VR
- ۳ CVR
- ۴ Archeological Park of Cuma
- ۵ Traces of time

و شخصی سازی شده ارائه می داد که گردشگران را به قلب داستان های محله هدایت می کرد.

این پروژه به عنوان الگویی برای گردشگری عادلانه شهری شناخته شد، زیرا بر مشارکت برابر ساکنان محلی تأکید داشت و به جای تمرکز صرف بر جاذبه های تجاری، صدای جوامع حاشیه ای را برجسته کرد. با تقویت هویت محله ای و افزایش تعامل گردشگران با ساکنان، پروژه به کاهش شکاف اجتماعی-اقتصادی کمک کرد و منافع اقتصادی گردشگری را به طور عادلانه تری توزیع نمود. بازخورد مثبت شهرداری و استقبال گسترده جامعه محلی، پایداری پروژه را تضمین کرد. موفقیت این ابتکار الهام بخش پروژه های مشابهی در شهرهایی مانند دیترویت و نیواورلئان شد، جایی که گروه های دانشگاهی و محلی از مدل روایت گیری دیجیتال برای احیای محلات تاریخی استفاده کردند. این پروژه همچنین در کنفرانس های بین المللی شهرسازی، مانند اجلاس جهانی شهرهای پایدار، به عنوان نمونه ای برجسته معرفی شد و تأثیر آن در سیاست گذاری گردشگری عادلانه در سایر نقاط

جهان مشهود است.

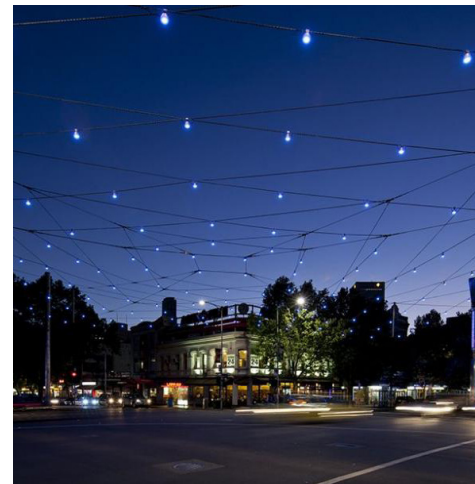
◆ گردشگری فراگیر-آمستردام

از سال ۲۰۱۹، دانشگاه جوانان معماری، طراحی، و علوم اجتماعی دانشگاه آمستردام با همکاری شهرداری و سازمان های غیردولتی، پروژه ای را برای بهبود دسترسی به جاذبه های تاریخی شهر برای سالمندان و افراد دارای معلولیت کلید زدند. آن ها رمپ های استاندارد، مسیرهای هموار، و تابلوهای چندزبانه با فونت های خوانا و بریل طراحی کردند و با ابزار GIS، نقشه های دقیقی برای پیمایش آسان تر بافت تاریخی شهر آماده کردند. چالش اصلی، هماهنگی بین گروه های ذی نفع و تأمین بودجه برای تغییرات فیزیکی در بافت تاریخی بود که گاهی با مقاومت مالکان بناها روبه رو می شد. با برگزاری کارگاه های مشارکتی با جامعه محلی، این مشکلات کم رنگ شدند. نتیجه؟ تجربه ای فراگیر که نه تنها دسترسی را بهبود داد، بلکه به الگویی برای گردشگری عادلانه و همه شمول در اروپا تبدیل شد. این پروژه که تحسین اتحادیه اروپا را برانگیخت، در شهرهایی مثل بارسلونا و وین هم تکرار شد.



◆ داستان های زنده از لندن-لندن

از سال ۲۰۱۷، دانشجویان جامعه شناسی و طراحی شهری دانشگاه لندن با ساکنان محله های Shoreditch و Brixton تورهای پیاده محور قصه گویی راه انداختند. با گردآوری خاطرات شفاهی و طراحی مسیرهای تعاملی، گردشگران را به دل تاریخ و فرهنگ این محله ها بردند. چالش بزرگ، متقاعد کردن ساکنان برای مشارکت و مدیریت انتظارات آن ها از درآمدزایی بود. کارگاه های مشارکتی کمک کرد تا روایت ها واقعاً صدای جامعه باشند. این پروژه به یک استارتاپ موفق به نام "Walk With Me" تبدیل شد که حس تعلق محلی را تقویت کرد و درآمد تورها به اقتصاد محله تزریق شد. موفقیتش شهرهایی مثل دبلین و منچستر را به راه اندازی تورهای مشابه ترغیب کرد.



◆ مبلمان و تابلوهای تعاملی-ملبورن

از سال ۲۰۱۸، دانشجویان معماری و طراحی دانشگاه ملبورن با همکاری ساکنان و شهرداری، مبلمان شهری خلاقانه ای مثل نیمکت های تعاملی و تابلوهای فرهنگی با المان های بومی طراحی کردند. چالش، تأمین بودجه و هماهنگی با قوانین شهری بود که گاهی خلاقیت طراحی را محدود می کرد.

◆ گردشگری بازی محور-سنگاپور

دانشجویان فناوری و گردشگری دانشگاه NTU در سال ۲۰۲۰ در محله Chinatown سنگاپور اپلیکیشن مبتنی بر واقعیت افزوده (AR) و گیمیفیکیشن طراحی کردند. این اپلیکیشن، با معماهای تاریخی و مأموریت های فرهنگی، نسل جوان را به کشف محله کشاند. چالش اصلی، بهینه سازی اپلیکیشن برای گوشی های مختلف و جلب توجه مخاطبان جوان در برابر رقبای تجاری بود. آزمایش های میدانی و بازخورد کاربران این مشکل را حل کرد. نتیجه، افزایش چشمگیر بازدیدکنندگان جوان و آگاهی فرهنگی بود که حمایت نهادهای گردشگری سنگاپور را جلب کرد. شهرهایی مثل سنئول و توکیو هم از این مدل برای اپلیکیشن های بازی محور الگوبرداری کردند.



کارگاه های مشارکتی و نرم افزارهای مدل سازی سه بعدی به اجرای پروژه کمک کردند. این ابتکار، حس تعلق محله ای را تقویت کرد و همکاری پایداری بین دانشگاه و شهر ایجاد نمود. شهرهایی مثل سیدنی و آدلاید هم پروژه های مشابهی را شروع کردند



◆ گردشگری برای همه- لیسبون

دانشجویان شهرسازی و طراحی دانشگاه لیسبون از سال ۲۰۲۱ در محله Alfama پروژه‌ای برای افراد نابینا و کم‌توان جسمی راه‌اندازی کردند. با نقشه‌های لمسی، راهنماهای صوتی چندزبانه، و اصلاح پیاده‌روها، دسترسی به جاذبه‌های گردشگری را آسان‌تر کردند. چالش، طراحی ابزارهایی بود که هم کاربردی باشند و هم با بافت تاریخی سازگار. کارگاه‌های مشارکتی با گروه‌های دارای نیازهای ویژه این مشکل را حل کرد. پروژه، بخشی از سیاست‌های ملی گردشگری پرتغال شد. شهرهایی مثل لیون و فلورانس را به اجرای طرح‌های مشابه تشویق کرد.

◆ زنده‌سازی فضاهای شهری- بروکسل

از سال ۲۰۱۶، دانشجویان هنر و علوم اجتماعی بروکسل با جوانان محلی و گردشگران، فضاهای عمومی را با نقاشی‌های دیواری فرهنگی، بازی‌های شهری، و ایستگاه‌های هنری پاپ‌آپ زنده کردند. چالش، جلب مشارکت جوانان و مدیریت تنش‌های احتمالی بین ساکنان و گردشگران بود. ابزارهای ساده دیجیتال و هنر خیابانی به اجرای پروژه کمک کردند. این ابتکار حس تعلق را تقویت کرد و برند فرهنگی بروکسل را بالا برد. شهرهایی مثل لیسبون و آمستردام هم پروژه‌های مشابهی را امتحان کردند.

◆ فضای سبز و مشارکت شهری- هندوراس

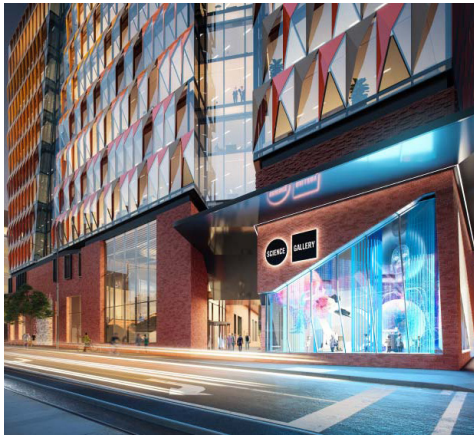
دانشجویان کشاورزی، معماری، و جامعه‌شناسی دانشگاه زامورانو از سال ۲۰۱۹ با مشارکت ساکنان محلی مسیرهای سبز، بازارچه‌های

این پروژه‌ها غالباً با تحقیقات میدانی عمیق، گردآوری داده‌های تاریخی و ثبت روایت‌های شفاهی ساکنان آغاز می‌شوند و بدین ترتیب بستری علمی و معتبر برای طراحی تجربه‌های گردشگری ایجاد می‌کنند که هم با ساختار شهری هم‌خوانی دارند و هم اصالت فرهنگی محلی را بازتاب می‌دهند. موفقیت این طرح‌ها هنگامی که با همکاری میان‌رشته‌ای همراه می‌شوند — جایی که معماری، جامعه‌شناسی، طراحی شهری، هنر و فناوری‌های دیجیتال در تعامل پویا قرار می‌گیرند — امکان پاسخ به پیچیدگی‌های سیستم‌های شهری و ایجاد تجربه‌ای چندلایه و غنی را فراهم می‌کند، تجربه‌ای که فراتر از بازدید صرف، گردشگران را به تعامل فعال با محیط و جامعه محلی ترغیب می‌کند.

ادغام فناوری‌های نوین مانند GIS، واقعیت افزوده، مدل‌سازی سه‌بعدی و پلتفرم‌های تعاملی، علاوه بر ارتقای جذابیت و تعمق تجربه گردشگران، امکان مشارکت فعال جامعه محلی و مدیریت هوشمند منابع شهری را فراهم می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها و گروه‌های دانشجویی می‌توانند از ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی خود نه فقط برای تولید دانش، بلکه برای خلق ارزش‌های ملموس در فضای شهری استفاده کنند. به‌عنوان مثال، طراحی برنامه‌های میان‌رشته‌ای و پروژه‌های عملی در دوره‌های تحصیلی، آموزش دانشجویان در زمینه تحلیل داده‌های شهری، پژوهش میدانی، طراحی تجربه و فناوری‌های دیجیتال، می‌تواند مستقیماً به خلق ابزارها، اپلیکیشن‌ها، مسیرهای گردشگری و تورهای تعاملی منجر شود که کیفیت تجربه شهری را ارتقا می‌دهند.

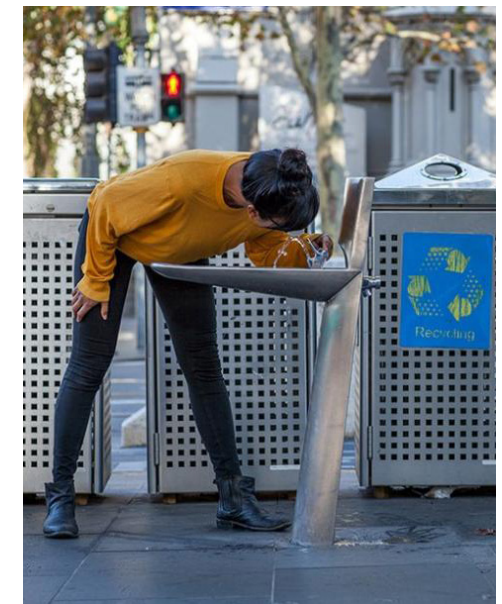
علاوه بر این، دانشگاه‌ها می‌توانند محیط‌های آزمایشی انعطاف‌پذیر برای نوآوری ایجاد کنند، جایی که دانشجویان بتوانند ایده‌های خلاقانه خود را در مقیاس کوچک آزمون کنند و بازخورد واقعی از ساکنان و گردشگران دریافت کنند. این فرآیند

نه تنها تجربه گردشگری را بهبود می‌بخشد، بلکه یادگیری عملی و میان‌رشته‌ای را نیز تقویت می‌کند و موجب می‌شود دانش نظری و مهارت‌های حرفه‌ای دانشجویان مستقیماً با نیازهای واقعی شهری پیوند بخورد. بدین ترتیب، ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها می‌توانند در ارتقای گردشگری شهری از سطح زندگی روزمره ساکنان محله‌ها تا تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کلان شهری اثرگذار باشند و دانشگاه‌ها را به کاتالیزورهایی برای نوآوری، پایداری و توسعه شهری تبدیل کنند.



۴ پیشنهادهایی برای بومی‌سازی در شهرهای تاریخی ایران

برای بومی‌سازی تجربه‌های نوآورانه‌های نوآورانه گردشگری شهری در شهرهای تاریخی ایران، پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها با ایجاد برنامه‌های میان‌رشته‌ای و پروژه‌های عملی، دانشجویان را به پژوهش در زمینه هویت محله‌ها، تاریخ نادیده‌گرفته‌شده و تنوع فرهنگی محلی تشویق کنند. علاوه بر این، توسعه اکوسیستم نوآوری گردشگری از طریق همکاری میان دانشکده‌ها، مراکز نوآوری و شهرداری‌ها، و راه‌اندازی چالش‌های دانشجویی (Hackathon) با موضوعاتی نظیر روایت دیجیتال، طراحی مسیرهای گردشگری خلاق و خدمات فراگیر برای ساکنان و گردشگران، می‌تواند ابزارهای خلاقانه و متناسب با بافت تاریخی ارائه دهد. این رویکرد نه تنها موجب تقویت مشارکت اجتماعی و حس تعلق محله‌ای می‌شود، بلکه امکان توسعه گردشگری پایدار و تجربه‌محور را در شهرهای تاریخی ایران فراهم می‌آورد.



برای دیدن منابع، رمزینه مقابل را اسکن کنید.

نام پروژه	گروه دانشگاهی درگیر	مکان	هدف اصلی	ابزارها / فناوری‌ها	نتیجه / پیامد
شهرروایی (Narrative) (City)	دانشجویان تاریخ، طراحی و شهرسازی از دانشگاه‌های MIT و هاروارد	شیکاگو، آمریکا	بازنمایی هویت تاریخی و فرهنگی محله South Side	اپلیکیشن تعاملی، GIS، رسانه‌های چندرسانه‌ای	تقویت هویت محله‌ای، کاهش شکاف اجتماعی-اقتصادی، الگوی گردشگری عادلانه شهری
گردشگری فراگیر (Inclusive) (Tourism)	دانشجویان معماری، طراحی، علوم اجتماعی	آمستردام، هلند	بهبود دسترسی افراد مسن و دارای معلولیت به جاذبه‌ها	GIS، طراحی مسیرها و رمپ‌ها، تابلوهای چندرسانه‌ای و بریل	تجربه فراگیر، الگویی برای گردشگری عادلانه اروپا
پیاده‌روی و روایت (Walk) (With Me)	دانشجویان جامعه‌شناسی و طراحی شهری	لندن، بریتانیا	روایتگری محله‌های Shoreditch و Brixton	مصاحبه‌های شفاهی، طراحی مسیرهای تعاملی	ایجاد استارت‌آپ موفق، تقویت حس تعلق محله‌ای، درآمدزایی محلی
گردشگری بازی‌محور (AR) (Gamified) (Tourism)	دانشجویان فناوری و گردشگری NTU	Chinatown، سنگاپور	جذب نسل جوان به کشف محله و آگاهی فرهنگی	اپلیکیشن واقعیت افزوده (AR)، گیمیفیکیشن	افزایش بازدیدکنندگان جوان، الگوبرداری در سنول و توکیو
ساخت مکان (Place-) (Making)	دانشجویان معماری و طراحی	ملبورن، استرالیا	تقویت تعلق محله‌ای و تعامل با فضاهای عمومی	مبلان شهری تعاملی، تابلوهای فرهنگی، نرم‌افزار مدل‌سازی ۳D	حس تعلق محله‌ای، همکاری پایدار دانشگاه و شهر
گردشگری برای همه (Tourism for) (All)	دانشجویان شهرسازی و طراحی	Alfama، لیسبون، پرتغال	دسترسی آسان برای افراد نابینا و کم‌توان جسمی	نقشه‌های لمسی، راهنماهای صوتی، اصلاح پیاده‌روها	الگویی برای گردشگری فراگیر، سیاست‌گذاری ملی
زنده‌سازی فضاهای شهری (Urban) (Activation)	دانشجویان هنر و علوم اجتماعی	بروکسل، بلژیک	افزایش تعامل گردشگران و جوانان با فضاهای عمومی	نقاشی دیواری، بازی‌های شهری، ایستگاه‌های هنری پاپ‌آپ	تقویت حس تعلق و برند فرهنگی شهر
شهرهای شاد (Happy) (Cities)	دانشجویان کشاورزی، معماری و جامعه‌شناسی	هندوراس	بهبود کیفیت زندگی و ایجاد فضاهای اشتراکی	مسیرهای سبز، بازارچه‌های محلی، آمفی‌تئاترهای کوچک	ارتقای کیفیت زندگی، افزودن شدن به برنامه درسی دانشگاه

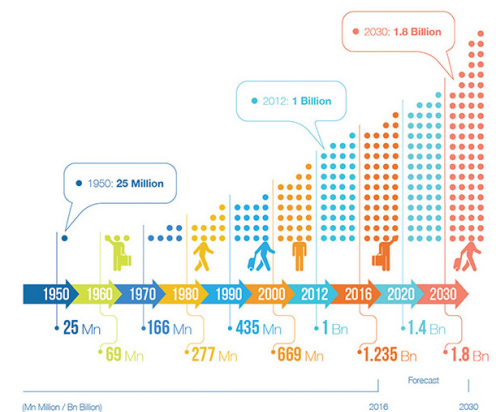
آینده‌ی گردشگری: تحلیل روندها و پیش‌بینی‌های کلیدی

علیرضا هاشمیه | دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه: صنعت گردشگری در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین و پویاترین بخش‌های اقتصادی و فرهنگی جهان تبدیل شده است. رشد سریع این صنعت نه تنها سهم قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی بسیاری از کشورها ایجاد کرده، بلکه فرصت‌های شغلی گسترده‌ای نیز فراهم آورده است. بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری (UNWTO)، تعداد گردشگران بین‌المللی از ۲۵ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به بیش از ۱٫۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۹ رسیده و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ این رقم به حدود ۱٫۸ میلیارد نفر افزایش یابد (UNWTO, ۲۰۱۹). چنین رشدی همراه با تحولات اقتصادی، فناورانه، زیست‌محیطی و اجتماعی، ضرورت آینده‌پژوهی گردشگری را برجسته ساخته است.

آینده‌پژوهی در این صنعت، مدیران و سیاست‌گذاران را قادر می‌سازد که به جای واکنش منفعلانه به تغییرات، رویکردی فعال و سناریو محور اتخاذ کنند. تجربه بحران کرونا نشان داد که صنعت گردشگری در برابر شوک‌های ناگهانی بسیار آسیب‌پذیر است و تنها مقاصدی توانستند سریع‌تر به شرایط عادی بازگردند که ظرفیت بالاتری برای تاب‌آوری داشتند (Rahimi, Rezaei, & Pashapoor, ۲۰۲۴). بر این اساس، شناخت روندهای کلان جهانی، بررسی روندهای نوظهور به‌ویژه در حوزه گردشگری شهری، تحلیل پیش‌بینی‌های کلیدی تغییر و در نهایت ارائه پیشنهادهایی برای مقاصد ماندگار شهری ایران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود.

ورود گردشگران بین‌المللی از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۳۰



روندهای کلان جهانی تأثیرگذار بر گردشگری

تغییرات اقلیمی و ضرورت پایداری

تغییرات اقلیمی یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیش‌روی گردشگری است. افزایش دما، وقوع سیل‌ها و طوفان‌های شدید، و بالا آمدن سطح

دریاها بسیاری از مقاصد محبوب را تهدید می‌کند. به عنوان نمونه، مقصدهای ساحلی و جزایر کوچک در معرض نابودی قرار دارند و مقصدهای کوهستانی با کاهش پوشش برف و یخچال‌ها مواجه‌اند. از سوی دیگر، گردشگری خود سهم مهمی در انتشار گازهای گلخانه‌ای دارد و بر اساس برآورد سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD, ۲۰۱۸)، اگر سیاست‌های پایدار اتخاذ نشود، انتشار کربن ناشی از گردشگری تا سال ۲۰۳۰ ممکن است بیش از ۲۵ درصد افزایش یابد. بنابراین، حرکت به سمت گردشگری سبز و کم‌کربن، توسعه اقامتگاه‌های پایدار و استفاده از حمل‌ونقل پاک به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است.

دیجیتالی‌شدن و تحول فناوری

فناوری‌های دیجیتال از جمله اینترنت پرسرعت، تلفن‌های هوشمند، هوش مصنوعی، واقعیت افزوده و واقعیت مجازی، تجربه سفر را دگرگون ساخته‌اند.

گردشگران امروز پیش از سفر با استفاده از پلتفرم‌های آنلاین مقصد خود را بررسی کرده و حتی امکان بازدید مجازی از جاذبه‌ها را دارند. مدیریت داده‌محور مقاصد نیز امکان تحلیل رفتار گردشگران را فراهم آورده است (Vujko, Knežević, & Arsić, ۲۰۲۳). علاوه بر این، هوش مصنوعی با ارائه پیشنهادهای شخصی‌سازی‌شده و واقعیت افزوده با غنی‌سازی تجربه بازدید، گردشگری را به مرحله‌ای تازه وارد کرده است.

تغییر سبک زندگی و تقاضای تجربه‌محور

تحولات اجتماعی نشان می‌دهد که نسل‌های جوان به‌ویژه نسل Z و هزاره، به جای تملک مادیات، بیشتر به دنبال تجربه‌اندوزی هستند. آن‌ها مقاصدی را انتخاب می‌کنند که امکان تعامل فرهنگی و مشارکت در فعالیت‌های بومی را فراهم کند. بر اساس گزارش مک‌کینزی و اسکیف (۲۰۲۴)، بیش از نیمی از نسل Z حاضرند برای تجربه‌های اصیل و منحصر به فرد هزینه بیشتری بپردازند. این روند موجب رونق گردشگری فرهنگی، ماجراجویانه و داوطلبانه شده است.

پیامدهای دوران پساکرونا

همه‌گیری کووید-۱۹ صنعت گردشگری را به طور موقت فلج کرد، اما در دوران پساکرونا برخی رفتارهای جدید در گردشگران تثبیت شد. سفرهای کوتاه‌مدت داخلی افزایش یافت، بهداشت و ایمنی به یکی از معیارهای کلیدی انتخاب مقصد بدل شد و دورکاری باعث رشد پدیده «گردشگران دیجیتال» گردید (MBO Partners, ۲۰۲۰). در نتیجه، انعطاف‌پذیری و تنوع‌بخشی بازارها به عناصر کلیدی مدیریت گردشگری پساکرونا تبدیل شدند.

تحولات جمعیتی و مهاجرت

پیرشدن جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته موجب رشد بازار «گردشگری نقره‌ای» شده است؛ بازنشستگان فعال با منابع مالی و زمان آزاد به دنبال سفرهای آرام و فرهنگی هستند (Hu et al., ۲۰۲۳). در

مقابل، رشد طبقه متوسط در اقتصادهای نوظهور سبب ورود میلیون‌ها گردشگر جدید از آسیا و آفریقا به بازار جهانی شده است. علاوه بر این، افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی به تقویت گردشگری بازدید اقوام و ریشه‌ها (VFR) انجامیده است (Karagöz, ۲۰۲۳).

روندهای نوظهور در گردشگری شهری

مدیریت ازدحام و گردشگری بیش‌ازحد

پدیده «گردشگری بیش‌ازحد» در شهرهایی مانند بارسلونا و ونیز مشکلاتی نظیر افزایش هزینه زندگی و نارضایتی ساکنان ایجاد کرده است (Hospers, ۲۰۱۹). این امر موجب شده شهرها به سمت مدیریت ظرفیت، توزیع گردشگران در فضا و زمان و اعمال محدودیت در جاذبه‌های خاص حرکت کنند.

گردشگری هوشمند

شهرهای هوشمند با بهره‌گیری از اینترنت اشیا، داده‌های کلان و اپلیکیشن‌های تعاملی تجربه‌ای شخصی‌سازی‌شده برای گردشگران فراهم می‌کنند. نمونه بارز آن سنگاپور است که با استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال، مدیریت مقصد و رضایت گردشگران را همزمان ارتقا داده است (Vujko et al., ۲۰۲۳).

گردشگری خلاق و معنادار

گردشگران شهری به‌طور روزافزون به دنبال تجربه‌هایی هستند که امکان تعامل با فرهنگ محلی را فراهم کند. کارگاه‌های صنایع دستی، گردشگری خوراک و تورهای پیاده‌روی محلی نمونه‌هایی از این روند هستند (McKinsey & Skift, ۲۰۲۴).

فناوری‌های غوطه‌ور

واقعیت افزوده و واقعیت مجازی فرصت‌هایی جدید برای معرفی تاریخ و فرهنگ شهرها ایجاد کرده‌اند. موزه‌ها و محله‌های تاریخی اکنون می‌توانند با این ابزارها تجربه‌ای نو و غنی به گردشگران ارائه دهند.

♦ مشارکت جامعه محلی

مدل‌های جدید گردشگری شهری ساکنان محلی را به بازیگران اصلی تجربه گردشگری تبدیل می‌کنند. پلتفرم‌هایی مانند Withlocals نشان می‌دهند که این روند می‌تواند منافع اقتصادی را مستقیماً به جامعه میزبان منتقل کند.

♦ پیشران‌های کلیدی تغییر

به‌طور کلی چهار پیشران زیر را می‌توان در شمار پیشران‌های کلیدی مطالعات آینده‌پژوهی گردشگری قلمداد کرد که سناریوهای آینده بر اساس تعامل این پیشران‌ها با یکدیگر جهت و شدت روندهای گردشگری را تعیین می‌کنند:

♦ **محیطی:** تغییرات اقلیمی، کمبود منابع و بلایای طبیعی؛

♦ **اقتصادی:** رشد طبقه متوسط در کشورهای نوظهور، نوسانات نرخ ارز و هزینه انرژی؛

♦ **فناورانه:** هوش مصنوعی، واقعیت مجازی/افزوده، اینترنت اشیا و اقتصاد اشتراکی؛

♦ **اجتماعی-فرهنگی:** تغییر سبک زندگی نسل‌های جدید، افزایش آگاهی زیست‌محیطی، تغییر ساختار خانواده و رشد فردگرایی. پیشنهادهایی برای شهرهای تاریخی ایران (مطالعه موردی: یزد)

یزد به عنوان نخستین شهر ایرانی ثبت‌شده در فهرست یونسکو ظرفیت بالایی برای بهره‌برداری از روندهای جهانی دارد. پیشنهادهای کلیدی عبارت‌اند از:

۱ **هوشمندسازی خدمات گردشگری:** ایجاد اپلیکیشن‌های راهنمای چندزبانه و تورهای واقعیت افزوده؛

۲ **مشارکت جامعه محلی:** آموزش و توانمندسازی ساکنان برای راه‌اندازی اقامتگاه‌های بوم‌گردی و روایت فرهنگ بومی؛

۳ **مدیریت ظرفیت گردشگر:** استفاده از داده‌های بلندنگ برای پایش حضور گردشگران و هدایت آن‌ها

به محلات کمتر شناخته‌شده؛

۴ **ارتقای خدمات و زیرساخت‌ها:** توسعه اقامتگاه‌های متنوع، حمل‌ونقل عمومی و خدمات رفاهی؛

۵ **حفاظت پایدار از میراث:** اجرای طرح‌های مدیریت میراث و کنترل تغییر کاربری بافت تاریخی؛

۶ **تاب‌آوری در برابر بحران‌ها:** آمادگی برای بلایای طبیعی و تنوع‌بخشی بازار هدف گردشگری.

♦ نتیجه‌گیری

آینده گردشگری ترکیبی از فرصت‌ها و چالش‌های نوظهور است. روندهای جهانی نظیر تغییرات اقلیمی، دیجیتالی‌شدن، تغییر سبک زندگی و پیامدهای کرونا در تعامل با پیشران‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناورانه، چهره جدیدی از این صنعت ترسیم می‌کنند. شهرهای تاریخی ایران می‌توانند با آینده‌نگری، مشارکت جامعه محلی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و حفاظت پایدار از میراث، جایگاهی ممتاز در نقشه گردشگری آینده بیابند. تصمیمات امروز مدیران و سیاست‌گذاران تعیین‌کننده آن است که آیا این شهرها در آینده صرفاً مقصدهایی مصرفی خواهند بود یا الگوهای از گردشگری پایدار و معنادار.



◀ برای دیدن منابع، رمزینه مقابل را اسکن کنید.

♦ در تلاقی زندگی و تماشا: شهرهایی که خانه‌اند، نه موزه

فرشته هاشمیه | دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد

« هر سال که مناسبت خاصی می‌رسد—چه جشن باشد، چه عزاداری یا تعطیلاتی که مردم را به سفر می‌کشاند—ما دیگر آن آرامش همیشگی را نداریم. انگار که خانه‌مان، کوچه‌مان، محل زندگی‌مان دیگر به ما تعلق ندارد. صدای آدم‌هایی که محله را نمی‌شناسند، شلوغی دوربین‌ها، بوق ماشین‌ها، و گاه بی‌توجهی به حریم خصوصی ما، همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد... زندگی‌مان در روزهایی که باید برای‌مان عادی باشد، تبدیل به یک نمایش عمومی شده. »

هرچیز ظرفیتی دارد. تصور کنید وارد یک آسانسور می‌شوید که برای پنج نفر طراحی شده، اما ده نفر داخلش هستند. نه تنها حرکتش کند می‌شود یا از کار می‌افتد، بلکه حس خفگی و نارضایتی هم برای همه به وجود می‌آید. بافت تاریخی شهر هم همین است. وقتی بیش از اندازه در معرض فشار و شلوغی قرار می‌گیرد، دیگر نه برای ساکنانش قابل تحمل است، نه برای بازدیدکنندگان دلنشین. نمی‌شود فقط به این فکر کرد که چطور گردشگر بیشتری جذب کنیم، بدون آن‌که به ظرفیت محله، زیرساخت‌ها و مردمی که اینجا زندگی می‌کنند توجه داشته باشیم. این محله‌ها فقط مقصد سفر نیستند؛ خانه‌اند. جایی برای رفت‌وآمد روزمره، برای صدای همسایه، برای کودکی که در کوچه بازی می‌کند. ساکنان هر محله، جزئی از بافت تاریخی هستند.

حفظ میراث یعنی حفظ همه چیز: هم معماری، هم فضا و هم زندگی‌ای که درون آن جریان دارد. ازدحام گردشگری موضوع تازه‌ای نیست؛ تقریباً همه‌ی بافت‌های تاریخی در گوشه‌وکنار جهان، دست‌کم در دوره‌هایی با این چالش روبه‌رو بوده‌اند. از کوچه‌پس‌کوچه‌های قدیمی در اسپانیا، ایتالیا و فرانسه گرفته تا محله‌های تاریخی در ایران و ترکیه، فشار ناشی از حضور انبوه گردشگران، بارها زندگی روزمره‌ی ساکنان و کیفیت فضاهای فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده است. با این حال، در سال‌های اخیر برخی کشورها با رویکردهایی هوشمندانه و نوآورانه، توانسته‌اند پاسخ‌هایی عملی برای مدیریت این بحران ارائه دهند؛ راه‌حلی که هم از میراث محافظت می‌کنند و هم تجربه‌ای متوازن‌تر برای بازدیدکنندگان و ساکنان فراهم می‌آورند. یکی از مهم‌ترین اسناد مرجع در این زمینه، چارچوب اقدام اتحادیه اروپا برای میراث فرهنگی (۲۰۱۸) است؛ سندی که به‌صراحت بر لزوم برقراری توازن در گردشگری فرهنگی تأکید دارد. در این چارچوب، پنج اصل کلیدی به‌عنوان ستون‌های هدایتگر معرفی شده‌اند:

♦ **گردشگری پایدار در برابر گردشگری انبوه:** تأکید بر جذب گردشگرانی که به فرهنگ و بافت تاریخی احترام می‌گذارند و پرهیز از پروژه‌های صرفاً اقتصادی که به اصالت مکان آسیب می‌زنند.

♦ **بازتوزیع فضایی و زمانی گردشگری:** هدایت گردشگران از «مقاصد پرتراکم» مانند ونیز و بارسلونا به مناطق کمتر دیده‌شده اما دارای پتانسیل فرهنگی، برای جلوگیری از فشار بیش از حد بر یک نقطه‌ی خاص.

♦ **سیاست‌گذاری مبتنی بر داده و شواهد:** توسعه سامانه‌های رصد و ارزیابی برای پایش مستمر آثار اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی گردشگری، و جلوگیری از «بیش‌گردشگری» (overtourism).



انسانی در بافت تاریخی شکل گرفت؛ یکی با عنوان «متفاوت بمانید» (Stay Different) که بازدیدکنندگان را به تجربه عمیق‌تر و محلی‌تر از شهر دعوت می‌کند؛ دیگری «گنجینه‌های پنهان» (Hidden Gems) که به جای تمرکز بر نقاط شلوغ، مکان‌های کمتر دیده شده اما ارزشمند شهر را معرفی می‌کند. این دو کمپین با روایت‌های تصویری، راهنمای محلی و ابزارهایی چون Google Maps، توانستند جریان گردشگری را از مراکز پرتراffic به محله‌های کم‌تردد هدایت کنند؛ محله‌هایی که حالا نه تنها از فشار شلوغی رها شده‌اند، بلکه کسب‌وکارهای کوچک‌شان رونق گرفته و تعامل میان ساکنان و بازدیدکنندگان نیز انسانی‌تر شده است.

از مرکز به روستاها و مناطق کم‌ترددتر برد تا هم بار فیزیکی و زیست‌محیطی بر مناطق اصلی کاهش یابد و هم منافع اقتصادی به‌طور متوازن‌تری در منطقه توزیع شود. هم‌زمان با این سیاست‌های توزیع جمعیت، برخی شهرها گامی فراتر برداشتند و برای ایجاد همزیستی پایدار با ساکنان، سیاست‌هایی ساختاری اتخاذ کردند. بارسلونا با جلوگیری از گسترش اقامتگاه‌های کوتاه‌مدت و بازگرداندن واحدهای مسکونی به ساکنان دائمی، حق زندگی در شهر را بر منفعت اقتصادی اولویت داد.

در این روش، بازدیدکنندگان باید زمان مشخصی برای ورود رزرو کنند تا حجم تردد در هر ساعت کنترل شود. این رویکرد، که الهام‌گرفته از الگوریتم‌های جریان حمل‌ونقل است، بدون اعمال محدودیت سخت‌گیرانه، جریان بازدید را توزیع و قابل‌مدیریت می‌کند. کاهش تراکم، صف‌های طولانی و فشار بر زیرساخت‌ها، افزایش ایمنی و رضایت گردشگران، و حتی کاهش مصرف آب و انرژی در ساعات اوج از مزایای مستقیم این روش به‌شمار می‌رود. از جمله نمونه‌های اجرای سیستم Time-Slot Entry می‌توان به آکروپولیس در آتن اشاره کرد که از سال ۲۰۲۳ اجرا شده است. در فلورانس، بازدید از موزه Uffizi تنها با رزرو زمانی انجام می‌شود و گسترش این شیوه به سایر نقاط گردشگری نیز در دست بررسی است. بارسلونا نیز در مکان‌هایی مانند پارک گوئل (Güell) و ساگرادا فامیلیا (Sagrada Família) از این سیستم بهره می‌برد و در آمستردام، موزه‌هایی مانند Rijksmuseum و Anne Frank House سال‌هاست با زمان‌بندی ورود فعالیت می‌کنند. همچنین و نیز برنامه دارد ورود به شهر را در روزهای شلوغ منوط به رزرو قبلی و پرداخت هزینه متغیر کند.

از سوی دیگر، شهرهایی مانند ادینبورگ تصمیم گرفتند نه فقط جریان زمان، بلکه فضای گردشگری را هم بازطراحی کنند. در این شهر، دو کمپین خلاقانه با هدف تغییر رفتار گردشگران و بازتوزیع ترافیک

در این مناطق، رونق گردشگری از یک‌سو موجب ایمن‌تر شدن برخی محله‌ها، افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود نسبی شرایط اقتصادی شده است؛ از سوی دیگر، رشد بی‌رویه و فقدان تنظیم‌گری مؤثر، نگرانی‌هایی جدی میان ساکنان ایجاد کرده است. آوریو کانینا، ساکن محله‌ی لاکالا در پالرمو، می‌گوید که ارزش ملک‌ها افزایش یافته و برخی کسب‌وکارهای جدید -نظیر رستوران‌ها- برای خود ساکنان نیز مفید بوده‌اند.

با این حال، تجربه برخی مناطق نشان می‌دهد که حتی در صورت پذیرش اصول درست و شناخته‌شده، اگر اجرای سیاست‌های گردشگری بدون نظارت، هماهنگی و ارزیابی مستمر باشد، می‌تواند پیامدهایی ناخواسته در پی داشته باشد. برای نمونه، در حالی که ساکنان رم، فلورانس و ونیز نسبت به ازدحام گردشگران، فشار بر زیرساخت‌ها و کمبود مسکن ناشی از افزایش اقامتگاه‌های کوتاه‌مدت معترض‌اند، در مناطق محروم‌تر جنوب ایتالیا مانند سیسیل، ماجرا پیچیده‌تر است.



با این حال، شکایاتی نیز در حال شکل‌گیری است: افزایش چشمگیر اجاره‌های کوتاه‌مدت، رشد شب‌زنده‌داری و پیامدهای اجتماعی ناخواسته‌ای چون افزایش فروش مواد مخدر. برخی شهروندان هشدار می‌دهند که مرکز تاریخی شهر در حال تبدیل شدن به یک «ویترین توریستی» است و ساکنان واقعی در حال حذف شدن از فضاها و اصیل زندگی‌اند. این دغدغه‌ها، بازتاب همان نگرانی‌هایی است که در بسیاری از شهرهای میراثی با گردشگری کنترل‌نشده بروز یافته‌اند؛ از ونیز و فلورانس گرفته تا کیپ‌تاون یا استانبول. داده‌های تجربی از استان‌های مختلف ایتالیا نشان می‌دهد که اگرچه گردشگری فرهنگی، به‌ویژه در مقایسه با گردشگری انبوه، پایدارتر و سودمندتر به نظر می‌رسد، اما رابطه آن با رفاه اقتصادی محلی، ساده و خطی نیست. تا جایی که جذب گردشگران علاقه‌مند به فرهنگ، به توزیع ثروت منطقه‌ای و رونق کسب‌وکارهای محلی کمک می‌کند، این مسیر مفید است؛ اما از یک نقطه به بعد، تراکم بیش از حد گردشگران به‌ویژه در «مقاصد ستاره‌ای» به نتایج معکوس می‌انجامد: ازدحام، تخریب فضا، افزایش هزینه‌های خدمات عمومی و کاهش بازده اقتصادی. به بیان دیگر، در نبود مدیریت هدفمند، گردشگری فرهنگی نیز می‌تواند قربانی موفقیت خود شود.

در مرور راهکارهای موفق اجرا شده در جهان برای مدیریت گردشگری می‌توان به اجرای سیستم «ورود زمان‌بندی‌شده» یا Time-Slot Entry در مراکز پرتردد گردشگری است.



اما این تجربه‌ها، تنها محدود به شهرهای دوردست نیستند. شهری مثل یزد -با همه غنای فرهنگی، پهنه تاریخی منحصربه‌فرد، و هویتی که هنوز در کوچه‌های آن نفس می‌کشد- می‌تواند از همین امروز به‌سوی مدلی متوازن‌تر از گردشگری گام بردارد. یزد از سال ۱۳۹۶ به‌عنوان یک شهر تاریخی در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده، اما با وجود گستردگی ارزشمند بافت، همچنان بخش عمده‌ای از گردشگری به چند نقطه خاص در ایام خاص محدود شده است. این تمرکز فضایی و زمانی، هم از کیفیت تجربه گردشگران می‌کاهد و هم فشار نامتوازنی بر زیرساخت‌ها و زندگی روزمره ساکنان وارد می‌کند. برای پاسخ به این چالش، می‌توان از راهکارهایی بهره گرفت که ریشه در همان فلسفه‌ی بازتوزیع عادلانه‌ی جریان گردشگری دارند. تعریف کمپین‌هایی برای معرفی جاذبه‌های کمترشناخته‌شده در دیگر بخش‌های بافت تاریخی، یکی از اولین گام‌هاست. این کمپین‌ها می‌توانند به‌کمک روایت‌های محلی، بلاگرهای بومی، تولید پادکست‌های صوتی و تصویری، و ابزارهایی چون نقشه‌های تعاملی دیجیتال، جریان توجه گردشگران را از چند نقطه خاص فراتر ببرند.



در چین، منطقه‌ی کوهستانی و میراثی هوانگ‌شان با حجم بالایی از گردشگر مواجه بود که تمرکزشان بر مناطق مرکزی طبیعی و فرهنگی، به تخریب تدریجی این فضاها انجامیده بود. اما از سال ۲۰۰۸، با ایجاد رصدخانه‌ی گردشگری پایدار و همکاری با سازمان جهانی گردشگری (UNWTO) و یونسکو، الگویی جدید شکل گرفت که بازدید را به‌صورت هدفمند به نواحی پیرامونی هدایت می‌کرد. این مدل، با تحلیل داده‌های میدانی، جریان بازدید را در کیوتو، حفظ سکوت و هویت فرهنگی محله‌های سنتی با تعیین مناطق ممنوعه برای گردشگران و تدوین دستورالعمل‌های رفتاری صورت گرفت. در برن نیز ساکنان از طریق نهادهای محلی مستقیماً در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سیاست‌گذاری گردشگری مشارکت دارند؛ رویکردی که اعتماد و پذیرش اجتماعی را افزایش داده است. در نهایت، اگر قرار باشد گردشگری هم زیبا باشد و هم پایدار، باید میان آنچه دیده می‌شود و آنچه در آن زندگی می‌کند، تعادل برقرار کرد. تجربه‌ی شهرهایی که با درایت و مشارکت عمومی به سراغ این مسئله رفته‌اند نشان می‌دهد که می‌توان میراث را حفظ کرد، گردشگر را خشنود نگه داشت و در عین حال، به ساکنان احساس تعلق، آرامش و احترام داد.

همزمان، پخش رویدادهای فرهنگی در بازه‌های زمانی متنوع و در نقاط مختلف بافت تاریخی -به‌ویژه در مناطقی که کمتر دیده شده‌اند- می‌تواند به شکل‌گیری یک الگوی زمانی-فضایی متعادل کمک کند. تأکید بر تنوع رویداد، مشارکت محله‌ای در اجرا و تبلیغات هدفمند پیرامون آن‌ها، به ساکنان نیز این فرصت را می‌دهد که نقش فعال‌تری در ساختن تصویر گردشگری شهر داشته باشند.

یکی دیگر از پایه‌های این تحول، ایجاد رصدخانه گردشگری است. نهادی مستقل یا وابسته به شهرداری که بتواند به‌طور مداوم داده‌هایی درباره رفتار بازدیدکنندگان، اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی گردشگری و میزان رضایت ساکنان گردآوری و تحلیل کند. این نهاد باید نقش مغز تحلیلی سیاست‌گذاران گردشگری را ایفا کند؛ با استفاده از این داده‌ها، مسیرهای پیشنهادی طراحی شود، منابع توزیع شوند و نقاط بحرانی قبل از بحران شناسایی گردند.

از دیگر ضرورت‌ها، ایجاد زیرساخت‌هایی برای بهبود آسایش اقلیمی در بافت تاریخی است. اگر می‌خواهیم بازدیدها فقط محدود به تعطیلات نوروز یا فصول خنک نباشد، باید محیطی فراهم شود که در بیشتر روزهای سال برای گردشگری مناسب باشد. نصب سایه‌بان‌ها، آب‌سردکن‌ها، استراحتگاه‌های موقت، یا حتی سیستم‌های مه‌پاش در برخی معابر شلوغ، می‌تواند بازدید از یزد را در ماه‌های گرم هم امکان‌پذیر و دل‌پذیر کند. در این میان، حفظ و مستندسازی تاریخ شفاهی محله‌ها، نه تنها به حفظ حافظه فرهنگی شهر کمک می‌کند، بلکه منبعی الهام‌بخش برای روایت گردشگری محله‌محور خواهد بود.

هر محله، هر خانه و هر کوچه داستانی دارد؛ شنیدن این داستان‌ها از زبان خود مردم، تجربه‌ای انسانی‌تر و ماندگارتر برای گردشگران خواهد ساخت. و در نهایت، هیچ‌کدام از این پیشنهادها بدون حضور

فعال و نظرروشن ساکنان، معنا و پایداری نخواهد داشت. بافت تاریخی یزد هنوز زنده است، ساکن دارد، نفس می‌کشد و هرگونه سیاست‌گذاری در حوزه گردشگری باید با حضور همین مردم شکل بگیرد. ایجاد سامانه‌هایی برای نظرسنجی مداوم، تشکیل نشست‌های محله‌ای، و اجرای پروژه‌هایی که پیش از اجرا، حین اجرا و پس از آن ارزیابی می‌شوند، می‌تواند تضمینی برای حفظ تعادل میان توسعه گردشگری و کیفیت زندگی شهری باشد.

یزد، با همه میراثش، بیش از آنکه نیازمند تبلیغات گسترده باشد، نیازمند نگاهی دقیق‌تر، انسانی‌تر و آینده‌نگرتر است؛ نگاهی که گردشگر را نه مزاحم، بلکه مهمان بداند؛ و ساکن را نه تماشاگر، بلکه صاحب‌خانه.



◀ برای دیدن منابع، رمزینه مقابل را اسکن کنید.

گردشگری شهری تنها جابه‌جایی میان مقصدهای متعدد نیست؛ تجربه ای است در دل شهر که معنا، هویت و روایت را در مکان‌ها زنده می‌کند. در این شماره با پرونده‌ای ویژه به سراغ «گردشگری شهری؛ پیوند مکان و معنا» رفته‌ایم تا از زاویه‌ای تازه به شهر نگاه کنیم. روایت در شهر و گردشگری، نقش جامعه محلی در شکل‌دهی تجربه‌ها، حافظه جمعی و بازخوانی هویت، روندهای نوظهور گردشگری و ایده‌های نو در فضاهای شهری بخشی از این کاوش‌اند. همچنین تجربه‌های سازمان‌های مردم نهاد و گروه‌های دانشجویی را مرور کرده‌ایم تا نشان دهیم چگونه خلاقیت و مشارکت می‌توانند آینده گردشگری شهری را رقم بزنند.

در این‌جا به تازه‌هایی پیرامون شهر سر می‌زنیم و با هم مرور می‌کنیم. اگر به مسئله شهر علاقه‌مند هستید، با ما هم‌گام شوید.

piramoun.mag@gmail.com

راه ارتباطی ما:



پیرامون

فضایی برای جست‌وجوی تازه‌هایی از شهر

piramoun.mag@gmail.com
@piramoun_mag

مرکز خلاقیت و نوآوری
شهرداری یزد

